پند و اندرز در قرآن

از دیدگاه اهل سنّت

نویسنده : علی اکبر خازه

پند و اندرز در قرآن

از دیدگاه اهل سنّت

نویسنده: علی اکبر خازه

سرشناسه : خازه، علی اکبر، ۱۳۱۸.
عنوان و پدیدآور : پند و اندرز در قرآن / علی‌اکبر خازه
مشخصات نشر : سنندج: علی‌اکبر خازه، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری : ۱۹۱ ص.
شابک : ۱ - ۸۱۲۷ - ۶۰ - ۴۶۹ - ۸۷۹
وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
یادداشت کلی : فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا
موضوع : قرآن - تحقیق.
رده‌بندی کنگره : BP ۵۶ / ۳ / خ ۱۷ ب ۹
رده‌بندی دیویی : ۱۵ / ۳۹۷
شماره کتابخانه ملی : ۸۴ - ۳۶۳۸۹ م

مشخصات کتاب

نام : پند و اندرز در قرآن
نویسنده : علی اکبر خازه
ناشر : مؤلف
حروفچینی : توحید «سنندج»
تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه
چاپخانه : چاپ معلم
نوبت چاپ : چاپ دوّم ۱۳۸۷
شابک : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۰۶ - ۷۲۱۸ - ۱
ISBN:978-964-06-7218-1
قیمت : ۲۰۰۰ تومان

اهدائی:

این سعی و کوشش اندک را به آموزگاران، دانش آموختگان قرآن کریم و عموم کسانیکه برای جلوه دادن رخسار زیبا و دلنشین دین مبین اسلام در تلاشند تقدیم می‌دارم. امید است، آسمانی بدور از هر گونه آلودگی و پر از پرنده‌های زیبا و خوش نوی و سرزمینی آباد، انباشته از خیر و برکت و صلح و صفا و صمیمیت داشته باشیم...

«علی‌اکبر خازه»



پیشگفتار:

خداوند بزرگ در سوره بقره آیه «۱۸۶» فرموده است:

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴾

در این آیه خداوند مهربان متعهد شده است که به دعا و درخواستهای بندگان خود پاسخ مثبت دهد و در مقابل، آنان را ملزم نموده است که برای پیمودن راه هدایت تنها از خود او پیروی و درخواست مدد و یاری کنند.

لیکن خداوند حکیم به حکم علم ازلی خویش می‌داند که علم و آگاهی انسان برای رسیدن به این هدف محدود است. بنابراین وسایلی گوناگون در اختیارش قرار داده و از جمله این دعا و نیایش‌ها است که بواسطه آنها نیازمندیهای خود را به درگاه پروردگار خویش عرضه می‌دارد. پس هدف و مراد از نگارش این کتاب انتخاب آیه‌های است که انسانهای مؤمن جهت رهائی از گرفتاریهای خود از آنها استفاده می کنند.

همانطور که قبلاً اشاره شد علم و آگاهی انسان در حدی نیست که بداند، در پشت پرده چه می گذرد، بنابراین ممکن است در بعضی موارد برخی از دعا و درخواستهای او از جانب خداوند

بزرگ مورد پذیرش قرار نگیرند حتی اگر دعاگویان و دعوت‌کننده‌گان از پیغمبران و دوستداران خدا هم باشند.

لذا جهت روشنترشدن این مسأله، دعا و درخواستها را به دو بخش تقسیم می‌کنیم: ۱- دعا و درخواستهایی که از جانب خدای توانا پذیرفته شده است و پذیرفته خواهد شد. ۲- دعا و درخواستهایی که پذیرفته نشده است و پذیرفته نخواهد شد.

اگر این موضوع را از طریق قرآن کریم مورد مطالعه قرار دهیم برای ما ثابت خواهد شد که این کتاب آسمانی به همه پرسشهای انسان پاسخ داده و هیچ معمائی را بدون حل باقی نگذاشته است.

پس در بخش نخست به دعا و درخواستهایی می‌پردازیم که در گذشته از جانب خداوند رحیم مورد پذیرش قرار گرفته است و در آینده نیز قرار خواهد گرفت.

همانطور که روایت شده است، هنگامی که حضرت رسول‌اکرم‌صلی الله علیه وسلم جهت تبلیغ برای دین مبین اسلام به شهر طایف تشریف برده بودند، مشرکان و کافران آن دیار آنقدر نسبت به ایشان توهین کرده و آسیب می‌رسانند که حضرت رسول از دست آنها به ستوه می‌آید و در نتیجه آن متأثر و غم‌زده، در سایه دیواری قرار می‌گیرند، سپس لب را به دعا و تضرع گشوده و می‌فرماید: پروردگارا، ای پرورش‌دهنده همه جهانیان من از آن بیم دارم که ذات مبارك شما از من راضی نباشد، در غیر این صورت من حاضرم به خاطر اعلای کلمه تو تحمل بیشتری را داشته باشم

لیکن خداوندا، من در محیطی امن‌تر و آرام‌تر می‌توانم تو را بهتر پرستش کنم.

و در نتیجه آن خداوند رحیم دعاء و درخواست حضرت رسول اکرم ﷺ را می‌پذیرد و به زمین و دریا و کوهها فرمان می‌دهد: که به یاری او بشتابند.

و در سوره (الأنبیاء) آیه «۷۶» خداوند مهربان فرموده است: و نوح مرا ندا کرد و گفت: پروردگارا، مرا دریاب و روی زمین را از وجود کافران پاک گردان و ماهم دعای ایشانرا پذیرفتیم و او و خاندان و پیروانش را از غم و اندوهِ وحشتناک رهانیدیم، و در آیه «۸۳» و ایوب را نیز نجات دادیم و دعای ایشان را پذیرفته و بیماری وی را برطرف ساختیم و در آیه «۸۷» و یونس را که در تاریکی دریا و شکم نهنگ فریاد برآورد که (کریما و رحیما) پروردگاری جز تو نیست، تو پاک و منزهی و من از جمله ستمکاران شده‌ام پس (مرا دریاب) و ما دعای ایشان را پذیرفتیم و او را از غم و اندوه نجات دادیم.

آری آنچه بیان گردید قطره‌ای است از دریای بیکران دعاها و درخواستهای بندگان که از جانب خداوند حکیم پذیرفته شده است. اما آنچه که در زیر آمده است گزیده‌ای از درخواستها و دعاهایی است که رد شده و مورد پذیرش قرار نگرفته است. حضرت رسول اکرم در یکی از سخنان خود فرموده است. در جهان آخرت آنگاه که من در کنار حوض کوثر می‌نشینم عده‌ای را که چهره آنها بسیار

تابناک و نورانی است از کنار من عبور می‌دهند و هنگامی که آنان را می‌بینم، می‌پندارم از افراد باوفای امت من و از بندگان مؤمن خدای مهربان هستند، بنابراین از جا برخاسته و به آنان می‌گویم بیایید از این آب خنک، زلال و گوارا میل کنید. ولی مأمورانی که همراه آنها هستند با درخواست من موافقت نمی‌کنند و می‌گویند: ای پیامبر تو نمی‌دانی، پس از رحلت شما اینان دست به چه کارهایی خلاف دستورات شما زده‌اند. حضرت رسول اضافه می‌کند، پس از شنیدن این خبر، من فوراً از مطرح کردن چنین درخواستی پشیمان شده و می‌گویم: زنهار از دست این چنین آدمهایی، آنها را از من دور کنید.

و در سوره (توبه) آیه «۸۰» خداوند خطاب به حضرت پیغمبر می‌فرماید: ای رسول ما، چه شما برای منافقین طلب آمرزش کنی، چه نکنی فرقی ندارد و حتی اگر هفتاد بار برای آنان هم طلب آمرزش کنی هرگز خداوند آنان را نمی‌آمرزد و آن بدان خاطر است که آنها به خدا و پیغمبر او ایمان ندارند. و در سوره (هود) آیه «۴۵» گفته شده است: نوح پروردگار خود را به فریاد خواند و گفت: پروردگارا پسرم کنعان که امواج سیلاب اِو را فرو بلعیده است از خاندان من است، پروردگارا لطف و مرحمتی درحق ما بفرما و پسرم را از غرق شدن نجات ده که تو داورترین داوران و دادگرترین دادگرانی.

خداوند در جواب می‌فرماید: ای نوح پسرت از خاندان تو نیست چرا که او به سبب کردار پلیدش از تو فرسنگها فاصله دارد، من تو را نصیحت می‌کنم تا از نادانان نباشی و این را بدان که در مکتب آسمانی پیوند براساس عقیده است، نه گوشت و خون و پوست نوح گفت: پروردگارا از اینکه چیزی را از این به بعد از تو بخواهم که بدان آگاه نباشم، خویشتن را در پناه تو قرارداده و عاجزانه از آستان مقدست می‌خواهم که مرا از چنین لغزشهای بدور داری، بدرستی اگر بر من نبخشایی و به من رحم ننمایی از زیانکاران خواهم بود.

از مطالبی که بیان شد ثابت می‌گردد که اخلاق، روش و تصمیم پیامبران با اخلاق، روش و تصمیم افراد عادی و معمولی تفاوت بسیاری دارد، چرا که خیلی از انسانها اسیر هوی و هوس و احساسات خویش هستند ولی پیامبران خود را از دام این آفات رهانیده. و بر آرزوهای خویش غلبه کرده‌اند و این به خودی خود دلیلی است که برتری آنان را بر ما مسلم می‌کند.

در مورد چگونگی استفاده نمودن از نیایش‌ها در قرآن کریم بنابه روایتی، یکی از بزرگان به فرزند خویش سفارش می‌کند که در مورد موضوعی خصوصی دعایی را بنویسد ولی به این دلیل که فرزند در آن زمینه تجربه کافی نداشته است درباره‌ی درخواست پدر ابراز ناتوانی می‌نماید اما پس از اندیشیدن و تفکر بسیار سرانجام تصمیم می‌گیرد هر آنچه را که در مورد آن مسأله در قرآن کریم

وجود دارد گردآوری کند و پس از خاتمه کار آن را به پدر خویش تقدیم نماید.

هنگامی که پدر متن دعا را می‌خواند بسیار خوشحال می گردد و تحسین گویان به پسرش می گوید: آفرین بر تو فرزندم آنچه را که خواست من بوده است شما آن را به جا آورده‌ای.

در این رابطه یکی از دوستان می گوید: در روزگار آشفته و پر متلاطم ما انسانها بیش از هر چیز دیگری نیاز به نیروی معنوی دارند ولی برخلاف آن برخی از مردم برای جلوگیری از تجاوز دزدان و خلافکاران به مال و ناموس خویش، بر روی دیوار خانه‌های خود سیم خاردار نصب می کنند و جهت احتیاط بیشتر در بعضی حالات آن را با سیم برق هم متصل می‌نمایند.

اما چون کاربرد وسایل و ابزاری که دزدان و خلافکاران در اختیار دارند به مراتب بیشتر از تدابیر و دوراندیشی صاحب خانه‌ها است، چنانکه می‌بینیم هر روز خلافکاریهای بیشتری نسبت به روز قبل رخ می‌دهد.

بنابراین جهت جلوگیری از به وجودآمدن چنین حالتی بهتر آن است که مؤمنان از وسایلی استفاده نمایند که دزدان و خلافکاران آنها را نداشته باشند و آن جز تقوا که نیروی معنوی به وجود می‌آورد چیز دیگری نمی تواند باشد.

در مورد تعداد دعاها و کمیّت آنها در قرآن کریم عده‌ای بر این باورند که آیه‌های دعا و نیایش در قرآن کریم بسیار اندک و معدود

است و حتی عده‌ای می‌پندارند که تنها آیه الکرسی و آیه‌های معوذتین و قسمتی از سوره قلم جهت جلوگیری از آسیب نظرهای بد حسودان و بدخواهان باید در درون خانه‌ها و محلهای کسب قرار داد. امّا آنچه که برای من در مدت تحقیق ثابت و مسلم گردید این چنین است. همانطور که می‌توان برای دفع بلاها از بیشتر آیه‌های قرآن کریم استفاده نمود، همینطور هم میشود برای حل معضلات پیچیده فکری از آیات این کتاب مقدس آسمانی بهره گرفت.

در این رابطه یکی از دوستان می گوید: نزدیک به پنجاه سال است که با قرآن آشنا شده و انس گرفته‌ام، اما با آن همه آشنایی و الفت برخی مشکلات فکری که برایم پیش آمده بود هنوز حل نشده و باقی مانده بود. و یکی از آنها همان موضوع گردآوری مال و سامانی است که از جانب عده‌ای از مردم به گونه‌ای افراط‌آمیز به چنگ می‌آید، خصوصاً که خداوند رحیم در قرآن کریم چنین رفتاری را مکرراً مذمت و سرزنش کرده و در بسیاری از آیات به بدی یاد کرده است.

در این رابطه پندی در زبان عربی وجود دارد که می گوید: (نعم المال الصالح لرجل صالح) به این معنا که بهترین مال و سامان حلال و بی‌آلایش در خور و شایسته صالح‌ترین مرد است. این پند مرا تحت‌الشّعاع خود قرار داده بود، لذا با خود می گفتم. چه اشکالی وجود دارد که انسان مؤمن و پرهیزکار هم مانند دیگران دارا و ثروتمند گردد؛ اما این مسئله را فراموش کرده بودم تا زمانی که در

جامعه فردی نیازمند وجود داشته باشد این امکان وجود ندارد که مؤمنان و پرهیزکاران هم مانند دیگران دارا و ثروتمند گردند.

این دغدغه‌های خاطر همچنان ادامه داشت تا شبی که مشغول تلاوت قرآن کریم بودم و به سوره زخرف رسیدم، در آن سوره با آیه‌هایی که در مورد این مسأله بحث می‌کرد برخورد نمودم.

و در واقع معنی و مفهوم این آیه‌ها مرا تکان داد و برای همیشه از آن اوهام و پندارهای غلط و نادرست دور ساخت.

﴿الزُّخرُف﴾ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِٱلرَّحْمَٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا ۚ وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَٱلْءَاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

آیا آنان رحمت پروردگار تو را تقسیم می‌کنند و کلید رسالت را به هر که بخواهند می‌سپارند؟ این مائیم که معیشت آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و برخی را بر برخی دیگر برتریهائی داده‌ایم تا بعضی از آنان را بعضی دیگر را بکار گیرند و به یکدیگر خدمت کنند و رحمت پروردگار از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است. اگر بهره‌مند شدن کفار از انواع مواهب و

نعمتهای مادی سبب نمی‌شد که همه مردم تمایل به کفر پیدا کنند و در گمراهی ملت واحدی گردند ما برای کسانی که به خداوند باور نمی‌داشتند خانه‌هائی با سقفهائی از نقره فراهم می‌آوردیم و برای آنان پله‌ها و نردبانهای سیمین ترتیب می‌دادیم که از آنها بالا روند... چرا که نعمت چند روزه حیات دنیوی بی‌ارزش، و در مقابل نعمت جاویدان آخرت چیزی به حساب نمی‌آید. و برای خانه‌هایشان درهائی فراهم می‌آوردیم و تختهائی نقره‌ای که برآنها تکیه می‌زنند و می‌لمند ترتیب می‌دادیم. و زر و زیور و انواع زینت آلات و وسائل تجملی بدیشان می‌دادیم اما همه آنها متاع زندگی این جهان است و آخرت در پیشگاه پروردگارت برای پرهیزکاران آماده است و نعمت سرای جاویدان که از آن خداپرستان است با نعمت جهان گذران قابل مقایسه نیست.

پس از روشن‌شدن این مسأله و درک و فهمیدن آن بصورت ریشه‌یی، خود را برای همیشه از شک و اوهام رهانیده و برای اولین بار در آن شب فرخنده احساس آرامش کردم و هنگامی که در خوابی عمیق فرو رفته بودم در عالم رویا به محل کسب یکی از آشنایان ثروتمند دیار خود رفتم، آنجا هر چند محوطه فروشگاه بسیار بزرگ و وسیع بود امّا با کفی خراب شده و سقفی آسیب دیده مواجه شدم، و هنگامیکه درباره کار و درآمد از صاحب فروشگاه سؤال کردم در جواب گفت: وضع بسیار بد است من در آستانه سقوط قرار دارم. و سرانجام پس از خداحافظی از صاحب فروشگاه

و قبل از خروج از آن جا در میان گرد و خاکهایی که کف فروشگاه را پوشانیده بود، چندین قرص نان را مشاهده کردم و هنگامی که نان‌ها را لمس کردم متوجه شدم آنقدر گرم هستند که گویا تازه از تنور خارج شده‌اند اما چون نان‌ها کپک زده و با گرد و خاک آمیخته شده بودند هرگز قابل خوردن و استفاده نبودند.

پس از شنیدن این ماجرا و یاد داشت نمودن آن در متن آن قسمت از کتاب که مربوط به حب دنیا و متعلقات آن است تازه برایم روشن گردید که چرا و برای چه خاندان حضرت امام علی کرم الله وجهه الکریم که جهت شفایافتن فرزندان خود از بیماری، سه روز روزه نذر گرفته بودند، به آن بینوا، یتیم و اسیری که هر شب یکی از آن‌ها جهت تأمین نیازمندیهای خود بسوی آن خاندان محترم مراجعه کرده و تقاضای کمک نموده بودند، هر چه از طعام که در خانه داشته به آنان هدیه نموده‌اند. و چون طعامی برای خودشان باقی نمانده بود آن شبها را تنها با نوشیدن آب افطار کرده و روزه می‌گرفتند، و در مقابل آن همه ایثار و نیکوکاری، خداوند رحمان در شأن آنان آیه ﴿ وَيُطۡعِمُونَ ٱلطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِۦ مِسۡكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴾ نازل فرموده است.

و همچنین این مسئله هم برای من روشن گردید که به چه دلیل حضرت ابوبکر صدیق ﷺ در اوایل ظهور دین مبین اسلام، هنگامی که مسلمانان هنوز نوپا بوده و نیاز به کمک ثروتمندان داشته‌اند هر آنچه را که از مال و سامان داشته‌اند، جهت خشنودی خداوند و

پیامبرش به بیت‌المال تقدیم کرده است و هنگامی که از ایشان پرسیده می‌شود که آیا جهت روز مبادا چیزی برای خویش نگه داشته‌اید؟ در جواب می‌فرماید: آری جهت آن روز خدا و پیامبرش را برای خویش نگه داشته و در نظر گرفته‌ام.

هر چند در این مقدمه درباره‌ی دعا و نیایش بیش از هر چیز دیگری بحث شده است؛ اما هماهنگونه که خوانندگان محترم ملاحظه می‌فرمایند در بخش‌های مختلف این کتاب به اکثر نیازمندی‌های انسان توجه کافی شده است؛ از شیوه‌های مختلف برخورد با مشکلات اجتماعی گرفته تا چگونگی اداره کردن یک مملکت ولی آنچه بیش از همه با انسان رابطه‌ی قلبی برقرار می‌کند همان پند و اندرزهایی است که در قرآن کریم و بخصوص در سوره‌های اسراء، لقمان، حجرات و نور بیان شده است. بنابراین عنوان پند و اندرز در قرآن برای این کتاب برگزیده شد.

در پایان از شما خوانندگان گرامی به سبب طولانی‌شدن مقدمه پوزش می‌طلبم و چشم به راه دعای خیرتان هستم...

علی اکبر خازه

خدا عالم مطلق است

﴿البقرة﴾ وَعَلَّمَ ءَادَمَ ٱلْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنۢبِـُٔونِى بِأَسْمَآءِ هَٰٓؤُلَآءِ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَآ إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾

خداوند بزرگ در این دو آیه می‌فرماید: و خدای عالم همه اسماء را به آدم آموخت آنگاه حقایق آن اسماء در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: خبر دهید مرا باسماء اینان اگر می‌پندارید راست می گوئید«۳۱» فرشتگان عرض کردند: خداوندا، تو پاک و منزهی و ما نمی‌دانیم چیزی جز آنچه که تو خود بما تعلیم فرمودی توئی دانا و حکیم.«۳۲»

﴿البَقَرة﴾ لِّلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ وَإِن تُبْدُوا۟ مَا فِىٓ أَنفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُم بِهِ ٱللَّهُ ۖ فَيَغْفِرُ لِمَن يَشَآءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۸۴﴾

آنچه در آسمان و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه از نیات خیر و شر که در دل دارید آشکارا یا پنهان کنید همه را خدا در محاسبه شما بیاورد، آنگاه هر که را خواهد می‌بخشد و هر که را خواهد عذاب می کند و خداوند بر هرچیز تواناست.«۲۸۴»

﴿آل‌عمران﴾ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَىْءٌ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ ﴿۵﴾ هُوَ ٱلَّذِى يُصَوِّرُكُمْ فِى ٱلْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ ۚ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿۶﴾

بدرستی که هیچ چیزی پوشیده نمی‌ماند برخدا از کائنات نه در زمین و نه در آسمان«۵» و اوست که می‌نگارد صورتهای شما را در رحم مادران، به هرگونه که می‌خواهد، و نیست هیچ معبودی بجز او غالب و استوار کار.«۶»

﴿الأنعام﴾ وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِى ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِى ظُلُمَٰتِ ٱلْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِى كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾

و نزد خداست کلیدهای غیب و کسی جز خدا برآنها آگاه نیست و بدون رضایت او هیچ برگی از درخت نیفتد و هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین نروید، و هیچ تر و خشکی نیست جز آنکه در کتاب مبین مذکور است.«۵۹»

﴿هود﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُۥ فَٱعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

و مخصوص خداست اسرار آسمانها و زمین و همه کارها بسوی او برمی گردد پس او را عبادت کن و بر او توکل کن و پروردگار تو از آنچه می کنید غافل نیست.«۱۲۳»

﴿الرعد﴾ ٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا تَغِيضُ ٱلْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَىْءٍ عِندَهُۥ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ ﴿٩﴾

تنها خدا می‌داند که بار حمل آبستان چیست و رحمها چه نقصان و زیادت خواهد یافت و مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است «۸» و اوست آگاه به عوالم غیب و شهوده خدای بزرگ و متعال. «۹»

﴿القصص﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ ٱلْحَمْدُ فِى ٱلْأُولَىٰ وَٱلْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ ٱلْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

ای پیغمبر پروردگار تو آگاه است از آنچه سینه‌هایشان از کینه‌ها در خود پنهان میدارد و از آنچه آنان آشکار می‌سازند و به صورت اعتراض و طعنها بروز می‌دهند«۶۹» پروردگار تو اللّهَ است و خدائی جز او نیست و هرگونه سپاس و ستایش بدو تعلق دارد. چه در این جهان و چه در آخرت و فرماندهی و داوری تنها از آن او است و نیز بازگشت همه شما به سوی او خواهد بود...«۷۰»

﴿ابراهيم﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِى وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ ﴿٣٨﴾

پروردگارا تو به هرچه ما پنهان و آشکار کنیم آگاهی، تو خدائی و البته برخدا هیچ چیز نمی‌شود پنهان کرد نه در آسمان و نه در زمین.«۳۸»

﴿الكهف﴾ قُل لَّوْ كَانَ ٱلْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَٰتِ رَبِّى لَنَفِدَ ٱلْبَحْرُ قَبْلَ أَن تَنفَدَ كَلِمَٰتُ رَبِّى وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِۦ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾

بگو اگر دریا برای نوشتن کلمات پروردگار من مرکب شود، پیش از آنکه کلمات خدا به آخر رسد دریا خشک خواهد شد ولو مانند آن دریا کمک بیاوریم «۱۰۹»

﴿المجادله﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۖ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَٰثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَآ أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾

آیا ندیدی و ندانستی که خدا برآنچه در آسمان و زمین است آگاه می‌باشد و هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم آنها باشد و نه پنج کس جز آنکه او ششم آنها باشد و نه کمتر از آن و نه بیشتر جز آنکه هرکجا باشند با آنهاست پس روز قیامت همه را به نتیجه اعمالشان آگاه خواهد ساخت که خدا بکلیه امور عالم داناست. «۷»

﴿لقمان﴾ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي ٱلْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌۢ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌۢ ﴿٣٤﴾

همانا علم ساعت نزد خداست و او باران را فروبارد و او آنچه از نر و ماده و زشت و زیبا که در رحمهای آبستن است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند که فردا چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به

کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد، پس او بر کلیه اسرار و دقایق عالم آگاهست. «۳۴»

﴿الحدید﴾ هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْآخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

اوست اول و آخر و پیدا و پنهان و تنها اوست آگاه بهمه امور عالم «۳»

﴿الحدید﴾ مَآ أَصَابَ مِن مُّصِيبَةٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا فِيٓ أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَٰبٍ مِّن قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَآ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا تَأْسَوْاْ عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمْ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾

هیچ گاه مصیبتی در سرزمین و در درون جانهای شما روی نمی‌دهد مگر آنکه در لوح محفوظ موجود باشد، حقیقتاً که این کار برخدا آسان است «۲۲» و این هم برای آنست که هرگز برآنچه از دست شما رفته دلتنگ نشوید و به آنچه به شما رسد دلگشاد نگردید و خدا دوستدار هیچ متکبر و خودستانی نیست. «۲۳»

﴿یس﴾ إِنَّمَآ أَمْرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيْـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾ فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِي بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

همانا فرمان خدا اینستکه وقتی چیزی ارادت کند به او می‌گوید موجود شو و او موجود می‌شود. «۸۲» پس پاکی و نزاهت تنها از آن خداوند است که مالکیت و حاکمیت همه چیز در دست اوست و شما به سوی او برگردانده می‌شوید «۸۳»

(لقمان) ﴿وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۷﴾﴾

و اگر همه درختهای روی زمین قلم شوند و آب دریا با اضافه هفت دریای دیگر مرکب شود باز نگارش کلمات خدا ناتمام بماند که همانا خدا را اقتدار و حکمت است. «۲۷»

از ویژگیهای شخصیتی و اخلاقی رهبر مسلمانان

﴿آل‌عمران﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ لِنتَ لَهُمْ ۖ وَلَوْ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلْقَلْبِ لَٱنفَضُّواْ مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِى ٱلْأَمْرِ ۖ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾

پس چون رحمت خدا ترا دربر گرفت شما را خوشخوی گردانید، و اگر خشن و سخت دل بودی مردم از گرد شما متفرق می‌شدند پس با آنها به مهربانی رفتار کن و از اشتباهاتشان درگذر و از خدا برای آنها طلب آمرزش کن و برای دلجوئی از آنها در امور جنگ مشورت نما و اما آنچه خود تصمیم گرفتی باتوکل به خدا انجام ده، خدا آنانکه براو اعتماد کنند دوست می‌دارد. «۱۵۹»

﴿النساء﴾ وَإِن تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُواْ هَٰذِهِۦ مِنْ عِندِكَ ۚ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ فَمَالِ هَٰٓؤُلَآءِ ٱلْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿٧٨﴾

واگر به آنها خوشی و نعمتی فرا رسد گویند: این از جانب خداست و اگر زحمتی پیش آید می‌گویند این از جانب شماست، بگو: همه از جانب خداست چرا این قوم جاهل سخن حق را نمی‌فهمند. «۷۸»

﴿المائده﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلرَّسُولُ بَلِّغْ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ ۖ وَإِن لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُۥ ۚ وَٱللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ ٱلنَّاسِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٦٧﴾



ای رسول ما آنچه از خدا برتو نازل شد به خلق برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای و خدا، تو را از شر و آزار مردمان محفوظ می‌دارد، و خدا هرگز قوم کافرین راهنمائی نخواهد کرد. «۶۷»

﴿هود﴾ فَٱسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا۟ ۚ إِنَّهُۥ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوٓا۟ إِلَى ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ فَتَمَسَّكُمُ ٱلنَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾

ای رسول تو چنانکه مأموری با آنانیکه توبه کردند و بسوی خدا رجوع نمودند استقامت و پایداری کن و از حدود عدل الهی تجاوز نکنید که خدا به هرچه شما می‌کنید بصیر و داناست «۱۱۲» و شما مؤمنان هرگز نباید با ظالمان دوست باشید وگرنه آتش کیفر آنان شما را هم دربر خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید یافت و هیچ احدی یاری شما نخواهد کرد. «۱۱۳»

﴿القصص﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾

گفت ای خدا بشکرانه این نعمت که مرا عطا فرمودی منهم به بدکاران هرگز یاری نخواهم کرد. «۱۷»

(الشوری) فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ ۖ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۖ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَقُلْ ءَامَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ ۖ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۖ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

بنابرآن به توحید دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و به امت بگو که من به کتابی که خدا فرستاده ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما برما و عمل شما برشماست پس از این حجت و برهان بین ما و شما باقی نیست سرانجام خدا همه ما جمع می کند و به سوی او باز می گردیم.«۱۵»

(الأحقاف) فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ ۚ بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

ای پیغمبر ما توهم مانند پیغمبران اولوالعزم صبور باش و برامت به عذاب تعجل مکن روزیکه آنچه وعده داده شده بچشم بینند گویا بجز ساعتی از روز درنگ نداشتند این قرآن تبلیغ رسالت است تا مردم از شهوت و معصیت به راه طاعت و عبادت باز آیند آیا جز مردم فاسق هیچ کس هلاک خواهد شد. «۳۵»

﴿الطور﴾ وَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ ٱلَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَٰرَ ٱلنُّجُومِ ﴿٤٩﴾

برای حکم پروردگار صبر کن که تو مشمول کمک مائی و هنگامی که برمی‌خیزی بحمد پروردگارت تسبیح گوی «۴۸» و پاسی از شب و هنگام پشت کردن ستارگان خدا را تسبیح بگوی. «۴۹»

﴿المائده﴾ وَأَنِ ٱحْكُم بَيْنَهُم بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَآءَهُمْ وَٱحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنۢ بَعْضِ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُصِيبَهُم بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ لَفَٰسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

و تو بدانچه خدا برای تو فرستاده میان مردم حکم کن و پیرو خواهشهای آنان مباش و بیندیش که مبادا تو را فریب دهند و در بعضی احکام که خدا برای تو فرستاده تقاضای تغیر کنند، پس هرگاه از حکم خدا روی گردانیدند بدان که خدا می‌خواهد آنها را به عقوبت بعضی گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند. «۴۹» آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند و کدام حکم از حکم خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود. «۵۰»

(ص) يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِي ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس در بین مردم به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنانکه از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب را فراموش کرده‌اند بعذاب سخت معذب خواهند شد. «۲۶»

(هود) وَيَٰقَوْمِ أَوْفُوا۟ ٱلْمِكْيَالَ وَٱلْمِيزَانَ بِٱلْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا۟ ٱلنَّاسَ أَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا۟ فِي ٱلْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتُ ٱللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۚ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾

ای قوم در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و به مردم کم و گران نفروشید و در زمین به خیانت و فساد برنخیزید. «۸۵» آنچه خدا برشما باقی گذارد و برکت بخشد، بهتر است اگر واقعاً به خدا ایمان دارید این نصیحت وظیفه من است ولی اگر عصیان کردید دیگر من نگهبان و مسؤل شما از عذاب سخت خدا نیستم. «۸۶»

(النساء) إِنَّ ٱللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا۟ ٱلْأَمَٰنَٰتِ إِلَىٰٓ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ أَن تَحْكُمُوا۟ بِٱلْعَدْلِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِۦٓ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ سَمِيعًۢا بَصِيرًا ﴿٥٨﴾

بیگمان خداوند به شما (مؤمنان) دستور می‌دهد که آمانتها را به صاحبان امانت برسانید، و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید اینکه دادگرانه داوری کنید این اندرز خدا است، و بدانید که خداوند به بهترین اندرز پند می‌دهد«۵۸»

﴿النساء﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

به پروردگارت سوگند، که آنان، هرگز مؤمن بشمار نمیآیند تا تو را در اختلافات و درگیریهای خود به داوری نطلبند، و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و کاملاً تسلیم قضاوت تو باشند.«۶۵»

از ویژگیهای فرزند صالح و خانواده متعهد

(البقره) وَإِذْ جَعَلْنَا ٱلْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَٱتَّخِذُوا۟ مِن مَّقَامِ إِبْرَٰهِـۧمَ مُصَلًّى ۖ وَعَهِدْنَآ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَـٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِىَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلْعَـٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ (١٢٥) وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَـٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَٱرْزُقْ أَهْلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنْ ءَامَنَ مِنْهُم بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ ۖ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ (١٢٦) وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَٰهِـۧمُ ٱلْقَوَاعِدَ مِنَ ٱلْبَيْتِ وَإِسْمَـٰعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ (١٢٧) رَبَّنَا وَٱجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَآ أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ (١٢٨) رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَـٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَـٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ (١٢٩) وَمَن يَرْغَبُ عَن مِّلَّةِ إِبْرَٰهِـۧمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُۥ ۚ وَلَقَدِ ٱصْطَفَيْنَـٰهُ فِى ٱلدُّنْيَا ۖ وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّـٰلِحِينَ (١٣٠) إِذْ قَالَ لَهُۥ رَبُّهُۥٓ أَسْلِمْ ۖ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ ٱلْعَـٰلَمِينَ (١٣١) وَوَصَّىٰ بِهَآ إِبْرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَـٰبَنِىَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ (١٣٢) أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنۢ بَعْدِى قَالُوا۟ نَعْبُدُ إِلَـٰهَكَ وَإِلَـٰهَ ءَابَآئِكَ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَـٰعِيلَ وَإِسْحَـٰقَ إِلَـٰهًا وَٰحِدًا وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ (١٣٣)

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

و به یاد آر هنگامیکه خداوند ابراهیم را به اموری چند امتحان فرمود که عهد من هرگز به مردم ستمکار نخواهد رسید. «۱۲۴» و هنگامیکه قرار دادیم خانه کعبه را محل امن و ثواب برای مردم و مقام ابراهیم را جایگاه پرستش قرار دهید و از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفتیم که خانه مرا برای طواف و اطاعت کنندگان و نماز خوانها پاک کنید. «۱۲۵» و بیادآر زمانی را که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و از بردرختها و میوه‌ها و همه نعمتها روزی فرما اهل این شهر مخصوصاً آنانیکه بخدا و روز قیامت ایمان آوردند، فرمود: وهرکس کفر بورزد پس او را بهره کم می‌دهم، سپس او را به عذاب جهنم می‌کشم و چه سرنوشت بدی خواهد بود. «۱۲۶» و وقتی که ابراهیم و اسماعیل اساس خانه خدا را برافراشتند گفتند: خداوندا این خدمت را از ما قبول بفرما، توئی که همه دعاها می‌شنوید و به همه زانستها آگاهی. «۱۲۷» خداوندا، دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز به تسلیم خود، بدار و راه پرستش را به ما بنما و از گناهانمان بگذر که حقیقتاً تنها توئی توبه دهندی مهربان. «۱۲۸» پروردگارا، فرزندان ما را شایسته آن گردان که برانگیزی از میان آنان رسولی که بر مردم تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد

و روانشان را از هر نادانی و زشتی پاک و منزه سازد، توئی که هر کاری خواهی بهر آن قدرت و علم کامل داری. «۱۲۹» هیچکس از آئین پاک ابراهیم روی نگرداند بجز ناکس و مردم بیخرد، زیرا ما ابراهیم را در دنیا بشرف رسالت برگزیدیم و البته در آخرت نیز از شایسته‌گان است. «۱۳۰» آنگاه گرامی گردید که خداوند به او فرمود: ای ابراهیم، سر به فرمان خدا فرود آور، عرض کرد: من مطیع فرمانم. «۱۳۱» ابراهیم و یعقوب به فرزندان خود راجع به تسلیم بودن به فرمان خدا سفارش و توصیه نمودند ای فرزندان، خدا شما را به آئین پاک برگزید، پیوسته از آن آئین پیروی کنید، و تا پای جان سپردن تسلیم رضای خدا باشید. «۱۳۲» شما که شاهد نبودید هنگامیکه یعقوب را مرگ فرارسید آن وقت به فرزندان خود گفت شما پس از مرگ من کرا می‌پرستید؟ گفتند: خدای ترا و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اوئیم. «۱۳۳» آن گروه که درگذشته هرکار نیک و بدی کردند برای خود. و شما هم هرچه کنید برای خویش خواهید کرد، شما مسؤل کار آنها نخواهید بود. «۱۳۴»

(آل عمران) إِذْ قَالَتِ ٱمْرَأَتُ عِمْرَٰنَ رَبِّ إِنِّى نَذَرْتُ لَكَ مَا فِى بَطْنِى مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّىٓ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّى وَضَعْتُهَآ أُنثَىٰ وَٱللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ ٱلذَّكَرُ كَٱلْأُنثَىٰ ۖ وَإِنِّى سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ

وَإِنِّيٓ أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنۢبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا ٱلْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا ۖ قَالَ يَٰمَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَٰذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُۥ ۖ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِن لَّدُنكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ۖ إِنَّكَ سَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي ٱلْمِحْرَابِ أَنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًۢا بِكَلِمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٣٩﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَٰمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ ٱلْكِبَرُ وَٱمْرَأَتِي عَاقِرٌ ۖ قَالَ كَذَٰلِكَ ٱللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ ٱجْعَل لِّيٓ ءَايَةً ۖ قَالَ ءَايَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ ٱلنَّاسَ ثَلَٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا ۗ وَٱذْكُر رَّبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ ﴿٤١﴾ وَإِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰكِ وَطَهَّرَكِ وَٱصْطَفَىٰكِ عَلَىٰ نِسَآءِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَٰمَرْيَمُ ٱقْنُتِي لِرَبِّكِ وَٱسْجُدِي وَٱرْكَعِي مَعَ ٱلرَّٰكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَٰلِكَ مِنْ أَنۢبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَٰمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾ إِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ٱسْمُهُ ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾ وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِي ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٤٦﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ

يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٤٧﴾

آنگاه گفت: زن عمران پروردگارا، من عهد کردم فرزندی که در رحم دارم، از فرزندی خود در راه خدمت به تو آزاد گردانم این عهد من بپذیر که تو دعای بندگان می‌شنوی و به حال و احوال و اسرار خلایق آگاهی. «۳۵» و چون کودک را به دنیا آورد گفت: زن عمران، پروردگارا، فرزندی که زاده‌ام دختر است و خدا را به آنچه زائیده شده داناتر است و پسر و دختر برابر نخواهند بود، و من او را مریم نام نهادم و او و فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آوردم. «۳۶» پس خداوند او را به نیکوئی پذیرفت و او را به تربیت نیکو پرورش داد و زکریا را برای کفالت و نگهبانی او برگماشت. هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد پیش او به اندازی کافی رزق و روزی می‌یافت. زکریا به مریم می گفت که ای مریم این روزی از کجا برای تو می‌رسد پاسخ می‌داد: این از جانب خداست که همانا خدا به هر که خواهد روزی بی‌حساب دهد. «۳۷» در آن هنگام که زکریا کرامت مریم را مشاهده کرد، عرض کرد بار پروردگارا، مرا به لطف خویش فرزندانی پاک عطا بفرما که همانا توئی مستجاب کنندی دعا. «۳۸» پس هنگامی که زکریا در عبادتگاه برای برگزاری نماز ایستاده بود، فرشتگان او را صدا کردند که ای زکریا خداوند ترا به یحیی بشارت می‌دهد، او درباره ولادت عیسی

و حقانیت بودن رسالت او گواهی می‌دهد و همچنین خود او در راه خدا، پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است. «۳۹» زکریا عرض کرد: پروردگارا چگونه مرا پسری تواند بود در حالتی که مرا سن پیری فرا رسیده و اهلی نیز عجوز نازائی شده است؟ گفت چنین است کار خدا، هرچه بخواهد می‌کند. «۴۰» عرض کرد: پروردگارا برای من به شکرانه این نعمت آیت و عبادتی مقرر بفرما. فرمود: تو را آیت این باشد که تا سه روز با مردم، سخنی جز به رمز نگوئی و پیوسته به یاد خدا باشی و او را شبانگاه و صبحگاه تسبیح گوی. «۴۱» و چون فرشتگان گفتند: ای مریم خداوند ترا برگزید و پاکیزه گردانید و برتری بخشید بر زنان جهانیان. «۴۲» ای مریم فرمانبردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت بجای آر. «۴۳» این چیزهائی که گفته شد از جمله خبرهای غیبی است که آن را به تو وحی می‌کنیم، و تو در میان آنان، نبودی هنگامی که قلمهای خود را داخل کیسه میأفکندن تا از طریق قرعه‌کشی معلوم شود که کدامیک از آنها سرپرستی مریم را به عهده گیرد، و همه اینها از راه وحی به تو رسید.«۴۴» چون فرشتگان مریم را گفتند: که خدا تو را به کلمه‌ای که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است بشارت می‌دهد که او در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان در درگاه خداست. «۴۵» و در گهواره با خلق سخنی می گوید بدانگونه که در بزرگی و او از جمله نیکوکاران است. «۴۶» مریم عرض کرد: ای پروردگارا مرا چگونه

فرزندی توان بود در حالیکه به من مردی نزدیک نشده است؟ گفت چنین است کار خدا هرچه بخواهد بوجود می‌آورد و هنگامیکه بچیزی بگوید: موجود باش همان دم بوجود می‌آید. «۴۷»

﴿هود﴾ وَنَادَىٰ نُوحٌ رَّبَّهُۥ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ٱبْنِى مِنْ أَهْلِى وَإِنَّ وَعْدَكَ ٱلْحَقُّ وَأَنتَ أَحْكَمُ ٱلْحَٰكِمِينَ ﴿۴۵﴾ قَالَ يَٰنُوحُ إِنَّهُۥ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ ۖ إِنَّهُۥ عَمَلٌ غَيْرُ صَٰلِحٍ ۖ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ ۖ إِنِّىٓ أَعِظُكَ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿۴۶﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّىٓ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْـَٔلَكَ مَا لَيْسَ لِى بِهِۦ عِلْمٌ ۖ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِى وَتَرْحَمْنِىٓ أَكُن مِّنَ ٱلْخَٰسِرِينَ ﴿۴۷﴾

و نوح از خدا التماس کرد و عرض نمود. بار پروردگارا فرزند من اهل بیت من است و تو وعده لطف و نجات به آنها دادی و وعده عذاب توهم حتمی است که قادرترین حکم فرمایانی، پس بلطف خود فرزندم را نجات بخش. «۴۵» خدا به نوح خطاب کرد که فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد زیرا او را عملی بسیار ناشایسته است پس تو از من تقاضای امری کردی که از عواقب آن آگاه نیستی. من شما را پند می‌دهم که از مردم جاهل نباشید. «۴۶» نوح عرض کرد بارالها من پناه می‌برم بتو که دیگر چیزی که نمی‌دانم از تو تقاضا کنم و اکنون اگر گناه مرا نبخشی و ترحم نفرمائی من از زیانکارانم. «۴۷»

﴿ابراهیم﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَٰهِيمُ رَبِّ ٱجْعَلْ هَٰذَا ٱلْبَلَدَ ءَامِنًا وَٱجْنُبْنِى وَبَنِىَّ أَن نَّعْبُدَ ٱلْأَصْنَامَ ﴿۳۵﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ ٱلنَّاسِ ۖ فَمَن تَبِعَنِى فَإِنَّهُۥ مِنِّى ۖ

وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَّبَّنَآ إِنِّيٓ أَسْكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِندَ بَيْتِكَ ٱلْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجْعَلْ أَفْـِٔدَةً مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهْوِيٓ إِلَيْهِمْ وَٱرْزُقْهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ ﴿٣٧﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيْءٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ﴿٣٨﴾ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ ٱجْعَلْنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ ﴿٤١﴾

و عرض کرد ابراهیم: ای پروردگارا این شهر (مکه) را مکان اَمن و اَمان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار. «۳۵» پروردگارا این بتان و بت‌تراشان بسیاری از مردم را گمراه کردند پس هرکس در راه توحید و خداپرستی پیرو من است او از من است و هرکه مخالفت می‌کند از من نیست. پس حقیقتاً تو خدای بخشنده و مهربانی. «۳۶» پروردگارا تو آگاهی از آنچه پنهان میداریم و از آنچه آشکار میسازیم و هیچ چیز در زمین و آسمان بر خدا مخفی نمی‌ماند.«۳۷» پروردگارا من ذریت و فرزندان خود را بوادی بی‌کشت و زرعی نزد بیت الحرام تو برای بپاداشتن نماز مسکن دادم، بارخدایا تو دلهای مردمان را بسوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده باشد که شکر تو بجای آرند. «۳۸» ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را

عطـا فرمـود و حقیقتـاً پروردگـار مـن دعـای بنـدگان را خواهـد شـنید. «۳۹» پروردگـارا مـن و ذریـه مـرا نمـازگزار گـردان و ای خـدایا دعـای مـا را اجابـت فرمـا «۴۰» ای پروردگـار تـو در آن روز کـه حـساب بپـا مـی‌شـود بـرمن و والـدین مـن و همـه مؤمنـان رحـم کـن و گناهانمـانرا بـه کرم و لطف خویش ببخشا. «۴۱»

﴿الحجر﴾ وَنَبِّئْهُمْ عَن ضَيْفِ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٥١﴾ إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَيْهِ فَقَالُوا۟ سَلَـٰمًا قَالَ إِنَّا مِنكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا۟ لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَـٰمٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِى عَلَىٰٓ أَن مَّسَّنِىَ ٱلْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا۟ بَشَّرْنَـٰكَ بِٱلْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ ٱلْقَـٰنِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِۦٓ إِلَّا ٱلضَّآلُّونَ ﴿٥٦﴾

و بنـدگان را بـا خبـر کـن از مهمانـان ابـراهیم (کـه فرشـته‌گـانی بودنـد و در لبـاس انـسانها بـه پـیش او آمدنـد) «۵۱» هنگامیکـه بـه خانـه او وارد شـدند و پس از سـلام دادن، ابـراهیم گفـت: مـن از اینکـه شـما بـدون اذن و بـی‌موقـع درآمدیـد بیمنـاکم. «۵۲» گفتنـد: مترس کـه مـا از جانـب خـدا آمـده‌ایـم، تـا تـو را بـشارت بـدهیم بـه فرزنـدی دانـا. «۵۳» ابـراهیم گفـت: مـرا در ایـن سـن پیـری مـژده فرزنـد مـی‌دهیـد نـشانه ایـن مـژده چیـست؟ «۵۴» گفتنـد: مـا تـرا بحـق بـشارت مـی‌دهـیم پـس از نومیـدان مبـاش. «۵۵» ابـراهیم گفـت: آری هرگـز بجـز مـردم گمـراه و نـادان کـسی از لطـف خدا نومید نیست. «۵۶»

(الفرقان) ﴿وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾

و آنانیکه هنگام راز و نیاز با پروردگار خویش می گویند: خداوندا همسران و فرزندانی به ما عطا بفرما که مایه چشم روشنی باشند و ما را پیشوای اهل تقوی قرار ده. «۷۴» آنچنان بندگان پاداش صبرشان غرفهای جنت و قصرهای بهشت خواهد بود که در آنجا با تحیت و سلام با آنان برخورد می‌شود. «۷۵» و در آن بهشت که منزلی است بسیار نیکو و مقامی آرامش بخش، مخلد و متنعم خواهد بود. «۷۶»

بی ارزش جلوه نمودن دنیا و متعلقات آن

﴿آل‌عمران﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿۱۴﴾

برای مردم زینت داده شده است حب شهوات نفسانی که عبارت است از میل به زنها و فرزندان و همیانهای زر و سیم و اسبهای بانشان نیکو و چهارپایان و مزارع جلوه‌گر شده، لیکن اینها همه متاع زندگانی فانی دنیوی است و نزد خداست همان منزل بازگشت نیکوو که بهشت، لقای الهی و نعمت باقی ابدی است. «۱۴»

﴿آل‌عمران﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿۱۰﴾

کافران را هرگز مال و فرزندانشان از عذاب خدا نرهانند و آنان خود افروزنده آتش جهنمند. «۱۰»

﴿الکهف﴾ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿۴۶﴾

دارائی و فرزندان، زینت زندگی دنیایند (و زوال‌پذیر و گذرایند) و اما اعمال شایسته‌ای که نتایج آنها جاودانه است، بهترین پاداش را در پیشگاه پروردگارت دارد، و بهترین امید و آرزو است. «۴۶»

﴿آل‌عمران﴾ لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ ٱلَّذِينَ أَشْرَكُوٓا۟ أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

مرتب از جانب خدا درباره مالها و جانهاتان آزمایش می‌شوید و هرآئینه از طرف اهل کتاب که قبل از شما بودند و از طرف کسانی که شرک ورزیده‌اند حرفهای بدی می‌شنوید و آسیبهای زیادی می‌رسد پس اگر صبر کنید و تقوی پیشه کنید حقیقتاً که این از استوارترین کارهاست. «۱۸۶»

﴿التّوبه﴾ فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَٰلُهُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُم بِهَا فِي ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَٰفِرُونَ ﴿٥٥﴾

هرگز تعجب نکنید از کثرت مال و اولاد کافران، خدا می‌خواهد آنها را بهمان مال و فرزند در زندگی دنیا بعذاب افکند و هنگام مرگ نیز جانشان بسختی بگیرد. «۵۵»

﴿هود﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْحَيَوٰةَ ٱلدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوَفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَٰلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي ٱلْءَاخِرَةِ إِلَّا ٱلنَّارُ ۖ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا۟ فِيهَا وَبَٰطِلٌ مَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾

کسانیکه طالب زندگانی مادی و زینت و شهوات دنیوی هستند ما مزد زحمات آنها را در کار دنیا کاملاً می‌دهیم و هیچ از اجر عملشان کم نخواهد شد. «۱۵» ولی آنان در آخرت نصیبی جز آتش

دوزخ ندارنـــد و همـــه افکـــار و اعمالـــشان در راه دنیـــا ضـــایع و باطـــل می گردد. «۱۶»

﴿الرّعد﴾ ٱللَّهُ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ وَفَرِحُوا۟ بِٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ إِلَّا مَتَـٰعٌ ﴿٢٦﴾

خدا هرکه را خواهد رزق و روزی بسیار می‌دهد و هرکه را خواهد تنگ دست و کم روزی می گرداند و دلشاد شدند به ظاهر زندگانی در صورتیکه دنیا در قبال آخرت متاع ناقابلی بیش نیست. «۲۶»

﴿الشوری﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلْـَٔاخِرَةِ نَزِدْ لَهُۥ فِى حَرْثِهِۦ ۖ وَمَن كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ ٱلدُّنْيَا نُؤْتِهِۦ مِنْهَا وَمَا لَهُۥ فِى ٱلْـَٔاخِرَةِ مِن نَّصِيبٍ ﴿٢٠﴾

هـــر کس ثمـــره کـــشت زار آخـــرت را بخواهـــد مـــا بـــر محـــصولی کـــه کاشـــته اســـت مـــی‌افـــزائیم و هـــر کس تنهـــا حاصـــل کـــشت دنیـــا را بخواهـــد او را از آن بهـــره‌منـــد مـــی کنـــیم ولـــی در آخـــرت نـــصیبی نخواهـــد داشـــت. «۲۰»

﴿الزخرف﴾ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۚ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُم مَّعِيشَتَهُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَـٰتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُم بَعْضًا سُخْرِيًّا ۗ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَآ أَن يَكُونَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِٱلرَّحْمَـٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا

يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَٰبًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِـُٔونَ ﴿٣٤﴾ وَزُخْرُفًا ۚ وَإِن كُلُّ ذَٰلِكَ لَمَّا مَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۚ وَٱلْءَاخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

آیا آنها فضل و رحمت خدای ترا تقسیم کرده‌اند؟ نخیر چنین نیست این مائیم رزق و روزی آنها در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی برتری داده‌ایم تا بعضی از راه دارایی و ثروت بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند و اگر مردم یک امت و یک طبقه می‌شدند در امور زندگانی آنها اختلال ایجاد می‌شد و همچنین اگر این نبود که مردم به سوی آنها متمایل شوند به کافران مال و مکنت بیشتری می‌دادیم یعنی سقف خانه‌هایشان از نقره خالص قرار می‌دادیم و خانه‌های چندین طبقه که از پله‌های آسانسوری بالا روند «۳۳» برایشان می‌ساختیم و نیز بر منزلهاشان درهای بسیار و تختهای زرنگار که برآن تکیه زنند قرار می‌دادیم «۳۴» و آنها را به زر و زیور می‌آراستیم، ولی همه آنها متاع پست و فانی دنیاست و آخرت جاویدان و ابدی نزد خدا برای اهل تقوی است «۳۵»

﴿المنافقون﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُمْ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ﴿٩﴾

ای اهل ایمان مبادا هرگز مال و فرزندانتان، شما را از یاد خدا غافل سازد و کسانیکه با امور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران عالمند. «۹»

﴿التغابن﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ مِنْ أَزْوَٰجِكُمْ وَأَوْلَٰدِكُمْ عَدُوًّا لَّكُمْ فَٱحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِن تَعْفُواْ وَتَصْفَحُواْ وَتَغْفِرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَأَوْلَٰدُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَٱللَّهُ عِندَهُۥٓ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾

ای اهل ایمان برخی از زنان و فرزندان شما دشمن شما هستند بنابراین از آنها حذر کنید، لیکن اگر از معاقبت آنها پس از توبه عفو و آمرزش و چشم پوشی کنید، خداهم در حق شما بسیار آمرزنده و مهربان است. «۱۴» بحقیقت اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما هستند، به آنها دل نبندید که نزد خدا اجر عظیم خواهد بود. «۱۵»

﴿سبأ﴾ وَقَالُواْ نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَٰلًا وَأَوْلَٰدًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُم بِٱلَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰٓ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَآءُ ٱلضِّعْفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمْ فِى ٱلْغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ﴿٣٧﴾

و گفتند: ما که در دنیا اموال و اولاد بیشتری داریم و (این نشانه علاقه و محبت خدا به ما است، و در آخرت هم) ما هرگز عذاب نمی‌بینیم و شکنجه نمی‌شویم«۳۵» بگو: پروردگارم روزی را برای هر کسی که خود بخواهد فراخ یا تنگ میگرداند (اعم از عاصی و مطیع... داشتن و نداشتن، نشانه محبت و خشنودی، و یا نفرت و ناخشنودی خدا از بنده نیست) و لیکن بیشتر مردم (چنین چیزی را نمی‌دانند «۳۶» اموال و اولاد شما چیزهائی نیستند که شما را به ما نزدیک و مقرب سازند، بلکه کسانی که ایمان بیاورند و

کارهای شایسته بکنند، آنان (مقرب درگاه الهی بوده و) در برابر اعمالی که انجام داده‌اند پاداش مضاعف دارند، و ایشان در طبقات بالا (یعنی در برترین منازل بهشت) در امن و امان بسر می‌برند «۳۷».

آزادی بیان در قرآن

﴿فصلت﴾ وَلَا تَسْتَوِی ٱلْحَسَنَةُ وَلَا ٱلسَّيِّئَةُ ۚ ٱدْفَعْ بِٱلَّتِی هِیَ أَحْسَنُ فَإِذَا ٱلَّذِی بَيْنَكَ وَبَيْنَهُۥ عَدَٰوَةٌ كَأَنَّهُۥ وَلِیٌّ حَمِيمٌ ﴿۳۴﴾ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ وَمَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿۳۵﴾

نیکی و بدی باهم یکسان نیستند، بر شما واجب است بدیهای خلق را به بهترین عمل دفع کنید تا همان کس که گوئی باتو برسر دشمنی است دوست و خویش تو گردد. «۳۴» و نتوان پذیرفت این گفته‌ها را، مگر صابرین و نتوان پذیرفت این پندها را مگر اصحاب شانس و حظ عظیم. «۳۵»

﴿البقره﴾ لَآ إِكْرَاهَ فِی ٱلدِّينِ ۖ قَد تَّبَيَّنَ ٱلرُّشْدُ مِنَ ٱلْغَیِّ ۚ فَمَن يَكْفُرْ بِٱلطَّٰغُوتِ وَيُؤْمِنۢ بِٱللَّهِ فَقَدِ ٱسْتَمْسَكَ بِٱلْعُرْوَةِ ٱلْوُثْقَىٰ لَا ٱنفِصَامَ لَهَا ۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ



دین را نمی‌توان به کسی تحمیل کرد راه هدایت و ضلالت برهمه روشن گردید پس هرکس به شیطان سرکش کفر ورزید و به خداوند رحمان ایمان آورد، او به ریسمان محکم و ناگسستنی چنگ زده و بدرستی که خداوند شنوا و داناست. «۲۵۶»

﴿النحل﴾ ٱدْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ بِٱلْحِكْمَةِ وَٱلْمَوْعِظَةِ ٱلْحَسَنَةِ ۖ وَجَٰدِلْهُم بِٱلَّتِی هِیَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَن ضَلَّ عَن سَبِيلِهِۦ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ

﴿وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا۟ بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُم بِهِۦ ۖ وَلَئِن صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِّلصَّٰبِرِينَ﴾ ﴿۱۲۶﴾

ای رسول، خلق را به حکمت، برهان و موعظه نیکو به راه خدا دعوت کن و با آنها به بهترین روش مناظره کن که البته خدای تو کسی را که از راه گمراه شده و آنکه هدایت یافته بهتر می‌داند. «۱۲۵» و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبتی روا داشت و ستمی رسانید، باید در مقابل بقدر آن ستم انتقام گرفت لیکن اگر شکیبائی پیشه کنید البته برای صابران اجری بهتر از انتقام خواهد بود. «۱۲۶»

﴿القصص﴾ وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿۵۵﴾

و چون سخن لغوی بشنوند از آن اعراض کرده و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم هرزه‌گوی نادان را نمی‌طلبیم. «۵۵»

﴿الکهف﴾ وَقُلِ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَن شَآءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ إِنَّآ أَعْتَدْنَا لِلظَّٰلِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا ۚ وَإِن يَسْتَغِيثُوا۟ يُغَاثُوا۟ بِمَآءٍ كَٱلْمُهْلِ يَشْوِى ٱلْوُجُوهَ ۚ بِئْسَ ٱلشَّرَابُ وَسَآءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿۲۹﴾

و بگو دین حق همانست که از جانب پروردگار بسوی شما آمد، پس هرکه می‌خواهد ایمان آرد، و هرکه می‌خواهد کافر شود، ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته‌ایم که شعله‌های آن گردانها

احاطه کند و اگر از شدت عطش شربت آبی درخواست کنند، آبی مانند مس گداخته و سوزان به آنها دهند که رویها را بسوزد و آن آب بسیار شربتی بد و آن دوزخ بسیار آسایش گاهی پست خواهد بود. «۲۹»

﴿النمل﴾ قَالَ ٱلَّذِى عِندَهُۥ عِلْمٌ مِّنَ ٱلْكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ ۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضْلِ رَبِّى لِيَبْلُوَنِىٓ ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ ۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّى غَنِىٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾

گفت سلیمان این توانائی از فضل خدای منست تا مرا بیازماید که نعمتش را شکر می‌گویم یا کفران می‌کنیم و هرکه شکر نعمت حق کند شکر بنفع خویش کرده، همانا خدا کریم و مهربانست. «۴۰»

﴿المدثر﴾ كَلَّآ إِنَّهُۥ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾ فَمَن شَآءَ ذَكَرَهُۥ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُ ۚ هُوَ أَهْلُ ٱلتَّقْوَىٰ وَأَهْلُ ٱلْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

نخیر این یک تذکر است «۵۴» تا هرکه خواهد متذکر حق شود «۵۵» و متذکر نمی‌شود جز آنکه خدا بخواهد و تنها او شایسته ترسیدن و آمرزیدن است. «۵۶»

﴿الغاشیه﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَآ أَنتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ ٱللَّهُ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَآ إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُم ﴿٢٦﴾

پس تذکر بده که همانا تو تذکر دهندیی «۲۱» و هیچگاه بر آنها تسلط دارنده نیستی «۲۲» مگر کسی که پشت کرد و کفر بورزد «۲۳» خدا او را بعذاب سخت و بزرگ مبتلی خواهد کرد «۲۴» که البته بازگشت آنها به سوی ماست «۲۵» آنگاه حساب‌شان برما خواهد بود. «۲۶»

(الأسراء) مَّنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبۡعَثَ رَسُولٗا ﴿١٥﴾

هر کس به راه حق هدایت یابد، راهیابیش به سود خودش است و هر کس از راه حق گمراه شود گمراهیش به زیان خودش است و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد و به جرم دیگری کیفر داده نمی‌شود و ما هیچ شخص و قومی را مجازات نخواهیم کرد مگر اینکه پیغمبری برای آنان مبعوث و روان سازیم «۱۵».

(النمل) وَأَنۡ أَتۡلُوَاْ ٱلۡقُرۡءَانَۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهۡتَدِي لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعۡرِفُونَهَاۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ﴿٩٣﴾

بگو ای رسول، به من فرمان داده شده است که قرآن را تلاوت کنم و آن را بفهمم و به دیگران تفهیم نمایم، پس هر کس در پرتو آن راهیاب شود برای خیر و صلاح و سعادت دنیوی و اُخروی خود راهیاب شده است و بگو من فقط از زُمره بیم دهندگان می‌باشم «۹۲» و بگو حمد و سپاس

خدای را سزا است که به زودی آیات خود را به شما نشان خواهد داد و شما آنها را خواهید شناخت و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل و بی‌خبر نیست «۹۳».

(ق) نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِجَبَّارٍ ۖ فَذَكِّرْ بِٱلْقُرْءَانِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

ما به آنچه می‌گویند آگاه هستیم و تو برآنها جبار و مسلط نیستی پس به وسیله قرآن تذکر بده به آنکه از عذاب می‌ترسد. «۴۵»

(الشوری) وَمَا ٱخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِن شَىْءٍ فَحُكْمُهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبِّى عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿١٠﴾

و آنچه که در پیرامون آن اختلاف دارید حکمش با خداست همان خدائی که پروردگار من است و براو توکل کرده و تنها به درگاه او به تضرع باز می‌گردم. «۱۰»

(الشوری) وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾

و آنانیکه امر خدا را اجابت کردند و نماز را بپا داشتند و کارشان را بمشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کرده‌ایم به فقیران انفاق می‌کنند. «۳۸»

(یونس) قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَآ أَنَا۠ عَلَيْكُم بِوَكِيلٍ



ای رسول ما به مردم بگو: حق از جانب خدا برای هدایت شما آمد بنابراین پس از این هرکس هدایت یافت نفعش برخود اوست و هرکس براه گمراهی شتافت زیانش برخود اوست و من مسؤل شما نیستم. «۱۰۸»

(آل عمران) قُلْ إِنَّ ٱلْفَضْلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

ای رسول ما بگو: فضل و رحمت در دست خداست به هرکه خواهد می‌دهد و هرکه را مشیت او تعلق گیرد«۷۳» مخصوص به فضل و رحمت خود گرداند که خدای را فضل و رحمت بی‌منتهاست.«۷۴»

(الزُمر) قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ عَٰلِمَ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِى مَا كَانُوا۟ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾

ای رسول مابگو: پروردگارا ای خالق زمین و آسمانها ای دانسته پیدا و پنهان تو خود میان بندگانت در آنچه اختلاف دارند حکم می کنید. «۴۶»

﴿النمل﴾ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَىٰٓ ۗ ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

بگو ستایش مخصوص خداست و بندگان برگزیده او آیا خدا بهتر است یا آنانکه شرک می‌ورزند. «۵۹»

﴿الزخرف﴾ وَقِيلِهِۦ يَٰرَبِّ إِنَّ هَٰٓؤُلَآءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَٱصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَٰمٌ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

و گفت: پروردگارا اینها قومی هستند که ایمان نمی‌آورند «۸۸» پس از آنها درگذر و بگو سلام که بزودی خواهند فهمید. «۸۹»

﴿الكافرون﴾ قُلْ يَٰٓأَيُّهَا ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿١﴾ لَآ أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَآ أَنَا۠ عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ ﴿٤﴾ وَلَآ أَنتُمْ عَٰبِدُونَ مَآ أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِىَ دِينِ ﴿٦﴾

بگو ای کافران «۱» من آن بتان را که شما می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم «۲» و شما هم معبود مرا پرستش نمی‌کنید «۳» نه من خدایان شما را عبادت می‌کنم «۴» و نه شما معبود مرا عبادت خواهید کرد «۵» پس دین شما برای شما و دین من برای من «۶».

﴿الزلزله﴾ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُۥ ﴿٧﴾ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُۥ ﴿٨﴾

پس هر کس بقدر ذره‌ای کردار نیک کرده پاداش آنرا خواهد دید «۷» و هر کس کار زشت مرتکب شده بکیفرش خواهد رسید «۸».

(الأسراء) وَكُلَّ إِنسَٰنٍ أَلْزَمْنَٰهُ طَٰٓئِرَهُۥ فِى عُنُقِهِۦ ۖ وَنُخْرِجُ لَهُۥ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ كِتَٰبًا يَلْقَىٰهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ ٱقْرَأْ كِتَٰبَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ ٱلْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ﴿١٤﴾ مَّنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ﴿١٥﴾

ما اعمال هر کسی را (همچون گردن بند» به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است برای وی بیرون میآوریم که گشوده به دست او میرسد«۱۳» (در آن روز بد و گفته میشود) کتاب خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان) کافی است که خود امروز حسابگر خویشتن باشی«۱۴» هر کسی به راه حق هدایت یابد، راهیابیش به سود خودش است و هر کس از راه حق گمراه شود، گمراهیش به زیان خودش است. و هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمیکشد (و به جرم دیگری کیفر داده نمیشود و ما هیچ شخص و قومی را) مجازات نخواهیم کرد مگر اینکه پیغمبری (برای آنان مبعوث) و روانه سازیم«۱۵».

پند و اندرز در قرآن کریم

﴿البقره﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ ٱلْعَفْوَ ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْءَايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْيَتَٰمَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾

ای پیغمبر از تو درباره حکم شراب و قمار می‌پرسند؟ بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهائی اندك ولی زیان گناه آن بیش از منفعت آنست و نیز سؤال می‌کنند که در راه خدا چه انفاق کنند. جواب ده آنچه که زائد برضروری زندگانی است خدا بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان می‌کند باشد که تفکر کنید و عقل بکار ببرید. «۲۱۹» و نیز سؤال می‌کنند که با یتیمان چگونه رفتار کنند بگو: اصلاح برای آنها بهتر است و اگر با آنها مخلوط زندگی کنید برادر شما هستند و خداوند فسادگر را از اصلاح‌گر می‌داند و اگر خداوند بخواهد هرآئنه شما را به رنج می‌اندازد بدرستیکه خداوند نفوذناپذیر قوی است. «۲۲۰»

﴿آل عمران﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ فِى ٱلسَّرَّآءِ وَٱلضَّرَّآءِ وَٱلْكَٰظِمِينَ ٱلْغَيْظَ وَٱلْعَافِينَ عَنِ ٱلنَّاسِ ۗ وَٱللَّهُ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾

کسانی که از مال خود به فقراء در حال وسعت و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرونشانند و از بدی مردم درگذرند چنین مردمی نیکوکارند و خدا دوستدار نیکوکارانست. «۱۳۴»

* ﴿الأسراء﴾ لَّا تَجْعَلْ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا ﴿٢٢﴾ وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا۟ إِلَّآ إِيَّاهُ وَبِٱلْوَٰلِدَيْنِ إِحْسَٰنًا ۚ إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِندَكَ ٱلْكِبَرَ أَحَدُهُمَآ أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُل لَّهُمَآ أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُل لَّهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَٱخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ ٱلذُّلِّ مِنَ ٱلرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ٱرْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِى صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَّبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِى نُفُوسِكُمْ ۚ إِن تَكُونُوا۟ صَٰلِحِينَ فَإِنَّهُۥ كَانَ لِلْأَوَّٰبِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَءَاتِ ذَا ٱلْقُرْبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلْمِسْكِينَ وَٱبْنَ ٱلسَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ ٱلْمُبَذِّرِينَ كَانُوٓا۟ إِخْوَٰنَ ٱلشَّيَٰطِينِ ۖ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِرَبِّهِۦ كَفُورًا ﴿٢٧﴾ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ٱبْتِغَآءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُل لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ ٱلْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ بِعِبَادِهِۦ خَبِيرًۢا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوٓا۟ أَوْلَٰدَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَٰقٍ ۖ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْـًٔا كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا۟ ٱلزِّنَىٰٓ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ فَٰحِشَةً وَسَآءَ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾

هرگز با معبود خویش معبود دیگری قرار مده تا اینکه سرزنش شده و خوار شده، زمین‌گیر شوی «۲۲» و خدای تو حکم فرمود که

جز او هیچکس را نپرستید و در باره پدر و مادر نیکوئی کنید و چنانکه هر دو یا یکی از آنها پیر و سالخورده شده‌اند، زنهار کلمه‌ای به آنها مگوئید که به خاطر آن رنجیده خاطر شوند و کمتر آزار به آنها مرسانید و با ایشان به اکرام و احترام سخن گوئید «۲۳» و همیشه پر و بال تواضع را با کمال مهربانی برای پدر و مادر بگسترانی و بگو، پروردگارا، با آنها مهربانی کن همانگونه که در کودکی مرا تربیت کردند «۲۴» خدا به آنچه در دلهای شماست داناتر است اگر همانا در، اندیشه صلاح دارید و خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند خواهد بخشید «۲۵» حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران به حق خودشان برسان و هرگز اسراف روا مدار «۲۶» که مبذران و مسرفان برادر شیطانند و شیطانست که سخت کفران نعمت پروردگار خود کرده «۲۷» و چنانچه از ارحام و فقیران بخاطر بدست آوردن رحمت پروردگارت که امید آن داری اعراض کردی، پس باز با گفتار نرم و آسان با آنها سخن بگو «۲۸» نه هرگز دست خود محکم بسته‌دار و نه بسیار باز و گشاده دار که هر کدام کنی به نکوهش و حسرت خواهی نشست «۲۹» همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند که او به بندگان کاملاً آگاه و بصیر است «۳۰» و فرزندانتان را از ترس ناداری به قتل نرسانید که ما رازق شما و آنها هستیم زیرا قتل فرزندان گناه بسیار بزرگی است «۳۱» و

هر گز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی کاملاً ناپسند است «۳۲».

﴿الأسراء﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِف فِّي الْقَتْلِ ۖ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ ۖ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٣٩﴾

و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه بحکم حق مستحق قتل شود و هرکس خون مظلومی را به ناحق بریزد ما به ولی او حکم تسلط بر قاتل دادیم پس در مقام قتل و خونریزی اسراف نکنید که او از جانب مامؤید و منصور خواهد بود «۳۳» و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتر منظور دارید تا آنکه به حد بلوغ و رشد برسد و همه باید به وعد خود وفا کنید که البته درباره عهد و پیمان از شما سؤال خواهد شد

«۳۴» و هرچه را با وزن می‌سنجید تمام بپیمائید و همه چیزی را به ترازوی عدالت بسنجید که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است «۳۵» و هرگز برآنچه علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دلها همه مسؤلند «۳۶» و هرگز در روی زمین به کبر و ناز راه مرو که نیروی زمین را نتوانی شکافت و به کوههای سربلند نخواهی رسید «۳۷» که از این قبیل کارها و اندیشه‌های بد همه نزد خدا ناپسند خواهد بود «۳۸» این از چیزهائی است که خدایت از روی حکمت به تو وحی کرده است و با خدای یکتا خدائی قرار مده و اگر نه ملامت زده و مردود به دوزخ خواهی درافتاد «۳۹».

﴿الکهف﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَاْىۡءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾ إِلَّآ أَن يَشَآءَ ٱللَّهُۚ وَٱذۡكُر رَّبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَهۡدِيَنِ رَبِّي لِأَقۡرَبَ مِنۡ هَٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

ای رسول ما تو هرگز مگو که من این کار را فردا خواهم کرد«۲۳» مگر آنکه بگوئی اگر خدا بخواهد و خدا را لحظه‌ای فراموش مکن و به خلق بگو امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر از این قصه هدایت فرماید «۲۴»

﴿لقمان﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ﴿١٢﴾ وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ

إِلَيَّ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِۦ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۖ وَصَاحِبْهُمَا فِي ٱلدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۖ وَٱتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُن فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوْ فِي ٱلْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا ٱللَّهُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأْمُرْ بِٱلْمَعْرُوفِ وَٱنْهَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي ٱلْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَٱقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَٱغْضُضْ مِن صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلْأَصْوَٰتِ لَصَوْتُ ٱلْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

و ما به لقمان مقام علم و حکمت عطا کردیم و باو گفتیم: که خدا را شکر کن و هرکس شکر حق گوید بنفع خود اوست وهرکه ناسپاسی و کفران کند خدا بی‌نیاز و ستوده صفاتست «۱۲» ای رسول ما یاد کن وقتی را که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیز من، هرگز شرک بخدا نیاور که شرک ورزیدن بسیار ظلم بزرگی است «۱۳» و انسان را سفارش کردیم به پدر و مادرش، مخصوصاً مادر، در حالیکه ضعف بالای ضعف داشت او را حمل کرد و او را دو سال شیر داد که شکر گزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت همه بسوی من است «۱۴» و اگر پدر و مادر خواستند تو را بر شرک بخدا که آنرا حق نمی‌دانیم وادار کنند در اینصورت دیگر امر آنها را اطاعت مکن لیکن در دنیا با آنها بحسن خُلق

مصاحبت کن و از راه آنکس که بدرگاه مارجوع می کند پیروی کن که پس از مرگ بازگشت همه شما بسوی منست، آنگاه به شما اطلاع می‌دهم که در دنیا چه کارهای انجام داده‌اید «۱۵» باز لقمان گفت: ای فرزند عزیزم بدانکه خدا اعمال بد و خوب خلق را اگرچه بمقدار خردلی در میان سنگی یا در طبقات آسمانها یا زمین پنهان باشد همه را در محاسبه می‌آورد که خدا برهمه چیز توانا و آگاهست «۱۶» ای فرزند عزیزم نماز را بپا دار و امر بمعروف و نهی از منکر کن و برآنچه که از مصائب روزگار به تو می‌رسد صبر کن حقیقتاً که این کارها از کارهای ثابت و راسخ است «۱۷» و تکبر و ناز را به رخ دیگران مکش و در روی زمین با غرور و تکبر قدم برمدار که خدا هرگز مردم متکبر و خودستان را دوست نمی‌دارد «۱۸» و در رفتارت میانه‌روی اختیار کن و هنگام صحبت کردن صدایت را پائین بیاور که حقیقتاً بدترین و زشت‌ترین صداها صدای الاغ است «۱۹»

(السباء) ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ ﴿١٣﴾

ای آل داود شکر خدابجای آرید که از بندگان من عده‌ای قلیل شکر گذارند. «۱۳»

(فاطر) يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلۡفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِۖ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِن يَشَأۡ يُذۡهِبۡكُمۡ وَيَأۡتِ بِخَلۡقٖ جَدِيدٖ ﴿١٦﴾

ای مردم همه شما فقیر و مُحتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است «۱۵» اگر خدا بخواهد همه شما را بدیار عدم می‌فرستد و کسانی دیگر بعرصه وجود می‌آورد. «۱۶»

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَعْمَىٰ وَٱلْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا ٱلظُّلُمَٰتُ وَلَا ٱلنُّورُ ﴿٢٠﴾ وَلَا ٱلظِّلُّ وَلَا ٱلْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي ٱلْأَحْيَآءُ وَلَا ٱلْأَمْوَٰتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَآءُ ۖ وَمَآ أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي ٱلْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾

و هرگز آدمهای کور و بینا یکسان نمی‌شوند«۱۹» و هیچ گاه ظلمت با نور مساوی نخواهد بود «۲۰» و هرگز آفتاب و سایه هم مرتبه نباشد «۲۱» و ابداً، زندگان با مردگان برابر نیستند و خدا هرکه را بخواهد شنوای کلام حق سازد، اما تو نخواهید توانست حرفهایت بگوش آن کسانی که در گورستان کفر و جهالت فرورفته‌اند برسانید «۲۲» بلکه تو هشدار دهنده‌ای «۲۳»

﴿الحُجُرات﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُونُواْ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِّن نِّسَآءٍ عَسَىٰٓ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۖ وَلَا تَلْمِزُوٓاْ أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُواْ بِٱلْأَلْقَٰبِ ۖ بِئْسَ ٱلِٱسْمُ ٱلْفُسُوقُ بَعْدَ ٱلْإِيمَٰنِ ۚ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿١١﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱجْتَنِبُواْ كَثِيرًا مِّنَ ٱلظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ ٱلظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُواْ وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾

ای اهل ایمان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره کند شاید آنها بهتر از مسخره کننده‌ها باشند و زنها نیز یکدیگر را مسخره نکنند که شاید آنها بهتر از مسخر کننده‌ها باشند و خودتانرا مورد طعن قرار ندهید و به لقبهای بد همدیگر را یاد نکنید بد است بعد از ایمان، نام بد داشتن و هرکس توبه نکند پس آنها همان ستمگرانند. «۱۱» ای اهل ایمان از شک و گومانها بسیار دوری کنید چون برخی از آن پندارها معصیت است و هرگز از حال و احوال یکدیگر را تجسس نکنید و پشت سر همدیگر را غیبت نکنید آیا شما دوست می‌دارید گوشت برادر مرده خود را بخورید و کراهت از آن دارید و از خدا بترسید ک ه خدا توبه‌پذیر و مهربانست. «۱۲»

﴿العنکبوت﴾ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ ۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنْهَىٰ عَنِ ٱلْفَحْشَآءِ وَٱلْمُنكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ ٱللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

و نماز را که بزرگ عبادت خداست بجای آر که همانا نماز است که اهل نماز را از هر کار زشتی باز می‌دارد و یاد خدا از بزرگ‌ترین اندیشه‌های خلق است که حقیقتاً خدا به هرچه کنید آگاهست. «۴۵»

﴿القصص﴾ وَٱبْتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلْـَٔاخِرَةَ ۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنْيَا ۖ وَأَحْسِن كَمَآ أَحْسَنَ ٱللَّهُ إِلَيْكَ ۖ وَلَا تَبْغِ ٱلْفَسَادَ فِى ٱلْأَرْضِ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

و به هرچیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا ثواب و سعادت آخرت بدست آرید و لیکن بهره‌ات را هم از دنیا فراموش مکن و نیکی کن در حق خلق چنانچه خدا بتو نیکوئی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد بد می‌انگیز که خدا مفسد را ابداً دوست نمی‌دارد. «۷۷»

﴿النور﴾ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَدْخُلُوا۟ بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ تَسْتَأْنِسُوا۟ وَتُسَلِّمُوا۟ عَلَىٰٓ أَهْلِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا۟ فِيهَآ أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ ۖ وَإِن قِيلَ لَكُمُ ٱرْجِعُوا۟ فَٱرْجِعُوا۟ ۖ هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾

ای اهل ایمان هرگز بجز خانه‌های خودتان سرزده وارد هیچ خانه‌ای که با صاحبش آشنا نیستی، نشوید، و چون رخصت یافتید، داخل شوید، لیکن اول باید بأهل آن خانه سلام کنید و آن برای شما بهتر است که شاید متذکر شوید. «۲۷» و چون بخانه‌ای در آمدید و گفتند برگردید باز گردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا بهر چه می‌کنید داناست «۲۸».

﴿الحجرات﴾ قُل أَتُعَلِّمُونَ ٱللَّهَ بِدِينِكُمْ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِى ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَٱللَّهُ بِكُلِّ شَىْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا۟ ۖ قُل لَّا تَمُنُّوا۟ عَلَىَّ إِسْلَـٰمَكُم ۖ بَلِ ٱللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ لِلْإِيمَـٰنِ إِن كُنتُمْ صَـٰدِقِينَ ﴿١٧﴾

بگو آیا شما خدا را از ایمان خود با خبر میسازید، در حالی که خدا از تمام چیزهائی که در آسمانها و زمین است با خبر است؟! و خدا از همه چیز دقیقاً آگاه است«۱۶» آنان بر تو منت میگذارند که ایمان آوردهاند! بگو: با ایمان آوردن خود بر من منت مگذارید، بلکه خدا بر شما منت میگذارد که شما را به سوی ایمان آوردن رهنمود کرده است اگر (در ادعای ایمان) راست و درست هستید«۱۷».

(النّسَاء) ﴿مَّا يَفْعَلُ ٱللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَءَامَنتُمْ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾﴾

خداوند چه نیازی به عذاب دادن شما دارد اگر شما شکرگزار باشید و ایمان بیاورید، خداوند از طاعت و عبادت بندگان خود آگاه و از نیات و اعمال همگان با خبر است.«۱۴۷»

این آیه‌ها در مورد بی‌اثر نمودن توطئه‌های دشمنان است

(الأعراف) وَٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسۡتَدۡرِجُهُم مِّنۡ حَيۡثُ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمۡلِي لَهُمۡۚ إِنَّ كَيۡدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾

و آنانکه آیات ما را تکذیب کردند بزودی آنها را بعذاب و هلاکت می‌افکنیم، از جائی که فهم آن نمی‌کنند «۱۸۲» روزی چند به آنها مهلت می‌دهیم که همانا مکر و عقاب ما بسی شدید خواهد بود. «۱۸۳»

(الأنفال) وَإِذۡ يَمۡكُرُ بِكَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِيُثۡبِتُوكَ أَوۡ يَقۡتُلُوكَ أَوۡ يُخۡرِجُوكَۚ وَيَمۡكُرُونَ وَيَمۡكُرُ ٱللَّهُۖ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلۡمَٰكِرِينَ ﴿٣٠﴾

ای رسول ما بیادآر وقتی را کافران با تو مکر می‌کردند تا تو را از مقصد خود که همانا تبلیغ دین خداست باز دارند یا بقتل رسانند یا از شهر بیرون کنند، آنها مکر می‌کنند خدا هم با آنها مکر می‌کند و خدا بهتر از هرکس مکر تواند کرد. «۳۰»

(یونس) وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ مِّنۢ بَعۡدِ ضَرَّآءَ مَسَّتۡهُمۡ إِذَا لَهُم مَّكۡرٞ فِيٓ ءَايَاتِنَاۚ قُلِ ٱللَّهُ أَسۡرَعُ مَكۡرًاۚ إِنَّ رُسُلَنَا يَكۡتُبُونَ مَا تَمۡكُرُونَ ﴿٢١﴾

ما هرگاه به مردم طعم رحمتی بچشانیم تا، رنج و زیانی که به آنها رسیده است جبران کنیم، آنها برای محو آیات خدا مکر و سیاست به کار می‌برند، ای رسول به آنها بگو مکر و سیاست خدا

کاملتر و سریعتر است و رسولان ما مکرهای شما را خواهند نوشت. «۲۱»

﴿فاطر﴾ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلْعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ إِلَيْهِ يَصْعَدُ ٱلْكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلْعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرْفَعُهُۥ ۚ وَٱلَّذِينَ يَمْكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ أُو۟لَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿١٠﴾

هر که طالب عزت است، بداند که تمام عزت مختص به خدا و خداپرستان است، و کلمه نیکوی توحید و عمل صالح بسوی او بالا رود، و برای آنها که به مکر و تزویر و نیرنگ مشغولند عذاب سختی خواهد بود و مکر آنها بکلی نابود خواهد شد. «۱۰»

﴿یوسف﴾ وَرَٰوَدَتْهُ ٱلَّتِى هُوَ فِى بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِۦ وَغَلَّقَتِ ٱلْأَبْوَٰبَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۚ قَالَ مَعَاذَ ٱللَّهِ ۖ إِنَّهُۥ رَبِّىٓ أَحْسَنَ مَثْوَاىَ ۖ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِۦ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ أَن رَّءَا بُرْهَٰنَ رَبِّهِۦ ۚ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ ٱلسُّوٓءَ وَٱلْفَحْشَآءَ ۚ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَٱسْتَبَقَا ٱلْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُۥ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا ٱلْبَابِ ۚ قَالَتْ مَا جَزَآءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوٓءًا إِلَّآ أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِىَ رَٰوَدَتْنِى عَن نَّفْسِى ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَآ إِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَءَا قَمِيصَهُۥ قُدَّ مِن دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُۥ مِن كَيْدِكُنَّ ۖ إِنَّ

كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا ۚ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿٢٩﴾ ۞ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَن نَّفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۖ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ ۖ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ ۖ وَلَقَدْ رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ ۖ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِّنَ الصَّاغِرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ ۖ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾

در آن خانه که یوسف و زلیخا بودند، یوسف بدون آنکه نظر خیانت و بدی داشته باشد، بانوی خانه به میل نفس خود از او درخواست وصل و مراوده کرد، روزی بانوی عزیز مصر درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد و با اشاره به او گفت: من برای تو آماده‌ام، یوسف پاسخ داد، به خدا پناه می‌برم، خدا مرا مقامی منزه عطا فرموده، که خدا هرگز ستمگران را رستگار نسازد. «۲۳» زلیخا از فرط میل با آنکه از یوسف جواب رد و امتناع شنید، باز از روی هوا و هوس به درخواست خود اصرار ورزید، و اگر لطف خدا شامل

حال یوسف نشده بود و برهان روشنی از او ندیده بود، ممکن بود یوسف نیز به میل طبیعی اهتمام دهد ولی چون یوسف از بندگان معصوم و پاکیزه ماست او را از عمل زشت نگاهداری نمودیم. «۲۴» و هردو به جانب در شتافتند آنگاه بانوی عزیز، پیراهن یوسف را از پشت بدرید، که در همان وقت شوهر آن زن را بر در منزل یافتند آنگاه زن به شوهرش گفت: جزای آنکه با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا به زندان ببرند یا به عقوبتی سخت‌تر کیفر کنند چه خواهد بود. «۲۵» یوسف جواب داد، خود این زن با من قصد مراوده کرده است و هنگام بازجوی شاهدی از بستگان زن گواهی داد و گفت: اگر پیراهن یوسف از پیش دریده زن راستگو و یوسف از دروغگویان است. «۲۶» و اگر پیراهن از پشت دریده زن دروغگو و یوسف از راستگویانست. «۲۷» و چون شوهر مشاهده کرد که پیراهن از پشت سر دریده است گفت: این از مکر شماست که حیله شما زنان، بسیار بزرگ و حیرت‌انگیز است. «۲۸» پس از آن شوهر زن به یوسف گفت: ای پسر درگذر از آن امر و فراموش کن این ماجرا و به زلیخا گفت: از گناه خود توبه کن، که تو سخت در اشتباه و از خطا کارانید. «۲۹» چونکه زنان مصر از آن ماجرا آگاه شدند، زبان ملامت نسبت به زلیخا گشودند و گفتند زن عزیز مصر مراوده با غلام خویش داشته و حب و عشق یوسف، او را شدیداً شیفته و فریفته خود ساخته، پس ما او را در نهایت ضلالت می‌بینیم. «۳۰»

چون زلیخا ملامت زنان مصری را درباره خود شنید، کسی را فرستاد تا از آنها دعوت کند و به این مناسبت مجلس بزرگی بیاراست و به احترام آنها برای هریک پالش و تکیه‌گاهی بگسترد و به دست هریک کاردی داد، پس از آن از یوسف تقاضا نمود که به مجلس این زنان درآی، و چون زنان یوسف را دیدند، زبان بتکبیر گشودند و دستها بریدند و گفتند: تبارك اللّٰه این پسر آدمی نیست بلکه فرشته بزرگ حسن و زیبایست. «۳۱» زن گفت: اینست غلامی که مرا در محبتش ملامت می‌کردید آری من خود از او تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس هم خواهش مرا رد کند البته زندانی شود و خوار و ذلیل گردد. «۳۲» یوسف گفت: ای خدا مرا رنج زندان خوشتر است از این کار که زنان از من تقاضا دارند، بارالها اگر تو مکر و حیله اینان به لطف و عنایت خود از من دفع نفرمائی ممکن است به آنها میل کرده و از اهل جهل و شقاوت گردم. «۳۳» خدا دعای یوسف را مستجاب کرده و مکر و دسایس زنان را نسبت به او پوچ و بی‌اثر ساخته است. حقیقتاً که خداوند شنوا و داناست. «۳۴»

«القلم» وَإِن يَكَادُ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَيُزۡلِقُونَكَ بِأَبۡصَٰرِهِمۡ لَمَّا سَمِعُواْ ٱلذِّكۡرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُۥ لَمَجۡنُونٞ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٥٢﴾

وقتی آیات خدا برتو نازل شد، حقیقتاً نزدیک بود آنانیکه کافر شده‌اند از روی حسادت با چشمان خود تو را هلاك کنند و

می گویند: این رسول دیوانه است. «۵۱» حال آنکه او بشارت دهنده‌ای بزرگ برای همه جهانیان است. «۵۲»

(الاخلاص) قُلْ هُوَ ٱللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ ٱللَّهُ ٱلصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُۥ كُفُوًا أَحَدٌۢ ﴿٤﴾

ای رسول به خلق بگو: او خدای یگانه و یکتاست «۱» او از همه بی‌نیاز و همه عالم به او نیازمند است. «۲» او نه فرزند کسی است و نه کسی فرزند اوست. «۳» و هرگز کسی مانند و همتای او نیست.«۴»

(الفلق) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ ﴿١﴾ مِن شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِن شَرِّ ٱلنَّفَّٰثَٰتِ فِى ٱلْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾

بگو من پناه می‌برم به خدای فروزندی صبح روشن «۱» و از شر آنچه آفریده شده است «۲» و از شر شب تار هنگامیکه درآید «۳» و از شر زنان افسونگر، چون بجادو در گرهها بدمند «۴» و از شر حسود بدخواه چون آتش رشک و حسد برافروزد «۵»

(النّاس) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ ٱلنَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ ٱلنَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَٰهِ ٱلنَّاسِ ﴿٣﴾ مِن شَرِّ ٱلْوَسْوَاسِ ٱلْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ ٱلَّذِى يُوَسْوِسُ فِى صُدُورِ ٱلنَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ ﴿٦﴾

بگو من پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان «۱» پادشاه آدمیان «۲» معبود آدمیان «۳» از شر وسوسه شیطان «۴» آن شیطان که وسوسه

کنـد در دل آدمیـان «۵» چـه آن شـیطان از جـنس جـن باشـد، چـه از نـوع آدمیان «۶»

(الفیل) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِم بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ﴿٥﴾

آیـا ندیـدی کـه خـدای تـو بأصـحاب فیـل چـه کـرد «۱» آیـا تـدبیری کـه بـرای خرابـی کعبـه اندیـشیدند تبـاه نکـرد «۲» و بـرای هـلاك آنهـا مرغـان ابابیـل را فرسـتاد «۳» تـا آن سـپاه را بـه سـنگهای سـجیل سـنگباران کننـد «۴» و در نتیجـه آن اجسامـشان چـون علفـی زیـر دنـدان حیـوان خـرد گردانید. «۵»

(المسد) تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ﴿١﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ﴿٢﴾ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ﴿٣﴾ وَامْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ﴿٤﴾ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ﴿٥﴾

ابولهـب نـابود شـود و دو دسـتش قطـع گردیـد «۱» ثروتـی کـه بدسـت آورده اسـت هـیچ بکـارش نیامـد و از هلاکـش نرهانیـد «۲» بـزودی در دوزخـی افکنـده خواهـد شـد کـه آتـشش شـعله‌ور اسـت «۳» وزنـش فـراهم آورنـده هیـزم سـوختن او خواهـد بـود«۴» آن زن طنـابی از لیـف خرما بگردن دارد، و روشن کننده آن آتش است.«۵»

﴿یوسف﴾ قَالَ يَٰبُنَيَّ لَا تَقۡصُصۡ رُءۡيَاكَ عَلَىٰٓ إِخۡوَتِكَ فَيَكِيدُواْ لَكَ كَيۡدًاۖ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لِلۡإِنسَٰنِ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ۝ وَكَذَٰلِكَ يَجۡتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِن تَأۡوِيلِ ٱلۡأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعۡمَتَهُۥ عَلَيۡكَ وَعَلَىٰٓ ءَالِ يَعۡقُوبَ كَمَآ أَتَمَّهَا عَلَىٰٓ أَبَوَيۡكَ مِن قَبۡلُ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَۚ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝

(پدرش) گفت: فرزند عزیزم، خواب خود را برای برادرانت باز گو مکن، (چرا که مایه حسد آنان میشود، و اهریمن ایشان را بر آن میدارد) که برای تو نیرنگ بازی و دسیسه‌سازی کنند. بی گمان اهریمن دشمن آشکار انسان است«۵» همانگونه (که در خواب خویشتن را سرور و برتر دیدی) پروردگارت، تو را (به پیغمبری) بر میگزیند و تعبیر خوابها را به تو میآموزد (و با خلعت نبوت تو را مفتخر میسازد) و بر تو و خاندان یعقوب نعمت خود را کامل می کند، همانطور که پیش از آین بر پدرانت ابراهیم و اسحاق کامل کرد. بیگمان پروردگارت بسیار دانا و پر حکمت است (و میداند چه کسی را بر می گزیند و خلعت نبوت را به تن چه کسی می کند) «۶».

نقش قرآن در بی‌اثر نمودن لجاجت معاندین

﴿الأنعام﴾ وَإِذَا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَةٞ قَالُواْ لَن نُّؤۡمِنَ حَتَّىٰ نُؤۡتَىٰ مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ ٱللَّهِۘ ٱللَّهُ أَعۡلَمُ حَيۡثُ يَجۡعَلُ رِسَالَتَهُۥۗ سَيُصِيبُ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ ٱللَّهِ وَعَذَابٞ شَدِيدُۢ بِمَا كَانُواْ يَمۡكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

و هنگامی که دلیل و برهان روشنی برای هدایت اینان میآید می گویند: ما حق را باور نمیداریم مگر اینکه همانند آنچه به پیغمبران خدا داده شده است، به ما نیز داده شود. خداوند بهتر می‌داند که (چه کسی را برای پیامبری انتخاب و) رسالت خویش را به چه کسی حوالت می‌دارد. از سوی خدا هر چه زودتر خواری و رسوائی (در دنیا) نصیب کسانی می گردد که بزهکاری پیش می گیرند، و عذاب سختی در آخرت، به سبب نیرنگی که می‌ورزند بهره ایشان می‌شود.«۱۲۴»

﴿الرّوم﴾ ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٤١﴾

در نتیجه کردار بد و ناپسند مردم فساد و تباهی در زمین و دریا پدید آمد، ماهم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها می‌چشانیم تا باشد که بسوی ما باز گردند. «۴۱»

﴿یونس﴾ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ ٱلْحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿۳۲﴾ كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ فَسَقُوٓا۟ أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۳﴾

آن خدا است که پروردگار بر حق شماست بنابر این پرستش او حق است و پرستش جز او باطل، آیا سوای حق جز گمراهی است؟ پس چگونه باید از راه بدر برده شوید؟ «۳۲» همانگونه که بعد از حق جز گمراهی نیست، همانگونه هم فرمان پروردگار تو در باره کسانی که بر خلاف عقل و وجدان از دستور یزدان سبحان سرپیچی می‌کنند صادر شده است که ایمان نیاورند «۳۳».

﴿الأسْراء﴾ قُل لَّئِنِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنسُ وَٱلْجِنُّ عَلَىٰٓ أَن يَأْتُوا۟ بِمِثْلِ هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِۦ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿۸۸﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰٓ أَكْثَرُ ٱلنَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿۸۹﴾

بگو اگر همه مردمان و جملگی پریان گرد آیند و متفق شوند تا همچون این قرآن را با این شیوه‌های دلربا و معانی زیبا بسازند و بیاورند نمی‌توانند مانند آن را بیاورند و ارائه دهند هر چند هم برخی از ایشان پشتیبان و مددکار برخی دیگر شوند، چرا که قرآن کلام یزدان و معجزه جاویدان آفریدگار است و هرگز از معلومات محدود آفریدگان چنین چیزی ساخته نیست «۸۸» ما در این قرآن هر نوع مثلی را برای مردم به شیوه‌های گوناگون بارها بیان داشته‌ایم

ولی بشتر مردم جز انکار حق و نادیده گرفتن دلائل هدایت و تکذیب خدا و رسول او چیزی قبول نمی کنند و نمی‌پذیرند «۸۹».

﴿نوح﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَاءِي إِلَّا فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٢﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ﴿٢١﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾ مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا

كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَّبِّ ٱغْفِرْ لِى وَلِوَٰلِدَىَّ وَلِمَن دَخَلَ بَيْتِىَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَلَا تَزِدِ ٱلظَّٰلِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

نوح گفت: پروردگارا! من قوم خود را شب و روز به سوی ایمان به تو فرا خواندم «۵» اما دعوت و فرا خواندنم تنها بر گریز ایشان افزود «۶» من هر زمان که ایشان را دعوت کرده‌ام تا ایمان بیاورند و تو آنان را بیامرزی انگشتهای خود را به گوشهایشان فرو کرده‌اند تا ندای حق را نشوند و جامه‌هایشان را بر سر کشیداند تا قیافه مرا نبینند، آنان از روی تکبر و خودخواهی بر فسق و کفر خود اصرار می‌ورزند «۷» سپس من آنان را آشکارا و با صدای بلند به یکتا پرستی و ایمان راستین دعوت کرده‌ام «۸» گذشته از این من بگونه علنی و جمعی و بصورت نهانی و فردی دعوت آسمانی را بدیشان رساندم «۹» و بدیشان گفته‌ام: از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است و شما را می‌بخشاید «۱۰» اگر چنین کنید خدا از آسمان بارانهای پر خیر و برکت را پیاپی بر سر شما می‌باراند «۱۱» و با اعطاء دارائی و فرزندان شما را کمک می‌کند و یاری می‌دهد و باغهای سرسبز و فراوان بهره شما می‌سازد و رودبارهای پر از آب در اختیارتان می‌گذارد «۱۲» به چه علتی برای خدا، عظمت و شکوه قائل نیستی «۱۳» در حالی که او در مراحل مختلف خلقت شما را به گونه‌های گوناگونی، آفریده است «۱۴» مگر نمی‌بینید که خداوند چگونه هفت آسمان را، یکی بالای

دیگر آفریده است «۱۵» و ماه را در میان آنها تابان و خورشید را چراغ درخشان کرده است «۱۶» خداست که شما را از زمین بگونه شگفتی آفریده است «۱۷» سپس شما را به همان زمین بر می گرداند و بعد شما را بگونه شگفتی زنده می گرداند و از زمین بیرون می‌آورد. «۱۸» خداوند زمین را برای شما گسترده و فراخ کرده است «۱۹» تا از جاده‌های وسیع آن بگذرید «۲۰» نوح گفت: پروردگارا آنان از من نافرمانی کرده‌اند و از کسانی پیروی نموده‌اند که اموال و اولادشان جز زیان و خسران برای ایشان پدید نیاورده است و بر آنان نیفزوده‌اند «۲۱» چنین رهبران گمراهی، نیرنگی بزرگی بکار برده‌اند «۲۲» به آنان گفته‌اند: معبودهای خود را ود، سواع، یغوث، یعوق و نسر را، رها نسازید «۲۳» و بدین وسیله بسیاری از مردم را گمراه ساخته‌اند پروردگارا این خود خواهان گمراهند پس گمراه‌ترشان گردان «۲۴» سرانجام همگی به خاطر گناهانشان در طوفان غرق شدند و به دوزخ در افتادند و جز خدا برای خود یار و یاوری نیافتند که بتواند از ایشان دفاع کند و از دوزخشان براهاند «۲۵» نوح به دعای خود ادامه داد و گفت: پروردگارا! هیچ احدی از کافران را بر روی زمین زنده باقی مگذار «۲۶» که اگر ایشان را رها کنی بندگانت را گمراه می‌سازند و جز فرزندان بزهکار و کافر سرسخت نمی‌زایند و به دنیا نمی‌آورند «۲۷» پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و همه کسانی را که مؤمنانه و باورمندانه به خانه من در می‌آیند و

سایر مردان و زنان با ایمان را بیامرزا و کافران را جز هلاک و نابودی مفرما! «۲۸»

﴿النساء﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ ٱلْقُرْءَانَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِندِ غَيْرِ ٱللَّهِ لَوَجَدُوا۟ فِيهِ ٱخْتِلَٰفًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾

آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند تا برای آنها ثابت شود که قرآن از طرف خدا فرستاده شده است اگر به عکس آن بود بی‌شک در او اختلاف زیادی می‌یافتند. «۸۲»

﴿التوبه﴾ يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ ﴿٣٢﴾

کافران می‌خواهند بنفس تیره و گفتار جاهلانه خود نور خدا را خاموش کنند ولی خدا نمی‌گذارد این نیت شوم آنها تحقق پیدا کند و سرانجام نور خود را در منتهای ظهور و حداعلای کمال می‌رساند.

﴿آل عمران﴾ فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ ٱلْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا۟ نَدْعُ أَبْنَآءَنَا وَأَبْنَآءَكُمْ وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰذِبِينَ ﴿٦١﴾

پس هر کس باتو در مقام مجادله برآید بعد از آگاهی به او بگو بیائید ما و شما دعوت کنیم از فرزندان و زنانمان و پس از التجاء به درگاه خدا اصرار کنیم تا دروغگو و کافران را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم. «۶۱»

﴿آل عمران﴾ قُلْ إِنَّ ٱلْفَضْلَ بِيَدِ ٱللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾

بگو ای رسول فضل و رحمت بدست خداست، به هر که او بخواهد می‌دهد و فضل و رحمت خدا بی‌منتهاست و به همه امور عالم داناست. «۷۳» تخصص می‌دهد خدا فضل و رحمت خویش را به هر که بخواهد که خدا را فضل و رحمت بی‌منتهاست. «۷۴»

أَفَغَيْرَ دِينِ ٱللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُۥٓ أَسْلَمَ مَن فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

آیا کافران دینی غیر از دین خدا را می‌طلبند و حال آنکه هر که در آسمان و زمین است خواه ناخواه مطیع فرمان خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد. «۸۳»

﴿النّساء﴾ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٣٢﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا ٱلنَّاسُ وَيَأْتِ بِـَٔاخَرِينَ ۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾

و هرچه در آسمانهاست و آنچه در زمین همه ملک خدا است و خدا را برای وکالت از خلق کافی است «۱۳۲» اگر بخواهد همه شما را میبرد و قوم دیگری می‌آورد و البته خدا بر آن کار مقتدر و تواناست. «۱۳۳»

«الأنعام» قُلْ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَّن يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُۥ ۚ وَذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِن يَمْسَسْكَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُۥٓ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

بگو من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت می‌ترسم. «۱۵» که هر کس در آن روز از عذاب برهد همانا برحمت نائل گردد و این پیروزی و سعادتی آشکار است. «۱۶» و اگر خدا بتو ضرری برساند هیچکس جز خدا نتواند تو را از ضرر برهاند و اگر از او به تو خیری رسد که او برهر چیز تواناست. «۱۷»

وَهُوَ ٱلْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِۦ ۚ وَهُوَ ٱلْحَكِيمُ ٱلْخَبِيرُ ﴿١٨﴾

خدا کمال اقتدار و توانائی را بر بندگان خود دارد و همیشه درست کار و آگاه به امور است. «۱۸»

«الزمر» أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ﴿١٩﴾

آیا کسیکه وعده عذاب خدا براو محقق و حتمی است تو می‌توانی از آن آتش قهرش برهانی. «۱۹»

«الأنعام» قُلْ إِنَّنِي هَدَىٰنِي رَبِّيٓ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِّلَّةَ إِبْرَٰهِيمَ حَنِيفًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُۥ ۖ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا۠ أَوَّلُ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ﴿١٦٤﴾

بگو ای پیغمبر مرا خدا براه راست هدایت کرده است و به دین استوار و آئین پاک ابراهیم که از مشرکین نبوده است پیوند داده است. «۱۶۱» بگو ای پیغمبر محققاً که نماز و طاعت و زیستن و مردن من ازآن پروردگار جهانیان است. «۱۶۲» او را شریک نیست و بهیمن اخلاص کامل مرا فرمان داده‌اند و من اولین مسلمان که مطیع تسلیم امر خدا می‌باشم. «۱۶۳» بگو ای پیغمبر آیا رواست من کسی غیر از خدا را به ربوبیت گزینم در صورتیکه خدا رب همه موجودات است. «۱۶۴»

﴿الأنفال﴾ وَإِذْ قَالُوا۟ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلْحَقَّ مِنْ عِندِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

و گفتند: خدیا اگر این قرآن بر حق است و از جانب تو فرستاده شده است، یا بر ما سنگی از آسمان ببار، یا ما را بعذابی سخت و دردناک گرفتار ساز«۳۲» ولی خدا تا زمانیکه تو در میان آنها هستی خدا آنها را عذاب نخواهد کرد و تا وقتی توبه و استغفار کنند آنها را عذاب نخواهد کرد. «۳۳»

﴿التوبه﴾ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَقُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

پس ای رسول هرگاه مردم از تو روگردانیدند بگو: خدا مرا کفایت است که جز او خدائی نیست، من براو توکل کرده‌ام که خدای جهان و رب عرش بزرگ اوست. «۱۲۹»

﴿یونس﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَآ إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُۥ زِينَةً وَأَمْوَٰلًا فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا۟ عَن سَبِيلِكَ ۖ رَبَّنَا ٱطْمِسْ عَلَىٰٓ أَمْوَٰلِهِمْ وَٱشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا۟ حَتَّىٰ يَرَوُا۟ ٱلْعَذَابَ ٱلْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و موسی به پروردگار خود عرض کرد: بارالها تو بفرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند بارخدایا اموال آنها را نابود گردان و دلهاشان را سخت بربند که اینان ایمان نیاوردند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند. «۸۸»

﴿الحج﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا۟ فِى ٱلْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَآ أَوْ ءَاذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى ٱلْأَبْصَٰرُ وَلَٰكِن تَعْمَى ٱلْقُلُوبُ ٱلَّتِى فِى ٱلصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

آیا از روی زمین سیر و سفر نکرده‌اند تا دارای قلبهائی باشند که با آنها تعقل کنند و گوشهائی باشند که با آنها بشنوند زیرا چشمها نابینانمی‌شوندبلکه‌قلبهائی که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند. «۴۶»

﴿عَبَسَ﴾ قُتِلَ ٱلۡإِنسَٰنُ مَآ أَكۡفَرَهُۥ ﴿١٧﴾ مِنۡ أَيِّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥ ﴿١٨﴾ مِن نُّطۡفَةٍ خَلَقَهُۥ فَقَدَّرَهُۥ ﴿١٩﴾ ثُمَّ ٱلسَّبِيلَ يَسَّرَهُۥ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ أَمَاتَهُۥ فَأَقۡبَرَهُۥ ﴿٢١﴾ ثُمَّ إِذَا شَآءَ أَنشَرَهُۥ ﴿٢٢﴾

کشته باد انسان چه خدا نشناس و ناسپاس است«۱۷» خدا او را از چه چیز آفریده است؟!«۱۸» او را از نطفه ناچیز آفریده است و قوت و قدرت بدو بخشیده است«۱۹» سپس شناخت راه خوبی و بدی به او یاد داده است«۲۰» بعد او را میمیراند و وارد گورش می گرداند«۲۱» سپس هر وقت خواست او را زنده می گرداند«۲۲».

﴿التكاثر﴾ أَلۡهَىٰكُمُ ٱلتَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرۡتُمُ ٱلۡمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ كَلَّا سَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوۡ تَعۡلَمُونَ عِلۡمَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ ٱلۡجَحِيمَ ﴿٦﴾ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيۡنَ ٱلۡيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَئِذٍ عَنِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨﴾

آیا مسابقه افزون‌طلبی و نازیدن به مال و منال، شما را به خود مشغول ساخته است«۱» تا بدانگاه که میمیرید و به گورستانها میروید«۲» آنگاه خواهید دانست که شما در چه شرائط بدی قرار دارید«۳» سپس خواهید دانست«۴» قطعاً در آینده خواهید دانست«۵» ولی اگر در این جهان حقیقت را درک میکردید«۵» جهنم را به چشم خودتان میدیدید«۶» سپس بیگمان آن را میدیدید«۷» آنگاه از حال و احوال بهشت و بهشتیان با خبر می‌شدید«۸»

چگونه مبارزه کردن با دشمنان دین از دیدگاه قرآن

«الممتحنه» قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِيٓ إِبْرَٰهِيمَ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ إِذْ قَالُوا۟ لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَٰٓؤُا۟ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ٱلْعَدَٰوَةُ وَٱلْبَغْضَآءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا۟ بِٱللَّهِ وَحْدَهُۥٓ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَآ أَمْلِكُ لَكَ مِنَ ٱللَّهِ مِن شَىْءٍ ۖ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَٱغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآ ۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝

برای شما مؤمنان الگوی خوبی است ابراهیم و آنانیکه با او بودند، آنها بقوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم، به شما کفر ورزیدیم و بین ما و شما عداوت و دشمنی برای همیشه تا زمانیکه به خدای یگانه ایمان بیاورید شروع شده است. بجز این، تنها ابراهیم به پدر خودش گفت: من از خدای خویش برای شما طلب مغفرت می کنم، لیکن برای شما از جانب خدا مالک هیچ چیزی نیستم، خدایا بر تو توکل می‌جوئیم و بسوی تو بازمی گردیم و بازگشت همه بسوی تو است. «۴» پروردگارا ما را گرفتار دست کافران مکن. پروردگارا ما را بیامرز که تو چیره کار بجائی «۵».

﴿الأنفال﴾ وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا ٱسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ ٱلْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِۦ عَدُوَّ ٱللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ٱللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ



و شما در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و تنها خدا به آنها آگاهست نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا صرف می کنید خدا کاملاً به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد. «۶۰»

﴿آل عمران﴾ وَمَا جَعَلَهُ ٱللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِۦ ۗ وَمَا ٱلنَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِندِ ٱللَّهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾

و خدا آن فرشتگان که برای کمک به شما در جنگ نفرستاد مگر آن که مژده فتح به شما دهند و دلهای شما را به نصرت خدا مطمئن سازند، و فتح و پیروزی نصیب شما نگشت مگر از جانب خداوند توانای دانا. «۱۲۶»

﴿آل عمران﴾ ٱلَّذِينَ قَالَ لَهُمُ ٱلنَّاسُ إِنَّ ٱلنَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَٱخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَٰنًا وَقَالُوا حَسْبُنَا ٱللَّهُ وَنِعْمَ ٱلْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾ فَٱنقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ ٱللَّهِ

وَفَضْلٍ لَّمْ يَمْسَسْهُمْ سُوٓءٌ وَٱتَّبَعُوا۟ رِضْوَٰنَ ٱللَّهِ ۗ وَٱللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

چون مردمی منافق به مؤمنان گفتند: لشکری بسیار بزرگ بر علیه شما متفق شدند از آنان در اندیشه و برحذر باشید، ولی مؤمنان بیش از پیش به ایمانشان افزوده شد و گفتند: در مقابل تمام دشمنان تنها خدا ما را کفایت است و چه نیکو یاوری خواهد بود. «۱۷۳» پس آن گروه از مؤمنان به نعمت و فضل شما روی آوردند و بر آنان هیچ الم و رنجی پیش نیامد و پیرو رضای خدا شدند و خداوند صاحب فضل و رحمت بی‌منتهاست. «۱۷۴» این، سخنان شیطان است که می‌ترساند بدان دوستانش را شما مسلمانان از آن بیم واهمه نداشته باشید و تنها از من بترسید اگر اهل ایمان هستید. «۱۷۵»

(محمد) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِن تَنصُرُوا۟ ٱللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ﴿٧﴾ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ﴿٨﴾

ای مؤمنان اگر دین خدا را یاری کنید، خدا شما را یاری می‌کند و بر دشمنانتان پیروز می‌گرداند و گامهایتان را استوار می‌دارد و کار و بارتان را استقرار می‌بخشد«۷» و آنان که کفر ورزیدند، مرگشان باد، چون خداوند حتی اعمال نیک نیز از آنها نمی‌پذیرد و بی‌سود می‌گرداند«۸».

(آل عمران) يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱصْبِرُوا۟ وَصَابِرُوا۟ وَرَابِطُوا۟ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۲۰۰﴾

ای اهل ایمان در امور دین صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و تنها از خدا بترسید شاید در این راستا موفق بشوید. «۲۰۰»

(الأنفال) يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا لَقِيتُمُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ ٱلْأَدْبَارَ ﴿۱۵﴾ وَمَن يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُۥٓ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِئَةٍ فَقَدْ بَآءَ بِغَضَبٍ مِّنَ ٱللَّهِ وَمَأْوَىٰهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ ٱلْمَصِيرُ ﴿۱۶﴾

ای اهل ایمان هرگاه با تهاجم کافران در میدان کارزار روبه رو شوید مبادا از بیم آنها پشت به دشمن کرده و از جنگ بگریزید. «۱۵» هر که در روز جنگ به آنها پشت نمود و فرار کرد، بطرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ است که بدترین منزل خواهد بود مگر آنکه از میمنه به میسره و یا از قلب به جناح رود یا از فرقه‌ای به یاری فرقه دیگر شتابد. «۱۶»

(الأنفال) فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَـٰكِنَّ ٱللَّهَ رَمَىٰ ۚ وَلِيُبْلِىَ ٱلْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۷﴾

ای مؤمنان نه شما بلکه خدا کافران را کشت و ای رسول چون تو تیر افکندی نه تو بلکه خدا افکند که مؤمنان را به پیش آمد خوشی بیازماید که خدا شنوای دعای خلق و دانا به مصالح امور عالم است. «۱۷»

وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخۡدَعُوكَ فَإِنَّ حَسۡبَكَ ٱللَّهُۚ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَيَّدَكَ بِنَصۡرِهِۦ وَبِٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٦٢﴾

و اگر دشمنان به فکر فریب‌دادن باشند، البته مطمئن باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد، اوست که بنصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گرداند. «۶۲»

﴿التوبه﴾ قُل لَّن يُصِيبَنَآ إِلَّا مَا كَتَبَ ٱللَّهُ لَنَا هُوَ مَوۡلَىٰنَاۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلۡيَتَوَكَّلِ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿٥١﴾

بگو هرگز بجز آنچه که خدا برای ما مقدر فرموده است هیچ آسیبی بما نخواهد رسید، تنها اوست مولای ما و البته همه مؤمنان بر او توکل خواهند کرد. «۵۱»

﴿البقره﴾ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡقِتَالُ وَهُوَ كُرۡهٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تَكۡرَهُواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ خَيۡرٞ لَّكُمۡۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّواْ شَيۡـٔٗا وَهُوَ شَرّٞ لَّكُمۡۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ وَأَنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٢١٦﴾

حکم جهاد برای شما مقدر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لیکن چه بسا چیزی را شما بد و ناگوار شمارید ولی

به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده باشد و چه بسیار شود که دوستدار چیزی هستید و در واقع شر و فساد شما در آن است، و خداوند به مصالح و همه امور داناست و شماها نمی‌دانید. «۲۱۶»

﴿البقره﴾ وَقَٰتِلُواْ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ٱلَّذِينَ يُقَٰتِلُونَكُمۡ وَلَا تَعۡتَدُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُعۡتَدِينَ ﴿١٩٠﴾ وَٱقۡتُلُوهُمۡ حَيۡثُ ثَقِفۡتُمُوهُمۡ وَأَخۡرِجُوهُم مِّنۡ حَيۡثُ أَخۡرَجُوكُمۡۚ وَٱلۡفِتۡنَةُ أَشَدُّ مِنَ ٱلۡقَتۡلِۚ وَلَا تُقَٰتِلُوهُمۡ عِندَ ٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَٰتِلُوكُمۡ فِيهِۖ فَإِن قَٰتَلُوكُمۡ فَٱقۡتُلُوهُمۡۗ كَذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٞ رَّحِيمٞ ﴿١٩٢﴾ وَقَٰتِلُوهُمۡ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتۡنَةٞ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ لِلَّهِۖ فَإِنِ ٱنتَهَوۡاْ فَلَا عُدۡوَٰنَ إِلَّا عَلَى ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٩٣﴾ ٱلشَّهۡرُ ٱلۡحَرَامُ بِٱلشَّهۡرِ ٱلۡحَرَامِ وَٱلۡحُرُمَٰتُ قِصَاصٞۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡ فَٱعۡتَدُواْ عَلَيۡهِ بِمِثۡلِ مَا ٱعۡتَدَىٰ عَلَيۡكُمۡۚ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلۡمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾

در راه خدا با آنانکه به جنگ و دشمنی بر شما بر می‌خیزند جهاد کنید ولی ستم‌کار نباشید که خدا ستمگر را دوست ندارد. «۱۹۰» و آنانرا به قتل رسانید هرکجا آنان را بیابید و از شهرشان برانید چنانکه شما را از وطن آواره کردند و این فتنه‌گری که آنها پیشه کرده‌اند سخت‌تر از کشتن است و در مسجدالحرام با آنها به جنگ برنخیزید مگر آنکه آنها پیش‌دستی کنند در این صورت رواست که آنها را به قتل برسانید اینست کیفر کافران. «۱۹۱» پس اگر از شرک برگشتند

پس خداوند بخشنده و مهربان است «۱۹۲» و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند و این را بدانید که دین خالصانه تنها از آن خداست. پس اگر دشمنان از روش نادرست خود دست برداشتند و اسلام را پذیرفتند دست از آنان بردارید زیرا حمله بردن و تجاوز کردن جز بر ستمکاران روا نیست «۱۹۳» ماههای حرام را در مقابل ماههای حرام قرار دهید و اگر دشمنان حرمت آن نگاه نداشتند و با شما قتال کنند شما نیز با آنها پیکار کنید پس هر کس به شما تجاوز کرد این حق شماست که به او تجاوز کنید و از خدا بترسید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است «۱۹۴».

﴿الأنفال﴾ إِذْ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلاً ۖ وَلَوْ أَرَىٰكَهُمْ كَثِيرًا لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَٰزَعْتُمْ فِي ٱلْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَ ۗ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ ٱلْتَقَيْتُمْ فِيٓ أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِيٓ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ ٱللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولاً ۗ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿٤٤﴾

به یاد آری ای رسول ما آنگاه که در خوابت دشمنانت را در چشم تو اندک نشان دادیم و اگر سپاه دشمن را بسیار بچشم شما نشان داده بودیم کاملاً هراسان می‌شدید و پس از آن بعلت اختلاف و مجادله زیاد، شکست می‌خوردید لیکن خدا به شماها ثابت کرد که او دانا و متصرف در اندیشه‌های درونی دلهاست. «۴۳» و نیز به

یاد آرید زمانی که با دشمنی ملاقات کردید، خداوند آنها را کم و شما را در چشم آنان کم نشان داد تا خداوند آنرا، که در قضای حتمی خود مقدر نموده بود اجرا فرماید و بسوی اوست بازگشت امور. «۴۴»

(الحشر) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ۝١ هُوَ ٱلَّذِيٓ أَخْرَجَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ مِن دِيَٰرِهِمْ لِأَوَّلِ ٱلْحَشْرِ ۚ مَا ظَنَنتُمْ أَن يَخْرُجُوا۟ ۖ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُم مَّانِعَتُهُمْ حُصُونُهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَأَتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا۟ ۖ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعْبَ ۚ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُم بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي ٱلْمُؤْمِنِينَ فَٱعْتَبِرُوا۟ يَٰٓأُو۟لِي ٱلْأَبْصَٰرِ ۝٢

آن خداست که کافران را که از اهل کتاب بودند برای اولین بار از دیارشان بیرون کرد که هرگز گمان نمی‌کردید خارج شوند و آنها می‌پنداشتند که آن دیوارهای بلند و حصارهای محکم که ساخته بودند مانع از آن می‌شود که از طرف خدا آسیب به آنها برسد لیکن عذاب خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند به آنها فرا رسید و در دلشان ترس و وحشت افکند تا بدست خود و بدست مؤمنان خانه‌هاشان ویران کردند، پس از این ماجرا پند و عبرت یاد گیرید ای کسانی که چشمهای بینا دارید. «۲»

(النّساء) ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱلطَّٰغُوتِ فَقَٰتِلُوٓا۟ أَوْلِيَآءَ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّ كَيْدَ ٱلشَّيْطَٰنِ كَانَ ضَعِيفًا ۝٧٦

کسانیکه اهل ایمانند در راه خدا جهاد می‌کنند و کافران در راه شیطان می‌جنگند پس شما مؤمنان برعلیه دوستان شیطان بجنگید و از آنها هیچ گونه ترس و بیمی نداشته باشید که مکر و نیرنگ شیطان بسیار سست و بی‌اساس است. «۷۶»

﴿الأنفال﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا۟ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۚ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلرُّعْبَ فَٱضْرِبُوا۟ فَوْقَ ٱلْأَعْنَاقِ وَٱضْرِبُوا۟ مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَآقُّوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ ۚ وَمَن يُشَاقِقِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴿١٣﴾

و بیاد آر ای رسول آنگاه پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، مؤمنان را ثابت قدم بدارید که همانا من ترس در دل کافران می‌افکنم تا گردنهایشان بزنید و همه انگشتان را قطع کنید. «۱۲» این کیفر کافران را برای آنست که آنان با خدا و رسول او سخت مخالفت کردند و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت بپیماید خدا هم در مقابل او بسیار سخت گیر است«۱۳».

﴿المائده﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلْيَهُودَ وَٱلنَّصَٰرَىٰٓ أَوْلِيَآءَ ۘ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَإِنَّهُۥ مِنْهُمْ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِي ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ



ای اهل ایمان یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، برخی از آنها دوستدار برخی دیگرند و همانا خداوند ستمکاران را هدایت نخواهد نمود «۵۱»

یَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَتَّخِذُوا۟ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَٱلْكُفَّارَ أَوْلِيَآءَ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به مسخره و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان دارید. «۵۷»

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ ﴿٥٥﴾

در حقیقت دوستدار و یاور شما تنها خدا و رسول او، و مؤمنانی هستند که نماز را بپا داشته و به فقیران در حال رکوع زکات می دهند. «۵۵»

(الزُّمَر) أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ ﴿٣٧﴾

آیا خدا برای بنده‌اش کافی نیست که تو را از قدرت‌های غیرخدائی می‌ترسانند پس هر که خدا گمراهش کند دیگری راهنمای او نخواهد بود «۳۶» و هر کس خدا بلطف خود او را هدایت

کند دیگر احدی نمی‌تواند او را گمراه کند آیا خدا مقتدر و غالب و منتقم از ستمکاران نیست؟«۳۷»

﴿البقره﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢١٧﴾

از تو درباره جنگ کردن در ماه حرام می‌پرسند، بگوا جنگ در آن (گناهی) بزرگ است. ولی جلوگیری از راه خدا (که اسلام است) و بازداشتن مردم از مسجدالحرام و اخراج ساکنانش از آن و کفر ورزیدن نسبت به خدا، در پیشگاه خداوند مهمتر از آن است، و برگرداندن مردم از دین (با ایجاد شبهه‌ها در دلهای مسلمانان و شکنجه ایشان و غیره) بدتر از کشتن است. (و مشرکان پیوسته با شما خواهند جنگید تا اگر بتوانند شما را از آئینتان برگردانند، ولی کسی که از شما از آئین خود برگردد و در حال کفر بمیرد، چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت برباد می‌رود و در آتش جاویدان دوزخ برای همیشه میمانند). «۲۱۷»

﴿التوبه﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَن يَسْتَغْفِرُواْ لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوٓاْ أُوْلِي قُرْبَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَٰبُ ٱلْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا كَانَ ٱسْتِغْفَارُ إِبْرَٰهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَهَآ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُۥٓ أَنَّهُۥ عَدُوٌّ لِّلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۚ إِنَّ إِبْرَٰهِيمَ لَأَوَّٰهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾

پیغمبر و مؤمنان را نسزد که برای مشرکان طلب آمرزش کنند، هرچند که خویشاوند باشند، هنگامی که برای آنان روشن شود که (با کفر و شرک از دنیا رفته‌اند، و) بی گمان مشرکان اهل دوزخند«۱۱۳» طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش، بخاطر وعده‌ای بود که خداوند بدو داده بود، ولی هنگامی که برای او روشن شد که پدرش در قید حیات بر کفر اصرار می‌ورزید و برابر وحی آسمانی دار فانی را وداع می‌گوید، دانست که او دشمن خدا است، از او بیزاری جست، و ترک طلب آمرزش برای وی گفت: واقعاً ابراهیم بسیار مهربان و دست بدعا و فروتن و شکیبا بود. «۱۱۴»

﴿التوبه﴾ قَٰتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ ٱللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ ٱللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ ۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾

(ای مؤمنان) با آن کافران بجنگید تا خدا آنان را با دست شما عذاب کند و رسوا و خوارشان دارد و شما را برایشان پیروز گرداند (و با فتح و پیروزی مؤمنان بر کافران) سینه‌های اهل ایمان را شفا

بخشد (و بر دلهای زخمی ایشان مرهم نهد و درد، دیرینه اذیت و آزار کفار را از درون آنان بزداید) «۱۴» و کینه را از دلهایشان بردارد و شادی و پیروزی جایگزین آن گرداند. همه باید بدانند که خداوند توبه هر کس را بخواهد و شایسته‌اش بداند می‌پذیرد، لذا کافران می‌توانند تا دیر نشده است از کفر دست بکشند و به سوی خدا برگردند و اسلام را بپذیرند، خداوند آگاه از کار و بار بندگان، و در قانونگذاریها دارای حکمت فراوان است. «۱۵»

(الأنفال) ﴿وَقَٰتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ ٱلدِّينُ كُلُّهُۥ لِلَّهِ ۚ فَإِنِ ٱنتَهَوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِن تَوَلَّوْا۟ فَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ مَوْلَىٰكُمْ ۚ نِعْمَ ٱلْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ ٱلنَّصِيرُ ﴿٤٠﴾﴾

و با آنان پیکار کنید تا فتنه‌ای باقی نماند (و نیروئی نداشته باشند که با آن بتوانند شما را از دینتان برگردانند) و دین خالصانه از آن خدا گردد (و مؤمنان جز از خدا نترسند و آزادانه به دستور آئین خویش زیست کنند) پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند و اسلام را پذیرفتند، دست از آنان بردارید، چرا که خدا می‌بیند چیزهائی را که می‌کنند (کیفرشان می‌دهد «۳۹» و اگر پشت کردند و به روی گردانی خود از حق، و آزار مؤمنان ادامه دادند، بدانید که شما تحت سرپرستی خدا قرار دارید و خداوند سرپرست شما است و او بهترین یار و مددکار است. «۴۰»

﴿الأنفال﴾ وَإِن جَنَحُواْ لِلسَّلْمِ فَٱجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٦١﴾ وَإِن يُرِيدُوٓاْ أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ ٱللَّهُ ۚ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِۦ وَبِٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾

و اگر آنان به صلح گرایش نشان دادند، تو نیز بدان بگرای و در پذیرش پیشنهاد صلح تردید و دو دلی مکن و شرائط منطقی و عاقلانه و عادلانه را بپذیر و بر خدای توکل نمای که او شنوای گفتار و آگاه از رفتار همگان است. «۶۱» و اگر بخواهند تو را فریب دهند و منظورشان از گرایش به صلح مکر و کید باشد، باکی نداشته باش، چرا که خدا برای تو کافی است، او همان کسی است که تو را با یاری خود و توسط مؤمنان مهاجر و انصار تقویت و پشتیبانی کرد. «۶۲»

ایمان خود را استوارتر سازید

﴿البقره﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۲۴﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۲۵﴾

و هرگز نام خدا را هدف سوگندهای خود مکنید تا آنکه به این غرض از حقوقی که مردم را بر شماست برائت جوئید و خود را پرهیزکار قلم دهید و مصلح میان مردم شوید که خدا راست و دروغ مردم را می‌شنود و می‌داند. «۲۲۴» خدا بر سوگندهای لغو بیهوده شما را مؤاخذ نمی‌کنند ولکن به آنچه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد و خدا آمرزنده و بردبار است. «۲۲۵»

فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿۲۰۰﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۱﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا ۚ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۲۰۲﴾

بعضی از مردم کوتاه‌نظر از خدا تنها تمنای متاع دنیوی می‌کنند و آنان را از نعمت آخرت نصیبی نیست. «۲۰۰» و بعضی دیگر گویند بار خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت بهره‌مند گردان و از شکنجه آتش دوزخ نگاهدار. «۲۰۱» هر یک از این دو فرقه از نتیجه اعمال

خود بهره‌مند خواهند گشت و خدا به حساب همه سریعاً رسیدگی می‌کند. «۲۰۲»

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾

هر ملتی را جهتی است که به هنگام نماز بدانجا رو می‌کنند پس به سوی نیکیها بشتابید و در انواع خیرات بر یکدیگر سبقت بگیرید هر جا که باشید خدا همگی شما را گرد می‌آورد و به حساب همگان رسیدگی می‌کند و جهات در امر دین بی‌ارزش است بلکه خیرات ونیکها ارزشمند است و خدا بر هر چیزی توانا است«۱۴۸»

آیا ندیدی که پادشاه، زمان ابراهیم، درباره یکتائی خدا با ابراهیم به جدل و احتجاج برخاست و چون ابراهیم گفت: خدا آنست که زنده گرداند و بمیراند پادشاه گفت: من نیز چنین توانم کرد، که دو زنده را یکی کشت و یکی را آزاد کرد، ابراهیم باز گفت که خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد تو اگر توانی از مغرب بیرون آر، آن نادان کافر در جواب عاجز ماند که خدا راهنمای ستمکاران نخواهد بود. «۲۵۸»

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِ الْمَوْتَىٰ ۖ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن ۖ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ۖ قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا ۚ وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

و چون گفت ابراهیم بار پروردگارا به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خداوند فرمود: آیا به آن ایمان نداری؟ گفت: آری ایمان دارم ولکن می‌خواهم تا از آن راه دلم آرام گیرد. خداوند فرمود: چهار مرغ بگیر و گوشت آنها را در هم‌آمیز آنگاه هر قسمتی بر سر کوهی بگذار سپس آن مرغان را بخوان تا بسوی تو شتابان پرواز کنند، و آنگاه بدان که همانا خداوند بر همه‌چیز توانا و به حقایق امور عالم داناست. «۲۶۰»

آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِن رَّبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّن رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۖ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۚ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ ۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۖ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۚ أَنتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورد و مؤمنان نیز به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند و گفتند: ما میان هیچیک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم و همه یک زبان و یک دل فرمان خدا را شنیده و از او اطاعت کردیم، پروردگارا ما آمرزش تو را می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت همه به سوی تو است.«۲۸۵» خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر بقدر توانائی او، و روز جزا نیکی‌های هر شخصی به سود خود او، و بدیهایش نیز به زیان خود اوست، بار پروردگارا ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا کرده‌ئیم مؤاخذه مکن، بار پروردگارا تکلیف گران و طاقت‌فرسا چنانکه بر پیشینیان نهادی، بر ما مگذار، بار پروردگارا تکلیفی فوق طاقت ما را به دوش منه و بیامرز و ببخش گناه ما را و بر ما رحمت فرما تنها سلطان ما و یار و یاور ما توئی و ما را برای پیروزی بر کافران یاری فرما. «۲۸۶».

﴿آل عمران﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلْوَهَّابُ ﴿٨﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ جَامِعُ ٱلنَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ ﴿٩﴾

بار پروردگارا پس از آنکه ما را هدایت فرمودی، بار دیگر ما را بسوی باطل میل مده و بما از لطف خویش رحمتی عطا فرما، که همانا توئی بخشنده بی‌عوض و منت. «۸» پروردگارا محققاً که تو

همه خلق را در روزی که شکی در آن نیست گردآور می‌نمائید بدرستی که خداوند ما خلف وعده نمی کند. «۹»

ٱلَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ إِنَّنَآ ءَامَنَّا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٦﴾

آنانیکه به درگاه پروردگار خویش پناه آوردند می گویند خداوندا ما به تو ایمان آوردیم پس به کرم خود گناهان ما ببخش و ما را از عذاب آتش جهنم نگاهدار. «۱۶»

قُلِ ٱللَّهُمَّ مَٰلِكَ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِى ٱلْمُلْكَ مَن تَشَآءُ وَتَنزِعُ ٱلْمُلْكَ مِمَّن تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَآءُ ۖ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَتُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ ۖ وَتُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَن تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾

بگو ای پیغمبر بار خدایا ای پادشاه ملک هستی تو هر که را خواهی عزت ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی بگیری می گیری و از هر که خواستی عزت می‌بخشی و هر که را خواهی خوار گردانی پس هر خیر و نیکوئی به دست تو است و تنها تو بر هر چیز توانائی. «۲۶» شب را در روز نهان سازی و روز را در شب ناپدید گردانی و بیرون آوری زنده را از مرده و بیرون می‌آوری مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بدون حساب. «۲۷»

إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ لَءَايَٰتٍ لِّأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٩٠﴾ ٱلَّذِينَ يَذْكُرُونَ ٱللَّهَ قِيَٰمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِى

خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَٰطِلًا سُبْحَٰنَكَ فَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴿١٩١﴾ رَبَّنَآ إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ ٱلنَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُۥ ۖ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَّبَّنَآ إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِى لِلْإِيمَٰنِ أَنْ ءَامِنُوا۟ بِرَبِّكُمْ فَـَٔامَنَّا ۚ رَبَّنَا فَٱغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّـَٔاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ ٱلْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ ٱلْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ فَٱسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّى لَآ أُضِيعُ عَمَلَ عَٰمِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ ﴿١٩٥﴾

محققاً در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز برای صاحبان خرد نشانه‌هائی است. «۱۹۰» آنهائی که در هر حالت ایستاده و نشسته و خفتن خدا را یاد می‌کنند و دائم فکر در خلقت آسمان‌ها و زمین کرده و گویند پروردگارا این دستگاه باعظمت را بیهوده نیافریده‌ای تو پاک و منزهی ما را بلطف خود از عذاب آتش نگاه دار. «۱۹۱» ای پروردگار ما هر که در آتش افکنی او را سخت خوار کرده‌ای و او ستمکار بوده و ستمگران را هیچکس یاری نخواهد کرد. «۱۹۲» پروردگارا چون ما صدای منادئی که خلق را به ایمان می‌خواند شنیدیم اجابت کردیم و ایمان آوردیم، پروردگارا از گناهان ما در گذر و زشتی کردار ما بپوشان و هنگام جان سپردن، ما را با نیکان محشور گردان. «۱۹۳» پروردگارا ما را از آنچه به رسولان خود وعده دادی نصیب بفرما و ما را در، روز قیامت خوار مگردان که تو خلف وعده نمی‌کنی. «۱۹۴» پس پروردگار دعای آنها را

اجابت کرد و فرمود: من، عمل هیچ عمل کننده از مرد و زن را ضایع نمی‌کنم. «۱۹۵»

﴿الحشر﴾ لَا يَسْتَوِيٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ وَأَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ ۚ أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ هُمُ ٱلْفَآئِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا ٱلْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُۥ خَٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ ٱللَّهِ ۚ وَتِلْكَ ٱلْأَمْثَٰلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ عَٰلِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ۖ هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلَّذِي لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْمَلِكُ ٱلْقُدُّوسُ ٱلسَّلَٰمُ ٱلْمُؤْمِنُ ٱلْمُهَيْمِنُ ٱلْعَزِيزُ ٱلْجَبَّارُ ٱلْمُتَكَبِّرُ ۚ سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ ٱللَّهُ ٱلْخَٰلِقُ ٱلْبَارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ ۖ لَهُ ٱلْأَسْمَآءُ ٱلْحُسْنَىٰ ۚ يُسَبِّحُ لَهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند، بدرستی که اهل بهشت پیروز و سعادت‌مند عالمند. «۲» و اگر ما این قران عظیم‌الشأن را بر کوهی نازل می‌کردیم، مشاهده می‌کردی که کوه از ترس خدا شکاف بردار می‌گشت و این مثلها را برای مردم بیان می‌کنیم باشد که اهل عقل و اندیشه از آن بهره بگیرند. «۲۱» خدا کسی است که جز او پروردگار و محبوبی نیست، آگاه است به امور نهان و آشکار و تنها اوست که دارای مرحمت بی‌پایان است«۲۲» اوست خدای یکتائی که غیر از او خدایی نیست سلطان مقتدر، عالم، پاك از هر نقص و آلایش و منزه از هر عیب، پادشاهیست

ایمنی‌بخش نگهبان جهان و جهانیان، غالب و قاهر بر همه موجودات، با جبروت و عظمت و بزرگوار و برتر و پاک از هرچه بر او پندارند. «۲۳» اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدیدآرنده بی‌سابقه و صورت‌بندی کننده، مخصوص و تنها از آن اوست نامهای بی‌عیب و زیبا، و آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش جمال و جلالش مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم. «۲۴»

﴿الأنفال﴾ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُهُۥ زَادَتْهُمْ إِيمَٰنًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾

مؤمنان کسانی هستند که چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و بر خدای خود در هر کاری توکل می‌کنند. «۲»

﴿الرّعد﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ ٱللَّهِ ۗ أَلَا بِذِكْرِ ٱللَّهِ تَطْمَئِنُّ ٱلْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

آنهائیکه به خدا ایمان آوردند دلهاشان بیاد خدا آرام می‌گیرد، حقیقتاً که نام خدا آرام‌بخش دلهاست. «۲۸»

﴿یونس﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَٰنِهِمْ ۖ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمُ ٱلْأَنْهَٰرُ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعْوَىٰهُمْ فِيهَا سُبْحَٰنَكَ ٱللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَٰمٌ ۚ وَءَاخِرُ دَعْوَىٰهُمْ أَنِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠﴾

آنانکه ایمان بخدا آورده و نیکوکار شدند، خدا هم به خاطر همان ایمان، آنها را براه سعادت و طریق بهشت راهنمائی می کند تا بنعمتهای ابدی بهشتی که نهرها زیر درختانش جاریست متنعم گردند. «۹» و در آن بهشت زبان شوق به تسبیح و تقدیس خدا گشایند که بار الها تو از هر نقص و آلایش پاک و منزهی و ثنای آنها در بهشت سلامت ابدی می‌بخشد و آخرین سخن‌شان حمد پروردگار عالمیان است. «۱۰»

(النّور) فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا ٱسْمُهُۥ يُسَبِّحُ لَهُۥ فِيهَا بِٱلْغُدُوِّ وَٱلْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَّا تُلْهِيهِمْ تِجَٰرَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ ٱللَّهِ وَإِقَامِ ٱلصَّلَوٰةِ وَإِيتَآءِ ٱلزَّكَوٰةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ ٱلْقُلُوبُ وَٱلْأَبْصَٰرُ ﴿٣٧﴾

در آن خانه‌ها که خداوند اجازه داده است برافراشته شوند ودر آنها نام خدا برده شود و با ذکر و یاد او، و با تلاوت آیات قرآنی، و بررسی احکام آسمانی آباد شود، خانه‌های مسجد نامی که در آنها سحرگاهان و شامگاهان به تقدیس و تنزیه یزدان بپردازند «۳۶» مردانی که بازرگانی و معامله‌ای، آنان را از یاد خدا و خواندن نماز و دادن زکات غافل نمی‌سازد، از روزی می‌ترسند که دلها و چشمها در آن دگرگون و پریشان می گردد. «۳۷»

﴿آل عمران﴾ قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ ٱللَّهَ فَٱتَّبِعُونِى يُحْبِبْكُمُ ٱللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَٱلرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلْكَـٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾

بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست بدارد و گناهتان را ببخشاید، و خداوند آمرزنده مهربان است. «۳۱» بگو از خدا و از پیغمبر اطاعت و فرمانبرداری کنید و اگر سرپیچی کنند (ایشان به خدا و پیغمبر ایمان ندارند و کافرند و) خداوند کافران را دوست نمی‌دارد. «۳۲»

﴿الأنعام﴾ قُلْ أَغَيْرَ ٱللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّىٓ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾

بگو آیا غیر خدا را معبود و یاور خود بگیرم؟! در صورتی که او آفریننده آسمانها و زمین است و او روزی می‌دهد و همه بدو نیازمندند و هرگیز به او روزی داده نمی‌شود و نیازمند کسی نیست، بگو به من دستور داده شده است که نخستین کسی باشم که از این امت خویشتن را خالصانه تسلیم فرمان خدا کند و مسلمان باشد و نیز خدا به من دستور داده است که از زمره مشرکان مباش. «۱۴»

﴿یونس﴾ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ ٱلسَّمْعَ وَٱلْأَبْصَـٰرَ وَمَن يُخْرِجُ ٱلْحَىَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَىِّ وَمَن يُدَبِّرُ

ٱلْأَمْرَ ۚ فَسَيَقُولُونَ ٱللَّهُ ۚ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣١﴾ فَذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمُ ٱلْحَقُّ ۖ فَمَاذَا بَعْدَ ٱلْحَقِّ إِلَّا ٱلضَّلَٰلُ ۖ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٣٢﴾

بگو چه کسی از آسمان به وسیله اشعه و باران و از زمین به وسیله فعل و انفعالات خاک و رویش گیاهان و درختان و میوه آنها به شما روزی می‌رساند؟ یا چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، یا چه کسی بر گوش و چشمها توانا است و آنها را می‌آفریند و به آنها نیروی شنوائی و بینائی می‌دهد؟یا چه کسی زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد (وحیات و ممات در دست او است)؟ و یا چه کسی امور (جهان و جهانیان) را می گرداند (و کارساز و کارگردان است)؟ (پاسخ خواهند داد و خواهند گفت: آن خدا است، (چرا که آفریدگار جهان و روزی رسان مردمان و مدیر کار و بار هستی، به اقرار وجدان بیدار، خداوند دادار است) پس بگو آیا نمی‌ترسید و از خشم و عذاب خدا نمی‌پرهیزید. «۳۱» پس هماهنگونه که بعد از حق جز گمراهی نیست، همانگونه هم فرمان پروردگار تو درباره کسانی که (برخلاف حکم عقل و ندای وجدان، از دستور یزدان سبحان) سرپیچی می کنند (وبزهکاریها و سرکشیها دلشان را تاریک و روحشان را آلوده می کند و آگاهانه به بیراهه می‌روند صادر شده است که ایمان نیاورند (چرا که با انجام نابایستها و ناشایستها محکوم به این شده‌اند) «۳۲»

چاره‌ای برای غلبه بر یأس و نومیدی

﴿آل عمران﴾ هَـٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٨﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾ إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٢﴾

این کتاب خدا و آیات او حجت و بیانست برای عموم مردم و راهنما و پندی برای پرهیزکاران «۱۳۸» شما مسلمانان نه هرگز در امور دین سستی کنید و نه اندوهناك شوید، زیرا بلندمرتبه‌ترین ملل دنیا شما هستید اگر در ایمان ثابت قدم باشید «۱۳۹» اگر به شما آسیبی رسید، به دشمنان شما نیز آسیب رسیده است و این روزگار را به اختلاف و تفاوت میان خلایق می‌گردانیم تا از شما مؤمنان هر که ثابت در دین است بر دیگران گواه باشد و خداوند ستمکاران را دوست ندارد. «۱۴۰» و تا اهل ایمان را از هر عیب و نقص پاك و کامل گرداند و کافران را نابود سازد «۱۴۱» آیا گمان می‌برید که به بهشت وارد می‌شوید بدون آنکه خدا شما را امتحان کند و آنان را

که جهاد، در راه دین کرده و آنها که در سختی‌ها صبر کرده‌اند مقامشان معلوم گرداند. «۱۴۱»

﴿الصافات﴾ وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾ وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُۥ مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾

و همانا نوح ما را ندا کرد و ما او را چه نیکو اجابت کردیم «۷۵» و او را با خاندان و پیروانش از بلای بزرگ نجات دادیم «۷۶» و اولاد و ذریت او را، روی زمین باقی داشتیم «۷۷» و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم «۷۸» سلام بر نوح در میان جهانیان «۷۹» ما چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم «۸۰» او به حقیقت از بندگان باایمان ما بود «۸۱»

﴿ص﴾ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَآ أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّى مَسَّنِىَ ٱلشَّيْطَٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ٱرْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌۢ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ أَهْلَهُۥ وَمِثْلَهُم مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَٱضْرِب بِّهِۦ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَٰهُ صَابِرًا ۚ نِّعْمَ ٱلْعَبْدُ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾

(ای محمدا) خاطرنشان ساز، سرگذشت بنده ما ایوب را که پروردگار خود را بفریاد خواند و گفت: اهریمن مرا دچار رنج و درد کرده است «۴۱»

به او گفتیم پای خود را به زمین بکوب، این چشمه آبی است که هم برای شستشوی تنت مفید است و هم برای نوشیدن گوارا و سودمند است«۴۲» و ما اهل و فرزندانی که از او گرفته بودیم و بقدر آنها هم علاوه به او عطا کردیم، تا در حق او لطف کنیم و همچنین تا صاحبان عقل و اندیشه متذکر شوند «۴۳» ای ایوب و بسته‌ای از چوبهای نازک برگیر، و با آن زنت را بزن و قسمت را مشکن ما او را مقاوم یافتیم، بنده‌ای خوب است ایوب و بسیار رجوع کننده«۴۴».

﴿التوبه﴾ وَعَلَى ٱلثَّلَٰثَةِ ٱلَّذِينَ خُلِّفُواْ حَتَّىٰٓ إِذَا ضَاقَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَرۡضُ بِمَا رَحُبَتۡ وَضَاقَتۡ عَلَيۡهِمۡ أَنفُسُهُمۡ وَظَنُّوٓاْ أَن لَّا مَلۡجَأَ مِنَ ٱللَّهِ إِلَّآ إِلَيۡهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيۡهِمۡ لِيَتُوبُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿۱۱۸﴾

و خداوند لطف فرمود: بر آن سه نفر که از جهاد تخلف کرده بودند، تا آنکه زمین باو، وسعتی که داشت بر آنها تنگ شده و چون خیلی از خود دلتنگ شده بودند متوجه شدند که به جز در پناه خدا، پناهگاهی دیگر وجود ندارد سپس خداوند به آنها لطف کرد و توبه آنها پذیرفت، حقیقتاً که خدا بسیار توبه‌پذیر و در حق خلق مشفق و مهربانست. «۱۱۸»

﴿النمل﴾ أَمَّن يُجِيبُ ٱلۡمُضۡطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكۡشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجۡعَلُكُمۡ خُلَفَآءَ ٱلۡأَرۡضِۗ أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلٗا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿۶۲﴾

آیا بجز خدا کسی هست دعای بیچارگان را اجابت کند و رنج و عذاب آنها را برطرف سازد و شما مسلمین را جانشینان اهل زمین قرار دهد آیا با وجود خدای یکتا خدائی هست که اندکی از شما متذکر این حقیقتند. «۶۲»

(یوسف) قَالَ إِنَّمَآ أَشۡكُواْ بَثِّي وَحُزۡنِيٓ إِلَى ٱللَّهِ وَأَعۡلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ﴿٨٦﴾ يَٰبَنِيَّ ٱذۡهَبُواْ فَتَحَسَّسُواْ مِن يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَاْيۡـَٔسُواْ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ لَا يَاْيۡـَٔسُ مِن رَّوۡحِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلۡقَوۡمُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ﴿٨٧﴾

یعقوب به فرزندان خود گفت: من با خدا غم و درددل خود گویم و از لطف بی‌حد و حساب خدا چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید «۸۶» ای فرزندان من بروید و از حال یوسف و برادرش تحقیق کنید و هیچگاه از رحمت خدا نومید مباشید که هرگز جز قوم کافرین هیچکس از رحمت خدا نومید نیست. «۸۷»

قَالُواْ تَٱللَّهِ لَقَدۡ ءَاثَرَكَ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا وَإِن كُنَّا لَخَٰطِـِٔينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثۡرِيبَ عَلَيۡكُمُ ٱلۡيَوۡمَۖ يَغۡفِرُ ٱللَّهُ لَكُمۡۖ وَهُوَ أَرۡحَمُ ٱلرَّٰحِمِينَ ﴿٩٢﴾ ٱذۡهَبُواْ بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلۡقُوهُ عَلَىٰ وَجۡهِ أَبِي يَأۡتِ بَصِيرٗا وَأۡتُونِي بِأَهۡلِكُمۡ أَجۡمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ ٱلۡعِيرُ قَالَ أَبُوهُمۡ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَۖ لَوۡلَآ أَن تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُواْ تَٱللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَٰلِكَ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٩٥﴾ فَلَمَّآ أَن جَآءَ ٱلۡبَشِيرُ أَلۡقَىٰهُ عَلَىٰ

وَجْهِهِۦ فَٱرْتَدَّ بَصِيرًا ۖ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ إِنِّىٓ أَعْلَمُ مِنَ ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾

برادران به یوسف گفتند: به خدا که خدا تو را بر ما برگزید و ما مقصر و خطاکاریم «۹۱» یوسف گفت: هیچ شرمنده و متأثر نباشید که من همه شماها را عفو کردم و بی‌شک خدا هم شماها را عفو خواهد کرد که او مهربانترین مهربانانست «۹۲» اکنون پیراهن مرا نزد پدرم یعقوب برده و به روی او افکنید تا دیدگانش باز بینا شود، آنگاه او را با همه اهل بیت و خویشان به کنعان مصر آرید «۹۳» و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنند من بوی یوسف را حس می‌کنم. گفتند: قسم به خدا تو از قدیم زمان تا اکنون حواست پریشان و عقلت مشوش است. پس از آن بشارت‌دهنده مژده پیداشدن یوسف را آورد و پیرهن او را به رخسار یعقوب افکند و سرانجام دیده انتظار یعقوب را به وصل یوسف روشن شد و گفت: مگر نگفتم. من چیزی از خدا می‌دانم که شما نمی‌دانید. «۹۶»

(الأنبياء) وَذَا ٱلنُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَٰضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِى ٱلظُّلُمَٰتِ أَن لَّآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنتَ سُبْحَٰنَكَ إِنِّى كُنتُ مِنَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٨٧﴾ فَٱسْتَجَبْنَا لَهُۥ وَنَجَّيْنَٰهُ مِنَ ٱلْغَمِّ ۚ وَكَذَٰلِكَ نُۨجِى ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾

و بیاد آرید حال یونس را هنگامیکه از میان قوم خود غَضْبناك بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه نمی‌افکنیم آنگاه در آن ظلمتها فریاد کرد که الها، خدائی جز ذات تو نیست، تو از هر شریك و هر عیب و آلایش پاك و منزهی، و من از ستمکارانم «۸۷» پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم و اهل ایمان را اینگونه نجات می‌دهیم. «۸۸»

﴿الزمر﴾ قُلْ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

ای رسول (از قول خدا به مردمان بگو:) ای بندگانم، ای کسانی که در معاصی زیاده‌روی کرده‌اید، از لطف و مرحمت خدا مأیوس و ناامید نگردید. قطعاً خداوند همه گناهان را می‌آمرزد. چرا که او بسیار آمرزگار و بسی مهربان است«۵۳».

﴿القلم﴾ فَٱصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ ٱلْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَّوْلَآ أَن تَدَٰرَكَهُۥ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ لَنُبِذَ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَٱجْتَبَٰهُ رَبُّهُۥ فَجَعَلَهُۥ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٥٠﴾

پس بحکم خدا صبر کن و مانند یونس مباش که در شکم ماهی در حالیکه غم و اندوه او را فرا گرفته بود، ما را خواند «۴۸» که اگر لطف خدا او را درك نکرده بود، بصحرائی بی‌آب و گیاه افکنده

شده بود، در حالیکه نیز مذمت شده بود. «۴۹» باز خدایش برگزید و از صالحانش گرداند. «۵۰»

﴿الشرح﴾ أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ ٱلَّذِيٓ أَنقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ ٱلْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَٱنصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَٱرْغَب ﴿٨﴾

آیا ما سینه تو را نگشودیم «۱» و بار سنگین تلاش فراوان برای هدایت مردمان از دوش تو برنداشتیم «۲» همان بار سنگین که پشت تو رادرهم شکسته بود. «۳» و آوازه تو را بلند نکردیم و بالا نبردیم «۴» چرا که همراه با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است «۵» مسلماً با سختی و دشواری، آسایش و آسودگی است «۶» هرگاه از کار مهمی بپرداختی بدنبال آن، به کار مهم دیگری بپرداز و در آن بکوش «۷» و یکسره به سوی پروردگارت روی آر و تنها بدو دل و امید ببند و جز به او خود را مشغول مساز. «۸»

آیا انسان در این جهان پر از فراز و نشیب تنهاست

﴿یونس﴾ أَلَآ إِنَّ أَوْلِيَآءَ ٱللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَكَانُوا۟ يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ ۚ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَٰتِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾

آگاه باشید که دوستان خدا هیچ گونه ترس از آینده و هیچ اندوهی از گذشته نباید به دل راه بدهند. «۶۲» کسانی که ایمان آوردند و خود را از گناه دور نموده‌اند «۶۳» پیوسته برای آنها که هم در دنیا به وسیله الهامات قلبی و مکاشفات در عالم خواب و هم در آخرت به نعمتهای بهشت نائل می گردند حقیقتاً که در سخنان خدا هیچ گونه تبدیل و تغییری نیست و این یک پیروزی بزرگ است برای دوستان خدا. «۶۴»

﴿الزمر﴾ وَتَرَى ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ ٱلْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ۖ وَقُضِىَ بَيْنَهُم بِٱلْحَقِّ وَقِيلَ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾

ای رسول در روز حساب فرشتگان رحمت می‌بینی که گرداگرد عرش با عظمت الهی درآمده و به تسبیح و ستایش از خدا مشغولند و هنگامیکه بین اهل بهشت و دوزخ قضاوت می‌شود، می گویند: سپاس و ستایش تنها مخصوص خدای جهانیانیست. «۷۵»

﴿غافر﴾ ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ ۝٧ رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٨ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ۝٩

فرشتگانیکه عرش الهی را بردوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند، به ستایش حق مشغولند، به خدا ایمان دارند و برای اهل ایمان نیز آمرزش می‌طلبند و می گویند: ای پروردگار ما مهربانی و علم تو همه چیز را فرا گرفته است پس بیامرز آنانی را که توبه کرده‌اند و از راه تو تبعیت کرده‌اند و آنها را از عذاب جهنم دور نگهدار. «۷» پروردگارا، تو آنها را در بهشت عدنی که وعده فرمودی با پدران و مادران صالح و همجفت و فرزندانشان واصل گردان که همانا توئی خدای باحکمت و اقتدار. «۸» و مؤمنان را از ارتکاب اعمال زشت نگهدار که هرکه تو از زشتکاری محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده‌ای و آن بحقیقت رستگاری بزرگ خواهد بود. «۹»

﴿الحج﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يُدَٰفِعُ عَنِ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٖ كَفُورٍ ۝٣٨

خداوند دفاع می‌کند از مؤمنان و بسبب ایمانشان پیروزشان می‌گرداند و هیچگاه خیانت پیشگان کافر را دوست نمی‌دارد «۳۸».

(فصلت) إِنَّ ٱلَّذِينَ قَالُواْ رَبُّنَا ٱللَّهُ ثُمَّ ٱسْتَقَٰمُواْ تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَلَّا تَخَافُواْ وَلَا تَحْزَنُواْ وَأَبْشِرُواْ بِٱلْجَنَّةِ ٱلَّتِى كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا وَفِى ٱلْءَاخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِىٓ أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾

بدرستی آنانیکه گفتند پروردگار ما خداست و براین ایمان پایدارند فرشتگان رحمت برآنها فرود می‌آیند و مژده می‌دهند که دیگر شماها هیچ ترسی از آینده و هیچ اندوهی از گذشته نداشته باشید و شما را بهمان بهشتی که به انبیا وعده داده شده است بشارت باد. «۳۰» و ما در دنیا و آخرت دوستداران شمائیم و برای شماست در آن بهشت آنچه را که دلتان بخواهد و برای شماست در آن بهشت آنچه را طلب کنید. «۳۱» این سفره احسان را خدای غفور و مهربان به پاداش ثبات ایمان برای شما گسترده است. «۳۲»

(الشوری) تَكَادُ ٱلسَّمَٰوَٰتُ يَتَفَطَّرْنَ مِن فَوْقِهِنَّ ۚ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِى ٱلْأَرْضِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾

نزدیک است که آسمانها از فراز شکافته شود و فرشتگان به ستایش خدای خود تسبیح گویند و برای اهل زمین از خدا مغفرت و

آمرزش می‌طلبند و ندا کنند که الا ای بندگان بدانید که این خداست که در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است. «۵»

(الأحزاب) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ﴿٤٣﴾

ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید ذکر حق و یاد خدا را به دل و زبان بسیار کنید. «۴۱» و دائم صبح و شام به تسبیح و تنزیه ذات پاکش بپردازید. «۴۲» خداست که با فرشتگانش برای شما رحمت می‌فرستد تا شما را از ظلمتها بیرون آرد و به عالم نور رساند و او براهل ایمان بسیار رئوف و مهربانست. «۴۳»

(التّوبه) لَقَدۡ جَآءَكُمۡ رَسُولٞ مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ عَزِيزٌ عَلَيۡهِ مَا عَنِتُّمۡ حَرِيصٌ عَلَيۡكُم بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَءُوفٞ رَّحِيمٞ ﴿١٢٨﴾ فَإِن تَوَلَّوۡاْ فَقُلۡ حَسۡبِيَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ عَلَيۡهِ تَوَكَّلۡتُۖ وَهُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ ﴿١٢٩﴾

همانا رسولی از میان شما برای هدایت خلق آمده است که از فرط محبت، فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما براو سخت می‌آید و برآسایش و نجات شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربانست. «۱۲۸» پس ای رسول اگر مردم از تو روگردانیدن بگو خدا مرا کفایت است که جز او خدائی نیست، من براو توکل کرده‌ام که خدای جهان و رب عرش بزرگ اوست. «۱۲۹»

﴿الرّعد﴾ لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٞ مِّنۢ بَيۡنِ يَدَيۡهِ وَمِنۡ خَلۡفِهِۦ يَحۡفَظُونَهُۥ مِنۡ أَمۡرِ ٱللَّهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوۡمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنفُسِهِمۡۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ بِقَوۡمٖ سُوٓءٗا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥۚ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ﴿١١﴾

برای هر کسی پاسبانهائی از پیش رو و پشت سر گماشته شده‌اند تا بامر خدا او را نگهبانی کنند و خدا با آنهمه مهربانی به خلق حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانیکه خود آن قوم حالشان را تغیر دهند و هرگاه خدا اراده کند که قومی را به بدی اعمالشان عقاب کند آن قوم هیچ راه دفاعی نداشته و هیچ کس جز خدا یاری نیست که آن بلا را دفع کند. «۱۱»

﴿الحجر﴾ وَنَزَعۡنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنۡ غِلٍّ إِخۡوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمۡ فِيهَا نَصَبٞ وَمَا هُم مِّنۡهَا بِمُخۡرَجِينَ ﴿٤٨﴾

وبرکندیم آنچه از کین و حسد بود در دل آنها تا همه برادروار دوستدار یکدیگر باشند و روبروی هم برتخت عزت بنشینند. «۴۷» و هیچ رنج و زحمتی در آنجا به آنها نمی‌رسد و هرگز از آن بهشت بیرونشان نکنند. «۴۸»

﴿التوبه﴾ خُذۡ مِنۡ أَمۡوَٰلِهِمۡ صَدَقَةٗ تُطَهِّرُهُمۡ وَتُزَكِّيهِم بِهَا وَصَلِّ عَلَيۡهِمۡۖ إِنَّ صَلَوٰتَكَ سَكَنٞ لَّهُمۡۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾

(ای پیغمبرا) از اموال آنان (که به گناه خود اعتراف دارند و در صدد کاهش بدیها و افزایش نیکیهای خویش می‌باشند) زکات بگیر

تـا بـدین وسـیله ایـشان را (از رذائـل اخلاقـی و گناهـان، و تنگچـشمی) پـاک داری، و (در دل آنـان نیـروی خیـرات و حـسنات را رشـد دهـی و درجـات) ایـشان را بـالا بـری، و بـرای آنـان دعـا و طلـب آمـرزش کنـی کـه قطعاً دعـا و طلـب آمـرزش تـو مایـه آرامـش (دل و جـان) ایـشان مـی‌شـود (و سـبب اطمینـان و اعتقـاد بیـشترشان مـی گـردد) و خداونـد شنوای (دعای مخلصان و) آگاه (از نیات همگان)است. «۱۰۳»

﴿النحل﴾ وَٱصۡبِرۡ وَمَا صَبۡرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِۚ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُ فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَواْ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحۡسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

(ای پیغمبـرا تـو نیـز در برابـر مـصائب و صـحنه‌هـای جانـسوزی کـه در راه تبلیـغ رسـالت آسـمانی خـواهی دیـد) شـکیبائی کـن و شـکیبائی (هـر کـس دیگـری) جـز در پرتـو (لطـف رحمـان و بـه یـاری) و توفیـق یـزدان میـسر نیـست. (اگـر کـافران ایمـان نیاوردنـد.) بـر آنـان انـدوهگین مـشو و در برابـر مکـر و نیرنگـی کـه مـی‌ورزنـد (و توطئـه‌هـائی کـه بـه راه مـی‌اندازنـد) ناراحـت و نگـران مبـاش (و خویـشتنرا در پنـاه خـدادار «۱۲۷» بیگمـان خـدا بـا کـسانی اسـت کـه نیکوکـار باشـند و (بـا انجـام اوامر الهی خویشتن را به لطف ایزد نزدیک سازند. «۱۲۸»

﴿محمد﴾ فَٱعۡلَمۡ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مُتَقَلَّبَكُمۡ وَمَثۡوَىٰكُمۡ ﴿١٩﴾

بـدان کـه قطعاً هـیچ معبـودی جـز اللّـه وجـود نـدارد. بـرای گناهـان خــود و مــردان و زنــان مــؤمن آمــرزش بخــواه. خــدا از حرکــات و ســکناتتان کــاملاً آگــاه اســت (و مــی‌دانــد بــه کجــا مــی‌رویــد و در کجــا زندگی می‌کنید و چه می‌کنید و چه نمی‌کنید. «۱۹»

﴿طه﴾ قَالَا رَبَّنَآ إِنَّنَا نَخَافُ أَن يَفْرُطَ عَلَيْنَآ أَوْ أَن يَطْغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَآ إِنَّنِي مَعَكُمَآ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ﴿٤٦﴾

گفتنـد: پروردگـارا! مـا از ایـن میترسـیم، او پـیش دسـتی کنـد و قبـل از دریافـت پیـام مـا، مـا را بـه قتـل برسـاند«۴۵» فرمـود: نترسـید مـن بـا شـما هستم می‌شنوم و می‌بینم«۴۶».

نسخه‌ای قرآنی جهت آرام نمودن درد بیماران

﴿القدر﴾ إِنَّآ أَنزَلۡنَٰهُ فِي لَيۡلَةِ ٱلۡقَدۡرِ ١ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ ٢ لَيۡلَةُ ٱلۡقَدۡرِ خَيۡرٞ مِّنۡ أَلۡفِ شَهۡرٖ ٣ تَنَزَّلُ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ وَٱلرُّوحُ فِيهَا بِإِذۡنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمۡرٖ ٤ سَلَٰمٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطۡلَعِ ٱلۡفَجۡرِ ٥

ما این قرآن را در شب قدر نازل کردیم «۱» و چه تو را به شب قدر آگاه تواند کرد «۲» شب قدر آن شبی است که از هزار ماه بهتر است «۳» در این شب فرشتگان و روح با همراه داشتن فرامین نجات بخش از جانب خدا برای مؤمنان به سرزمین فرود می‌آیند «۴» تا در این شب فرخنده همه به سلامتی به دعای خیر برای یکدیگر بپردازند. «۵»

﴿فصلت﴾ وَلَوۡ جَعَلۡنَٰهُ قُرۡءَانًا أَعۡجَمِيّٗا لَّقَالُواْ لَوۡلَا فُصِّلَتۡ ءَايَٰتُهُۥٓۖ ءَا۬عۡجَمِيّٞ وَعَرَبِيّٞۗ قُلۡ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ هُدٗى وَشِفَآءٞۚ وَٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ فِيٓ ءَاذَانِهِمۡ وَقۡرٞ وَهُوَ عَلَيۡهِمۡ عَمًىۚ أُوْلَٰٓئِكَ يُنَادَوۡنَ مِن مَّكَانِۭ بَعِيدٖ ٤٤

و اگر ما این قرآن را بزبان عجم می‌فرستادیم کافران می گفتند: آیات این کتاب مفصل و روشن نیست آیا رواست کتاب عجمی بر رسول ما که عربیست نازل شود؟ به آنها بگو این کتاب برای اهل ایمان هدایت کنند. و شفابخش است اما آنانکه ایمان نمی‌آورند، در

گوشهایشان سنگین است و نیز آن برای آنها مایه کوریست پس از آن آنها را از دور صدا زده می‌شوند. «۴۴»

(الصافات) وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى ٱلْفُلْكِ ٱلْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَٱلْتَقَمَهُ ٱلْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِى بَطْنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنَبَذْنَٰهُ بِٱلْعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنۢبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّن يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾

و یونس نیز یکی از رسولان ما بود «۱۳۹» که چون بکشتی پرجمعیتی گریخت «۱۴۰» آنها قرعه زدند که بنام یونس درآمد پس او از غرق شدگان گردید. «۱۴۱» در حالی که او ملامت کننده مردم بود ماهی دریا، او را بکام خود فرو برد «۱۴۲» و اگر او بستایش و تسبیح پروردگار خود نمی‌پرداخت «۱۴۳» تا روز قیامت در شکم ماهی مانده بود. «۱۴۴» باز یونس را در حالیکه بیمار بود، به صحرائی خشک و بی‌علف و گیاه افکندیم. «۱۴۵» و در آن صحراء بر او درخت کدو رویاندیم. «۱۴۶»

(یونس) يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ قَدْ جَآءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَآءٌ لِّمَا فِى ٱلصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مردمان، از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی جهت رهنمود زندگی آمد و درمانی برای درد سینهاست که قرآن نام دارد و هدایت و رحمت برای مؤمنان است«۵۷».

﴿یس﴾ إِنَّ أَصْحَٰبَ ٱلْجَنَّةِ ٱلْيَوْمَ فِى شُغُلٍ فَٰكِهُونَ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَٰجُهُمْ فِى ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَٰكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ﴿٥٧﴾ سَلَٰمٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿٥٨﴾

اهل بهشت در آن روز خوش بوجد و نشاط مشغولند «۵۵» آنان با همسرانشان زیر سایه درختان بهشت بر تختهائی تکیه کردند «۵۶» و برای آنها میوه‌های گوناگون و هرچه بخواهند آماده است «۵۷» و نیز فرشتگان رحمت برای آنها از خدای مهربان سلام و تحیت می‌رسانند. «۵۸»

﴿طه﴾ قَالَ رَبِّ ٱشْرَحْ لِى صَدْرِى ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِىٓ أَمْرِى ﴿٢٦﴾ وَٱحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِى ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا۟ قَوْلِى ﴿٢٨﴾

موسی بخدا عرضه داشت: پروردگارا پس شرح صدرم عطا فرما «۲۵» و کار مرا آسان گردان «۲۶» و عقده را از زبانم بگشا «۲۷» تا مردم سخنم را خوش فهم کرده «۲۸»

﴿مریم﴾ فَحَمَلَتْهُ فَٱنتَبَذَتْ بِهِۦ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَآءَهَا ٱلْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ قَالَتْ يَٰلَيْتَنِى مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنتُ نَسْيًا مَّنسِيًّا ﴿٢٣﴾ فَنَادَىٰهَا مِن تَحْتِهَآ أَلَّا تَحْزَنِى قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾ وَهُزِّىٓ إِلَيْكِ بِجِذْعِ ٱلنَّخْلَةِ تُسَٰقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾ فَكُلِى وَٱشْرَبِى وَقَرِّى عَيْنًا ۖ فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ ٱلْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِىٓ إِنِّى نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ ٱلْيَوْمَ إِنسِيًّا ﴿٢٦﴾

پس مریم به آن پسر باردار شد و بجائی دور از چشم مردم خلوت گزید «۲۲» آنگاه که او را درد زائیدن فرارسید زیر شاخ درخت خرمائی رفت و از شدت ناراحتی می گفت: ایکاش من پیش از این مرده بودم و از صحنه عالم بکلی نامم فراموش شده بود. «۲۳» از زیر آن درخت صدا کننده‌ای او را صدا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر درخت چشمه آبی جاری کرده. «۲۴» ای مریم شاخ درخت را حرکت ده تا از آن برای شما رطب تازه فرو ریزد. «۲۵» پس از این رطب تناول کن و از این چشمه آب بیاشام و چشم خود به دیدن عیسی روشن دار و چشمت به هرکس افتاد باو بگو: که من برای خدا نذر روزه سکوت کرده‌ام که امروز هرگز با هیچ کس سخن نخواهم گفت. «۲۶»

(النحل) وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى ٱلنَّحْلِ أَنِ ٱتَّخِذِي مِنَ ٱلْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ ٱلشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ ٱلثَّمَرَٰتِ فَٱسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنۢ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَٰنُهُۥ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾

و خدا به زنبور عسل وحی کرد که از کوهها و درختان و سقفهای بلند خانها منزل گزید «۶۸» و سپس از میوه‌های شیرین تغذیه کنید و راه پروردگارتان را به طاعت بپیمودید آنگاه از درون آنها شربت شیرینی به رنگهای مختلف بیرون آید که در آن شفاء

مردمانست، در این کار نیز آیت قدرت خداوند برای متفکران پیداست.«۶۹»

﴿البقره﴾ شَهْرُ رَمَضَانَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ فِيهِ ٱلْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَٰتٍ مِّنَ ٱلْهُدَىٰ وَٱلْفُرْقَانِ ۚ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا۟ ٱلْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا۟ ٱللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَىٰكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ 

ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن نازل شده است، در آن قرآن ادله و براهین بسیاری را برای هدایت و راهنمائی مردم بیان شده است پس هر که دریابد ماه رمضان را روزه بدارد و هر کس بیمار یا در سفر باشد به شماره آنچه روزه خورده است از ماههای دیگر روزه دارد که خداوند برای شما حکم را آسان نموده و تکلیف را بر شما مشکل نگرفته تا اینکه عدد روزه را تکمیل کنید و خدا را به عظمت یاد کنید که شما را به دین اسلام هدایت فرمود، باشد که از این نعمت بزرگ سپاس گزار گردید. «۱۸۵»

﴿المزمل﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِن ثُلُثَيِ ٱلَّيْلِ وَنِصْفَهُۥ وَثُلُثَهُۥ وَطَآئِفَةٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ مَعَكَ ۚ وَٱللَّهُ يُقَدِّرُ ٱلَّيْلَ وَٱلنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۖ فَٱقْرَءُوا۟ مَا تَيَسَّرَ مِنَ ٱلْقُرْءَانِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ ۙ وَءَاخَرُونَ

يَضْرِبُونَ فِي ٱلْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ ٱللَّهِ ۙ وَءَاخَرُونَ يُقَٰتِلُونَ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ ۖ فَٱقْرَءُوا۟ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ ۚ وَأَقِيمُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا۟ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَقْرِضُوا۟ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا۟ لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَٱسْتَغْفِرُوا۟ ٱللَّهَ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو هستند نزدیک به دو سوم شب، یا نصف، و یک سوم آن را نمی‌خوابید و به عبادت می‌پردازید، و خدا است که اوقات شب و روز را می‌داند و دقیقاً تعیین می‌کند، لذا برای شما تخفیف قائل شد و بر شما بخشید. پس آن مقدار از قرآن رادر نماز بخوانید که برایتان میسر است. خدا می‌داند که کسانی از شما بیمار می‌شوند و گروهی دیگر برای جستجوی روزی و بدست آوردن نعمت خدا در زمین مسافرت می‌کنند و دسته دیگر در راه خدا می‌جنگند. لذا آن مقدار که برایتان ممکن است در نماز شبانه قرآن بخوانید. نماز بگذارید و زکات مالبدر کنید و قرض‌الحسنه به خدا دهید. هر خوبی و خیری را که برای خود پیشاپیش می‌فرستید، نزد خداوند بهتر و به پاداش بیشتری خواهید یافت. از خدا آمرزش بخواهید، چرا که خدا آمرزگار و مهربان است. «۲۰»

﴿فاطر﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿۳۴﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِن فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿۳۵﴾

اهل ایمان در بهشت جاوید به سپاس آن نعمتهای بی‌حساب زبان به ستایش خدا گشوده و می‌گویند حمد و ثنا برای خدا که حزن و اندوه از ما ببرده بدرستی خدای ما بسیار بخشنده و پاداش دهنده سپاس است«۳۴» آن خدائی را که از لطف و کرم خویش ما را به منزل دائمی بهشت وارد کرد که در اینجا هیچ درد و رنجی به ما نمی‌رسد و ابداً ضعف و خستگی نخواهیم یافت«۳۵».

﴿الشعراء﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿۷۸﴾ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿۷۹﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿۸۰﴾

همان خدائی که ما را بیافرید هدایت می‌فرماید«۷۸» و همان خدائی که مرا طعام می‌دهد و سیراب می‌کند«۷۹» و همان خدائی که چون بیمار شویم ما را شفا می‌دهد«۸۰».

ارزش رعایت حجاب و اخلاق نیکو در جامعه

﴿النور﴾ قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾ وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِن زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

ای رسول ما به مردان مؤمن بگو: از نگاه ناروا چشم‌پوشی کنند و ناموس خود را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی شما اصلح است و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاهست «۳۰» و همچنین به زنان مؤمنات بگو: تا چشمها را از نگاه ناروا بپوشند و شرف و ناموس خود را از عمل زشت محفوظ بدارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند و بطوری حجاب خود را رعایت کنند که زینت و جمال خود بجز برای همسران و کسانیکه محرم هستند مانند پدر و برادر و غیره، آشکار نسازند، و

هنگـام راه رفـتن آنطـور پـای بـزمین نزننـد کـه النگـو و زیـور پنهـان پاهایـشان معلـوم گـردد و ای اهـل ایمـان همـه بـدرگاه خـدا توبـه کنیـد باشد که رستگار شوید «۳۱».

﴿الأحزاب﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٢٩﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿٣٠﴾ ۞ وَمَن يَقۡنُتۡ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعۡمَلۡ صَٰلِحٗا نُّؤۡتِهَآ أَجۡرَهَا مَرَّتَيۡنِ وَأَعۡتَدۡنَا لَهَا رِزۡقٗا كَرِيمٗا ﴿٣١﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسۡتُنَّ كَأَحَدٖ مِّنَ ٱلنِّسَآءِۚ إِنِ ٱتَّقَيۡتُنَّ فَلَا تَخۡضَعۡنَ بِٱلۡقَوۡلِ فَيَطۡمَعَ ٱلَّذِي فِي قَلۡبِهِۦ مَرَضٞ وَقُلۡنَ قَوۡلٗا مَّعۡرُوفٗا ﴿٣٢﴾ وَقَرۡنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجۡنَ تَبَرُّجَ ٱلۡجَٰهِلِيَّةِ ٱلۡأُولَىٰۖ وَأَقِمۡنَ ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓۚ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذۡهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجۡسَ أَهۡلَ ٱلۡبَيۡتِ وَيُطَهِّرَكُمۡ تَطۡهِيرٗا ﴿٣٣﴾ وَٱذۡكُرۡنَ مَا يُتۡلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلۡحِكۡمَةِۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾

مفسرین دربـاره معنـی و مفهـوم ایـن آیـات مـی گوینـد: پـس از آنکـه خداونـد قـادر، پیـروزی را نـصیب رسـول اکـرم نمـود و نقـشه شـوم احـزاب را نـسبت بـاو بـی‌اثـر سـاخت، مـسلمانان بـه رهبـری پیغمبـر اکـرم

قریظه و نضیر را از دست قوم یهود بیرون ساختند و این امر باعث شد که مسلمانان چیزهای نفیس و گران مایه‌ای بعنوان غنیمت بدست بیاورند، و چون زنان پیغمبر اکرم پنداشته بودند که آن چیزها مخصوص رسول اکرم و خاندان اوست گرداگرد پیغمبر نشستند و عرض کردند: ای رسول خدا همانطور که می‌دانی زنان و دختران کسری و قیصر خود را به لباسهای زیبا و گران مایه و زینت‌آلات گوناگون پوشانیده‌اند و برعکس ما که در نهایت فقر و مضیقه زندگی می‌کنیم آنها با در اختیار داشتن همه امکانات در نهایت عیش و نوش و خوشی زندگی می‌کنند.

چون این سخنان بوی تجملگرائی و اشرافیت به مشام رسول خدا رساند دل مبارك ایشان را آزرده خاطر ساخت بنابراین از طرف خدای مهربان این آیات براو نازل گردید که می‌فرماید: ای پیغمبر به زنان خود بگو که اگر شما زندگانی و زینت و زیور دنیا طالبید بیائید تا تمام حقوق شما را پرداخت کنم و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم «۲۸» و اگر طالب خدا و رسول خدا و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا به نیکوکاران از شما زنان در قیامت اجر عظیم عطا خواهد کرد «۲۹» ای زنان پیغمبر هرکه از شما دانسته بکار ناروائی اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این برخدا کار سهل و آسانیست «۳۰» و هرکه از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود برای او روزی بسیار نیکو در بهشت برین مهیا سازیم

«۳۱» ای زنان پیغمبر شما مانند زنهای دیگر نیستید بلکه مقامتان رفیع تر است اگر پرهیزکار باشید پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوید مبادا آنکه دلش در پی هوا و هوس است بطمع افتد بلکه متین و درست سخن گوئید«۳۲» و در خانه‌هاتان بنشینید و آرام گیرید و بی‌همراه در وقت لازم از منزل بیرون نروید و مانند دوره جاهلیت پیشین آرایش و خودآرائی مکنید و نماز را بپادارید و زکات بفقیران بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید و خواست خدا این است که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند «۳۳» و از آن همه حکمت و آیات الهی که در خانه‌های شما تلاوت می‌شود متذکر شوید و پند گیرید و بدانید که همانا خدا با خلق لطیف و مهربان و به حال همه آگاهست. «۳۴»

﴿الأحزاب﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا ﴿٤٦﴾

ای رسول، ما تو را بر رسالت فرستادیم تا بر نیک و بد خلق گواه باشید و خوبانرا برحمت الهی مژده دهی و بدان را از عذاب خدا بترسانید «۴۵» و باذن حق، خلق را بسوی خدا دعوت کنید و چراغ فروزان عالم باشی. «۴۶»

(البروج) إِنَّ ٱلَّذِينَ فَتَنُوا۟ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا۟ فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ ٱلْحَرِيقِ ۝

آنانکه مردان و زنان با ایمان را به آتش عذاب و فتنه سوزاندند و توبه نکردند پس عذاب جهنم و سوختن در آتش سوزنده آن برای آنها است. «۱۰»

(التحریم) وَضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱمْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ٱبْنِ لِى عِندَكَ بَيْتًا فِى ٱلْجَنَّةِ وَنَجِّنِى مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِۦ وَنَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝

و باز خدا برای مؤمنان آسیه زن فرعون را الگو قرار داد، هنگامیکه آسیه از شوهرش فرعون بیزاری جست و عرض کرد بارالها من از قصر فرعون و تشریفات دنیوی او گذشتم، تو خانه‌ای برای من در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش. «۱۱»

(الأحزاب) إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝

مردان فرمانبردار فرمان خدا و زنان فرمانبردار فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان شکیبا و زنان شکیبا، مردان فروتن و زنان فروتن، مردان بخشایشگر و زنان بخشایشگر، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن، و مردانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنان آمرزش و پاداش بزرگی را فراهم ساخته است.«۳۵»

﴿الروم﴾ وَمِنْ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَٰجًا لِّتَسْكُنُوٓا۟ إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾

و یکی از آیات لطف الهی آنستکه برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در براو، آرامش یافته و باهم انس بگیرید و برای آرامش بخشیدن به کانون گرم خانواده، میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرموده که همانا در این امر نیز برای مردم باخرد ادله علم و حکمت حق آشکار است. «۲۱»

﴿النور﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ ٱلْفَٰحِشَةُ فِى ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَرْمُونَ ٱلْمُحْصَنَٰتِ ٱلْغَٰفِلَٰتِ ٱلْمُؤْمِنَٰتِ لُعِنُوا۟ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ ٱللَّهُ دِينَهُمُ ٱلْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ ٱلْخَبِيثَٰتُ لِلْخَبِيثِينَ وَٱلْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَٰتِ ۖ وَٱلطَّيِّبَٰتُ لِلطَّيِّبِينَ

وَٱلطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَٰتِ ۚ أُوْلَٰٓئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ ۖ لَهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ



بیگمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد، ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. خداوند می‌داند (عواقب شوم و آثار مرگبار اشاعه فحشا را و شما نمی‌دانید (ابعاد مختلف پخش گناهان) «۱۹» کسانی که زنان پاکدامن بیخبر (از هر گونه آلودگی) و ایماندار را به زنا متهم می‌سازند، در دنیا و آخرت از رحمت خدا دور و عذاب عظیمی دارند «۲۳» (آنان عذاب عظیمی دارند) درآن روزی که علیه آنان زبان و پای ایشان بر کارهائی که کرده‌اند گواهی می‌دهند «۲۴» در آن روز خداوند جزای واقعی آنان را بی‌کم و کاست بدیشان می‌دهد و آگاه می‌گردند که خداوند حق آشکار است (و روز قیامت در حقانیت پروردگار شک و تردیدی برای سرسخت‌ترین لجوجان هم نمی‌ماند) «۲۵» زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردانی زشت کار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین وصفند، وبالعکس زنان پاکیزه لایق مردانی پاکیزه و نیکو سرشت هستند واین پاکیزه گان از سخنان بهتانی که ناپاکان درباره آنان گویند منزه و مبرائند و از خدا برایشان آمرزش و رزق نیکو است. «۲۶»

﴿الحجرات﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِن جَآءَكُمۡ فَاسِقُۢ بِنَبَإٖ فَتَبَيَّنُوٓاْ أَن تُصِيبُواْ قَوۡمَۢا بِجَهَٰلَةٖ فَتُصۡبِحُواْ عَلَىٰ مَا فَعَلۡتُمۡ نَٰدِمِينَ ۝٦ وَٱعۡلَمُوٓاْ أَنَّ فِيكُمۡ رَسُولَ ٱللَّهِۚ لَوۡ يُطِيعُكُمۡ فِي كَثِيرٖ مِّنَ ٱلۡأَمۡرِ لَعَنِتُّمۡ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ حَبَّبَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡإِيمَٰنَ وَزَيَّنَهُۥ فِي قُلُوبِكُمۡ وَكَرَّهَ إِلَيۡكُمُ ٱلۡكُفۡرَ وَٱلۡفُسُوقَ وَٱلۡعِصۡيَانَۚ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلرَّٰشِدُونَ ۝٧

ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر شخصی فاسقی خبری را به شما رساند در باره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی بدون آگاهی از حال و احوالشان آسیب برسانید و بعداً از کرده خود پشیمان شوید«۶» و بدانید که پیغمبر خدا در میان شما است (قدر او را بدانید و بدو احترام بگذارید) هرگاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد. اما خداوند ایمان را در نظرتان گرامی داشته است و آن را در دلهایتان آراسته است، و کفر و نافرمانی و گناه را در نظرتان زشت و ناپسند جلوه داده است. تنها آنان که دارای این صفات هستند راه یابند و بس«۷».

چگونگی راندن وسوسه‌های شیطان از خود

﴿البقره﴾ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَعِدُكُمُ ٱلۡفَقۡرَ وَيَأۡمُرُكُم بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ وَٱللَّهُ يَعِدُكُم مَّغۡفِرَةٗ مِّنۡهُ وَفَضۡلٗاۗ وَٱللَّهُ وَٰسِعٌ عَلِيمٞ ﴿٢٦٨﴾

شیطان وعده فقر و فلاکت بشما می‌دهد و به کارهای زشت و ناروا شما وادار می‌کند و خداوند وعده آمرزش و احسان به شما می‌دهد حقیقتاً که خدا رحمت بی‌منتهاست و به همه امور جهان داناست. «۲۶۸»

﴿الأعراف﴾ وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ نَزۡغٞ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۚ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ إِذَا مَسَّهُمۡ طَٰٓئِفٞ مِّنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ تَذَكَّرُواْ فَإِذَا هُم مُّبۡصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

و چنانچه بر اثر وسوسه شیطان در تو وسوسه و جنبشی پدید آمد به خدا پناه آورید که به حقیقت او شنوا و داناست «۲۰۰» چون اهل تقوا را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسید آنها خدا را بیاد می‌آورند و در دم بصیرت و بینائی پیدا می‌کنند. «۲۰۱»

﴿النحل﴾ فَإِذَا قَرَأۡتَ ٱلۡقُرۡءَانَ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِ مِنَ ٱلشَّيۡطَٰنِ ٱلرَّجِيمِ ﴿٩٨﴾ إِنَّهُۥ لَيۡسَ لَهُۥ سُلۡطَٰنٌ عَلَى ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلۡطَٰنُهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ يَتَوَلَّوۡنَهُۥ وَٱلَّذِينَ هُم بِهِۦ مُشۡرِكُونَ ﴿١٠٠﴾

ای رسول ما اگر خواستید قرآن را تلاوت کنید اول از شر وسوسه شیطان به خدا پناه آورید «۹۸» که البته شیطان را هرگز بر کسی که بخدا ایمان آورده و براو توکل و اعتماد کرده تسلطی نخواهد بود «۹۹» تنها تسلط شیطان برآن نفوسی است که او را دوست گرفته‌اند و از راه او به خدا شرک آورده‌اند. «۱۰۰»

﴿الأسراء﴾ وَقُل لِّعِبَادِى يَقُولُوا ٱلَّتِى هِىَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ ٱلشَّيْطَـٰنَ كَانَ لِلْإِنسَـٰنِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

ای پیغمبر به بندگانم بگو: سخنی در گفتار و نوشتار خود بگویند که زیباترین و نیکوترین سخنها باشد چرا که شیطان به وسیله سخنهای زشت و ناشیرینی در میان ایشان فساد و تباهی به راه می‌اندازد و بیگمان اهریمن از دیرباز دشمن آشکار انسان بوده است «۵۳»

﴿الأسراء﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَـٰٓئِكَةِ ٱسْجُدُوا لِءَادَمَ فَسَجَدُوٓا إِلَّآ إِبْلِيسَ قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَءَيْتَكَ هَـٰذَا ٱلَّذِى كَرَّمْتَ عَلَىَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْقِيَـٰمَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُۥٓ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ ٱذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَآؤُكُمْ جَزَآءً مَّوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَٱسْتَفْزِزْ مَنِ ٱسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِى ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَوْلَـٰدِ

وَعِدْهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿۶۴﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۚ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿۶۵﴾

ای رسول به یادآر زمانی که ما به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید، فرشتگان جملگی سجده کردند، مگر ابلیس که از جنیان بود و در میان فرشتگان قرار داشت او که نمونه کامل استکبار بود گفت: آیا برای کسی سجده کنم که او را از گِل آفریده‌ای؟ »من که از آتشم بهتر از آدمم، پس عالی برای دانی چگونه تعظیم کند؟ «۶۱» شیطان گفت: به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته‌ای؟! (جای تعجب است) اگر مرا تا روز قیامت زنده بداری، فرزندان او را همگی جز اندکی با گمراهی نابود می‌گردانم و لگام وسوسه را به دهانشان می‌زنم و به جاده خطا و گناهشان می‌کشانم«۶۲» خدا فرمود: بروا (تا روز رستاخیز به تو مهلت داده می‌شود و هر چه می‌خواهی بکنی لیکن کسانی که از ایشان از تو پیروی کنند دوزخ سزای شما اهریمن و آنان) است و سزای فراوان و بی‌نقصان است«۶۳» و بترسان و خوار گردان با ندای (دعوت به معصیت و وسوسه) خود هر کس از ایشان را که توانستی، و لشکر سواره و پیاده خود را بر سرشان بشوران و بتازان (و همه تلاش خویش را برای شکست دادن و گول زدن ایشان بکار گیر) و در اموال آنان (با تشویق و تحریکشان برای کسب آن از حرام و صرف آن در حرام) و در اولاد ایشان (با گول زدن اولیاء و

رهنمود فرزندانشان به کفر و فساد در پرتو تربیت نادرستشان شرکت جوی و آنان را (به نبودن حساب و کتاب و بهشت و دوزخ، یا به شفاعت خدایان و بتان و بزرگواری خاندان و غیره) وعده بده (و بفریب) و وعده شیطان به مردمان جز نیرنگ نیست«۶۴» ولی ای شیطان این را بدان که سلطه‌ای بر بندگان (مخلص و مؤمن) من نخواهی داشت چون خدا حافظ و پشتیبان این چنین بندگان است...«۶۵»

﴿الحج﴾ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٖ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّآ إِذَا تَمَنَّىٰٓ أَلۡقَى ٱلشَّيۡطَٰنُ فِيٓ أُمۡنِيَّتِهِۦ فَيَنسَخُ ٱللَّهُ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ ثُمَّ يُحۡكِمُ ٱللَّهُ ءَايَٰتِهِۦۗ وَٱللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٞ ۝ لِّيَجۡعَلَ مَا يُلۡقِي ٱلشَّيۡطَٰنُ فِتۡنَةٗ لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمۡۗ وَإِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ لَفِي شِقَاقِۭ بَعِيدٖ ۝

ما پیش از تو رسولی و نبی را نفرستاده‌ایم مگر اینکه هنگامی که آن رسول یا نبی آیات و احکام خدا را برای مردم تلاوت کرده است، اهریمن با ایجاد وساوس و اباطیل در دل شنوندگان سست ایمان و با پخش یاوه سرائی توسط ذریه ودار و دسته خود در تلاوت او القاء شبهه نموده است و گاهی پیغمبران را شاعر، و زمانی ساحر، و وقتی ناقل افسانه‌ها و خرافات پیشینیان جلوه‌گر ساخته است. اما خداوند آنچه را شیطان القا نموده است، توسط تبلیغ و تبین پیغمبران و دعوت و زحمت شبانه‌روزی پیروان ایشان در همه جا و همه آن از

میان برداشته است و شبهات اهریمنان انس و جان را از صفحه دل مردمان زدوده است و سپس آیات خود را، در برابر سخنان ناروا و دلائل نابه‌جای نیرنگ بازان بی‌مایه و دسیسه سازان بی‌پایه، پایدار و استوار داشته است «۵۲» این وسوسه‌های شیطانی و ایجاد مشکلات در راه دعوت آسمانی توسط مخالفان برنامه‌های یزدانی بدان خاطر است که خداوند می‌خواهد آنها را آزمایش کسانی سازد که در دلهایشان بیماری نفاق ریشه دوانده است و آزمون کسانی کند که سنگین دل از کفر و ضلال هستند و مسلماً ستمگران منافق و کافر، با برنامه‌های الهی بویژه اسلام عداوت عمیق و مخالفت سختی داشته و دارند «۵۳».

﴿المجادله﴾ إِنَّمَا ٱلنَّجْوَىٰ مِنَ ٱلشَّيْطَٰنِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَلَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَعَلَى ٱللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ ٱلْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾

همیشه راز گفتن از شیطان است که می‌خواهد مؤمنان را غمگین سازد و حال آنکه چیزی را به آنها ضرر رساند نیست جز به امر خدا و مؤمنان باید همیشه بر خدا توکل کنند «۱۰»

﴿آل عمران﴾ إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَآءَهُۥ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾

این سخنان شیطان است که می‌ترساند بدان دوستدارانش را شما مسلمانان از آن بیم نداشته باشید و تنها از من بترسید اگر اهل ایمان هستید. «۱۷۵»

﴿المائده﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّمَا ٱلۡخَمۡرُ وَٱلۡمَيۡسِرُ وَٱلۡأَنصَابُ وَٱلۡأَزۡلَٰمُ رِجۡسٞ مِّنۡ عَمَلِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَٱجۡتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمۡ تُفۡلِحُونَ ۝٩٠ إِنَّمَا يُرِيدُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَن يُوقِعَ بَيۡنَكُمُ ٱلۡعَدَٰوَةَ وَٱلۡبَغۡضَآءَ فِي ٱلۡخَمۡرِ وَٱلۡمَيۡسِرِ وَيَصُدَّكُمۡ عَن ذِكۡرِ ٱللَّهِ وَعَنِ ٱلصَّلَوٰةِۖ فَهَلۡ أَنتُم مُّنتَهُونَ ۝٩١

ای اهل ایمان شراب خواری و قمار و بت‌پرستی و تیرهای گروبندی که در جاهلیت رسمی بود، همه اینها پلید و از عمل شیطان است، پس اگر می‌خواهید رستگار شوید از همه آنها دوری کنید «۹۰» شیطان قصد آن دارد که بوسیله شراب و قمار میان شما عداوت و کینه برانگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز بازدارد، پس آیا شما حاضرید از آن دست بردارید تا به فتنه شیطان مبتلا نشوید. «۹۱»

﴿النور﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَتَّبِعُواْ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِۚ وَمَن يَتَّبِعۡ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيۡطَٰنِ فَإِنَّهُۥ يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِۚ وَلَوۡلَا فَضۡلُ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ وَرَحۡمَتُهُۥ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنۡ أَحَدٍ أَبَدٗا وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَآءُۗ وَٱللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٞ



ای کسانیکه بخدا ایمان آورده‌اید زنهار پیروی شیطان مکنید که هرکس قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت و منکرش وا می‌دارد

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نمی‌شد، احدی از شما هرگز از گناه پاک و پاکیزه نمی‌شد لیکن خدا هر کس را می‌خواهد منزه و پاک می‌گرداند که خدا شنوا و دانا بأحوال بندگان است.

«۲۱»

﴿المؤمنون﴾ وَقُل رَّبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَٰتِ ٱلشَّيَٰطِينِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَن يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾

ای رسول ما بگو: بارالها من از وسوسه و فریب شیاطین به تو پناه می‌آورم «۹۷» و هم به تو پناه می‌برم بارخدایا از آنکه شیاطین به مجلسم حضور بهم برسانند. «۹۸»

﴿البقره﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ كُلُوا۟ مِمَّا فِى ٱلْأَرْضِ حَلَٰلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا۟ خُطُوَٰتِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۚ إِنَّهُۥ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُم بِٱلسُّوٓءِ وَٱلْفَحْشَآءِ وَأَن تَقُولُوا۟ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

ای مردم از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه تناول کنید و از وسوسه‌های شیطان پیروی نکنید بدرستیکه شیطان دشمن آشکاریست برای شما «۱۶۸» او به شما دستور بدکاری و زشتی می‌دهد و سخنانی از روی جهل به خدا نسبت می‌دهد. «۱۶۹»

﴿الحشر﴾ كَمَثَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَٰنِ ٱكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّى بَرِىٓءٌ مِّنكَ إِنِّىٓ أَخَافُ ٱللَّهَ رَبَّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١٦﴾ فَكَانَ عَٰقِبَتَهُمَآ أَنَّهُمَا فِى ٱلنَّارِ خَٰلِدَيْنِ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَٰٓؤُا۟ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿١٧﴾

(داستان منافقان با یهودیان) همچون داستان اهریمن است که به انسان می‌گوید کافر شو (تا مشکلات تو حل شود) اما هنگامی که (بر اثر وسوسه‌های اهریمنی) کافر می‌گردد، اهریمن می‌گوید: من از تو بیزار و گریزانم! چرا که من از خدا یعنی پروردگار جهانیان میترسم«۱۶» سرانجام کار (اهریمن و کسی که او گمراهش کرده است) بدانجا می‌انجامد که هر دو تا در آتش دوزخ جاودانه میمانند، و این سزای ستمگران است«۱۷».

(الأنعام) وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَٰطِينَ ٱلْإِنسِ وَٱلْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ ٱلْقَوْلِ غُرُورًا ۚ وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۖ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۱۲﴾

و همچنین ما عده‌ای از انسانها و جنیان سرکش در برابر هر پیغمبری قرار داده‌ایم. گروهی از آنها بواسطه سخنان فریبنده به گروهی دیگر بصورت نهانی پیام می‌دادند، تا ایشان را با یاوه سراهای رنگین و وسوسه‌های دروغین بفریبند، اگر خدای تو میخواست چنین کاری نمی‌کردند، ولی همه اینها در برابر تقدیر و مشیت خدا انجام گرفته و می‌گیرد. پس بگذار دروغها به هم بیافند و خویشتن را گرفتار کفر و ضلال کنند. بر تو تبلیغ است و بر ما هم حساب«۱۱۲».

روشی برای راندن ترس مرگ از خود

(آل عمران) كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ ٱلنَّارِ وَأُدْخِلَ ٱلْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَآ إِلَّا مَتَٰعُ ٱلْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾

هرنفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید پس هرکس خود را از آتش جهنم دور داشت و به بهشت ابدی درآمد، موفق گردید و به سعادت ابدی دست یافته است. «۱۸۵»

(الزمر) ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَٱلَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فَيُمْسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا ٱلْمَوْتَ وَيُرْسِلُ ٱلْأُخْرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾

خداست که بوقت خودش مرگ ارواح خلق را می گیرد و آنرا که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض می کند، سپس آنرا که حکم بمرگش کرده نگاه می‌دارد و آنرا که حکم به مرگ نکرده از نو به بدن انسان می‌فرستد تا وقت معین مرگ و در این کار نیز ادله قدرت الهی برای متفکران پدیدار است.

«۴۲»

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

ای رسول شخص تو و همه خلق به وسیله مرگ از دنیای فانی حتماً خواهید رفت. «۳۰» آنگاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش دادخواهی می‌کنند. «۳۱»

(الرحمن) كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿٢٦﴾ وَيَبْقَىٰ وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٢٧﴾

هرکه روی زمین است دستخوش مرگ و فناست«۲۶» و زنده ابدی ذات خدای منعم و باجلال و عظمت است. «۲۷»

(السّجده) قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾

بگو فرشته مرگ که مأمور قبض روح شماست جان شما را خواهد گرفت و پس از مرگ بسوی خدای خود باز می‌گردید. «۱۱»

(طه) مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَىٰ ﴿٥٥﴾

از آن خاک شما را آفریدیم و به او برمی‌گردانیم و یک بار دیگر از او بیرون می‌آوریم. «۵۵»

(القصص) وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ ۘ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۚ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

و هرگز با خدای یکتا که جز او خدائی نیست خدائی مخوان چون هرچیز غیر از او هلاک شونده است و تنها اوست شایسته فرمانروائی و سرانجام همه بسوی او باز می گردید. «۸۸»

﴿الرّوم﴾ فَسُبْحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ۝ وَلَهُ ٱلْحَمْدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ۝ يُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَيِّ وَيُحْيِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝

و سپاس اهل عالم در آسمانها و زمین مخصوص اوست و بر شماست نیز در تاریکهای شب و نیمه روز بستایش او مشغول شوید. «۱۸» آن خدائی است که زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون می‌آورد و زمین را پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده گرداند و همین گونه شما را هم از خاک بیرون آرند. «۱۹»

﴿الجمعه﴾ قُلْ إِنَّ ٱلْمَوْتَ ٱلَّذِى تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُۥ مُلَٰقِيكُمْ ۖ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَٰلِمِ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝

بگو: مرگی که از آن می گریزید حتماً شما را ملاقات خواهد کرد و پس از مرگ بسوی خدائی که دانای پیدا و پنهانست باز می گردید و او شما را به آنچه کرده‌اید آگاه می‌سازد. «۸»

﴿النساء﴾ وَمَن يُهَاجِرْ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ يَجِدْ فِى ٱلْأَرْضِ مُرَٰغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً ۚ وَمَن يَخْرُجْ مِنۢ بَيْتِهِۦ مُهَاجِرًا إِلَى ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ثُمَّ يُدْرِكْهُ ٱلْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝

کسی که در راه خدا هجرت کند سر زمینهای فراخ فراوانی می‌بیند و گشایش و آسایش خواهد یافت و هر که به خاطر خدا و رسول او از خانه خود بیرون آید و به سوی سرزمینهای اسلامی هجرت کند و سپس مرگ او را دریابد، اجر او بر خدا است، و خداوند بسی آمرزنده و مهربان است. «۱۰۰»

﴿الأنبیا﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّن قَبْلِكَ ٱلْخُلْدَ ۖ أَفَإِين مِّتَّ فَهُمُ ٱلْخَٰلِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ ٱلْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُم بِٱلشَّرِّ وَٱلْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

ما برای هیچ انسانی پیش از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم (تا برای تو جاودانگی قرار دهیم. بلکه هر کسی مرده و می‌میرد و تو هم می‌میری وانگهی آنان که انتظار مرگ تو را دارند و با مرگ تو اسلام را خاتمه یافته می‌دانند) مگر اگر تو بمیری ایشان جاویدانه می‌مانند؟! «۳۴» هر کسی مزه مرگ می‌چشد (و قطعاً می‌میرد. اعم از پیغمبر و غیر پیغمبر. چرا که زنده جاوید تنها خدا است و بس). ما شما را با سود و زیان و بدیها و خوبیها (در زندگی دنیا) کاملاً می‌آزمائیم. و سرانجام بسوی ما برگردانده می‌شوید و سزای اعمال خود را دریافت می‌دارید) «۳۵»

﴿الدُخان﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا ٱلْمَوْتَ إِلَّا ٱلْمَوْتَةَ ٱلْأُولَىٰ ۖ وَوَقَىٰهُمْ عَذَابَ ٱلْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِّن رَّبِّكَ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾

مؤمنان هرگز در جهان آخرت، مرگی جز همان مرگ نخستین (که در دنیا چشیده‌اند و بعد از آن زنده شده‌اند) نخواهند چشید، و خداوند آنان را از عذاب دوزخ بدورو محفوظ داشته است«۵۶» همه اینها فضل و بخششی از سوی پروردگار تو است و این رستگاری و خوشبختی بزرگی است (که شامل حال پرهیزگاران می‌شود)«۵۷».

ایثار و سخاوتمندی در قرآن کریم

«البقره» وَأَقِيمُوا ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتُوا ٱلزَّكَوٰةَ ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ ٱللَّهِ ۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾

و نماز را بپا دارید و زکات را بدهید و بدانید که آنچه برای خود از پیش می‌فرستید نزد خدا خواهد یافت بدرستی که خدا به آنچه شما انجام می‌دهید آگاه است. «۱۱۰»

وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا ۖ فَٱسْتَبِقُوا ٱلْخَيْرَٰتِ ۚ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ ٱللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾

هرکس برای خودش راهی دارد که بسوی حق، بدان، راه می‌یابد پس عجله کنید در کار خیرات و عبادات که هرکجا باشید، همه شما را، خداوند به عرصه محشر خواهد آورد، محققاً که خدا برهر چیز قادر و تواناست. «۱۴۸»

مَّن ذَا ٱلَّذِى يُقْرِضُ ٱللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَٰعِفَهُۥ لَهُۥٓ أَضْعَافًا كَثِيرَةً ۚ وَٱللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُۜطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾

کیست خدا را قرض الحسنه بدهد؟ که خدا برای او چندین برابر جبران کند و آن خداست که می گیرد و می‌دهد و سرانجام بسوی او همه باز می گردند. «۲۴۵»

(آل عمران) لَن تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿۹۲﴾

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید در، راه خدا انفاق کنید که همانا خدا برآنچه انفاق می کنید آگاهست. «۹۲»

(الأنعام) وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۷﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۱۸﴾

واگر از خدا به تو ضرری رسد هیچکس جز از خدا نمی‌تواند تو را از عذاب برهاند و اگر از او به تو خیری رسد هیچکس نمی‌تواند مانع آن شود، پس او برهمه چیز تواناست. «۱۷» خدا کمال اقتدار را بر بندگان خود، دارد و در حقیقت اوست درستکار و به همه امور آگاهست. «۱۸»

(النحل) مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ ۖ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾

آنچه نزد شما هست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست تا ابد باقی خواهد ماند، لیکن اجری که بصابران بدهیم اجری است بسیار بهتر از عملی که بجا آوردند. «۹۶»

(الأنسان) وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿۸﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿۹﴾

آنانیکه سهم افطاریه خود را به سبب دوستی با خدا به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند. «۸» می‌گویند: مافقط برای رضای خدا به شما غذا می‌دهیم و از شما منتظر هیچ گونه پاداش و سپاسی نیستیم.«۹»

﴿المنافقون﴾ وَأَنفِقُوا مِن مَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَن يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۱﴾

و از آنچه روزی شما کردیم در راه خدا انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بریکی از شما فرا رسد که در آنحال به حسرت بگوید: پروردگارا اجل مرا اندکی تأخیر انداز تا در راه تو صدقه و احسان بسیار کنم و از نیکوکاران شوم. «۱۰» ولی خدا هرگز اجل هیچکس را از وقتش که فرا رسیده باشد به تأخیر نخواهد انداخت و خدا بهر چه کنید آگاهست. «۱۱»

﴿البقره﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۲۵۴﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (برخی) از آنچه بهره شما (در راه خدا) صرف کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی و نه دوستی و رفاقتی و نه میانجیگری و شفاعتی است. و کافران ستمگرند (و به خود و جامعه خود ظلم می‌کنند. و نتیجه ظلم آنان در آن روز ظاهر خواهد شد) «۲۵۴»

اتحاد و یگانگی در قرآن

﴿آل عمران﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَٱعْتَصِمُوا۟ بِحَبْلِ ٱللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا۟ ۚ وَٱذْكُرُوا۟ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَآءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَتِهِۦٓ إِخْوَٰنًا وَكُنتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ ٱلنَّارِ فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمْ ءَايَٰتِهِۦ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى ٱلْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾ وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ تَفَرَّقُوا۟ وَٱخْتَلَفُوا۟ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ ۚ وَأُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُم بَعْدَ إِيمَٰنِكُمْ فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ ٱبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِى رَحْمَةِ ٱللَّهِ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِٱلْحَقِّ ۗ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَٰلَمِينَ ﴿١٠٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ﴿١٠٩﴾ كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِٱلْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ ٱلْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ ۗ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ ٱلْكِتَٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم ۚ مِّنْهُمُ ٱلْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ ٱلْفَٰسِقُونَ ﴿١١٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا، ترس بودن است و نمیرید جز به مسلمان بودن. «۱۰۲» و به

ریسمان خدا که همان دین اسلام است چنگ زنید و هرگز به راههای متفرق نروید و به یادآرید این نعمت بزرگ خدارا، که شما باهم دشمن بودید ولی خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت تا به لطف خداوند همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در صورتیکه شما در پرتگاه آتش بودید خدا شما را نجات داد و آنچنین خداوند آیات خود را بیان می کند که باشد به مقام سعادت و هدایت و اصل گردید. «۱۰۳» و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی کنند، و بحقیقت آنها موفق خواهند بود. «۱۰۴» و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که راه تفرقه پیمودند، پس از آنکه آیات و ادله برای هدایت آنها آمد و بی‌شک آنها گرفتار عذاب سخت خواهند بود. «۱۰۵» روزیکه گروهی روسفید خواهند شد و گروهی روسیاه و مأمورین از روی نکوهش به روسیاهان می گویند که چرا کافر شدید بعد از ایمان پس اکنون بچشید عذاب خدا را، به کیفر کفر و عصیان شما. «۱۰۶» اما سفیدرویان در بهشت که محل رحمت خداست درآیند و در آن منعم باشند. «۱۰۷» اینها آیات الهی است که برای تو می‌خوانیم، و ظلم و ستم هرگیز خواست خدا نیست. «۱۰۸» شما نیکوترین امتی هستی که خدا شما را در میان امتهای دیگر انتخاب کرد تا امر به معروف و نهی از منکر کنید و کاملاً بخدا ایمان

آورید، اگر اهل کتاب نیز ایمان می‌آوردند در عالم چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنها با ایمان و بیشتر فاسق و بدکارند «۱۱۰».

﴿البقره﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

ای اهل ایمان همه متفقاً در صلح و صفا باشید و به امر خدا در مقام تسلیم درآئید و از وسوسه‌های تفرقه‌آور شیطان پیروی مکنید که او همانا دشمن آشکار است. «۲۰۸» پس اگر پس از آنکه ادله روشن از جانب خدا برای راهنمائی شما آمد، باز به راه خطا رفتید در آن صورت این بدانید که خدا برای انتقام از خطاکاران توانا و به همه امور عالم داناست. «۲۰۹»

﴿الأنفال﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ ۚ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ ۚ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾

و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند، البته مطمئن باش که خدا ترا کفایت خواهد کرد اوست که بنصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید. «۶۲» و الفت داد دلهای مؤمنان را دلهائیکه اگر تو باتمام ثروت روی زمین می‌خواستی الفت دهی،

نتوانستی، لیکن خدا پیوند داد دلهای مؤمنین را به یکدیگر و اوست توانا و آگاه به رازهای امور. «۶۳»

﴿الحجرات﴾ إِنَّمَا ٱلْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا۟ بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾

به حقیقت که همه مؤمنان برادر یکدیگرند، پس همیشه بین برادران خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکارباشید باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید. «۱۰»

﴿الحجرات﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَٰكُم مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَٰكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا۟ ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِندَ ٱللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

ای مردم ما همه شما را از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبهای بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید پس بزرگوارترین شما نزد خدا، باتقوی‌ترین شماست و خدا از حال شما کاملاً آگاهست. «۱۳»

﴿الحشر﴾ وَٱلَّذِينَ جَآءُو مِنۢ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَٰنِنَا ٱلَّذِينَ سَبَقُونَا بِٱلْإِيمَٰنِ وَلَا تَجْعَلْ فِى قُلُوبِنَا غِلًّا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ رَبَّنَآ إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

و آنانیکه پس از مهاجرین آمدند می گویند پروردگارا ما و برادران ما را که در ایمان برما پیشی گرفتند ببخش و در دل ما هیچ

کینه و حسد نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا توئی که در حق بندگان بسیار رئوف و مهربانی. «۱۰»

﴿الفتح﴾ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرۡسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلۡهُدَىٰ وَدِينِ ٱلۡحَقِّ لِيُظۡهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ شَهِيدٗا ﴿٢٨﴾ مُّحَمَّدٞ رَّسُولُ ٱللَّهِۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلۡكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيۡنَهُمۡۖ تَرَىٰهُمۡ رُكَّعٗا سُجَّدٗا يَبۡتَغُونَ فَضۡلٗا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضۡوَٰنٗاۖ سِيمَاهُمۡ فِي وُجُوهِهِم مِّنۡ أَثَرِ ٱلسُّجُودِۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمۡ فِي ٱلتَّوۡرَىٰةِۚ وَمَثَلُهُمۡ فِي ٱلۡإِنجِيلِ كَزَرۡعٍ أَخۡرَجَ شَطۡـَٔهُۥ فَـَٔازَرَهُۥ فَٱسۡتَغۡلَظَ فَٱسۡتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِۦ يُعۡجِبُ ٱلزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ ٱلۡكُفَّارَۗ وَعَدَ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِنۡهُم مَّغۡفِرَةٗ وَأَجۡرًا عَظِيمَۢا ﴿٢٩﴾

آن خداست که رسولش (محمد) را با قرآن و هدایت و دین حق به عالم فرستاد تا آن دینرا برهمه ادیان دنیا غالب گرداند و بر حقیقت این سخن گواهی خدا کافیست. «۲۸» محمد فرستاده خداست و یاران و همراهانش، بر کافران بسیار تند و سخت گیر هستند و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند، آنان را در حال رکوع و سجود بنگری که فضل و خشنودی خدا را می‌طلبند و علامتهاشان براثر سجود بسیار در چهره‌هاشان معلوم است این وصف حال آنها در تورات است و هم‌چنین در انجیل همانند دانه‌ای هستند که جوانه‌اش را بیرون آورده که او را کمک کند تا محکم شود و بر روی ساقش به ایستد که کشاورزان را به تعجب آورد و کفار را به

حسادت و کین و بغظ و خشم بدرستی که خدا به مؤمنین و نیکوکاران آمرزش و پاداش بزرگی را وعده داده است. «۲۹»

(طه) وَٱجۡعَل لِّي وَزِيرٗا مِّنۡ أَهۡلِي ﴿٢٩﴾ هَٰرُونَ أَخِي ﴿٣٠﴾ ٱشۡدُدۡ بِهِۦٓ أَزۡرِي ﴿٣١﴾ وَأَشۡرِكۡهُ فِيٓ أَمۡرِي ﴿٣٢﴾ كَيۡ نُسَبِّحَكَ كَثِيرٗا ﴿٣٣﴾ وَنَذۡكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾

و یاوری از خاندانم برای من قرار بده«۲۹» برادرم هارون را«۳۰» و به وسیله او پشت مرا استوار دار«۳۱» و او را در کار رسالت و تبلیغ من شریک گردان«۳۲» تا تو را بسیار تسبیح گفته و تقدیس کنیم«۳۳» و بسیار ذکر تو گوئیم و بر یاد تو باشیم«۳۴».

ارزش وفا نمودن به عهد و پیمان به روایت قرآن

﴿البقره﴾ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و سپس شکر نعمت من بجای آرید و کفران نعمت مکنید.«۱۰۲»

﴿المؤمنون﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾

و کسانیکه در امانتداری خویش امین و در عهد خود بر سر پیمانند «۸» و کسانیکه مواظب نمازهای خود می‌باشند و پیوسته آنها را در وقت خود ادا و ارکان و احوال و خشوع و خضوع لازم را مراعات می‌نمایند «۹» آنان مستحقان سعادت و فرا چنگ آورندگان بهشت هستند «۱۰» آنان بهشت برینی را تملک می‌کنند و جاودانه در آن خواهند ماند «۱۱».

﴿البقره﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

و اگر بندگان درباره من از تو سؤال کردن، آن بندگان بدانند که من به آنها نزدیک خواهم بود و هرکه مرا خواند دعای او اجابت

کنم، پس باید آنها نیز دعوت مرا بپذیرند و به من بگروند باشد به سعادت راه یابند. «۱۸۶»

(الأنعام) فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾

پس چون فراموش کردند آنچه را که به او تذکر داده شدند ماهم ابواب همه نعمتها را به روی آنها گشودیم، تا به آنچه که به آنها داده شد خوشحال شدند ناگهان آنها را گرفتیم آنگاه خوار گردیدند. «۴۴» پس از ریشه کنده شد، ستم گری، گروه ظالمان و سپاس و ستایش برای خدا که پروردگار جهانیانست. «۴۵»

(الأعراف) وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ۖ قَالُوا بَلَىٰ ۛ شَهِدْنَا ۛ أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ ۖ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾

و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را برخود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی ما به خدایی تو گواهی می‌دهیم، و این هم بخاطر این بود که روز قیامت نگوئید ما از این واقعه غافل بودیم.

«۱۷۲» یـا آنکـه نگوئیـد کـه چـون پـدران مـا از اهـل شـرک بودنـد و چونکـه ماهم فرزنـدان بعـد از آنهـا بـودیم، پـس مـا پیـروی از پـدران خـود کـردیم آیـا بـه عمـل زشـت اهـل باطـل مـا را بـه هلاکـت خـواهی رسـانید. «۱۷۳» و ایـن چنیـن آیـات خـود را تفـصیل مـی‌دهـیم کـه باشـد بازگردنـد. «۱۷۴»

﴿الأحزاب﴾ مِّنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا۟ مَا عَـٰهَدُوا۟ ٱللَّهَ عَلَيْهِ ۖ فَمِنْهُم مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُۥ وَمِنْهُم مَّن يَنتَظِرُ ۖ وَمَا بَدَّلُوا۟ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِّيَجْزِىَ ٱللَّهُ ٱلصَّـٰدِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ ٱلْمُنَـٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾

برخـی از آن مؤمنـان، بـزرگ مردانـی هـستند کـه بـه عهـد و پیمـانی که بـا خـدا بـستند کـاملاً وفـا کردنـد، برخـی از آنهـا وفـات یافتنـد و برخـی دیگـر در انتظارنـد و در ایـن راسـتا هـیچ سـستی و لرزشـی بخـود راه ندادنـد. «۲۳» تـا آنکـه خـدا آن مـردان راسـتگوی بـه خـاطر صداقتـشان پـاداش نیکـو بدهـد و منافقـان را بـه عـدل عـذاب کنـد یـا اگـر بخواهـد بـه لطف، توبه‌شان بپذیرد، که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست. «۲۴»

﴿الفتح﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ ٱللَّهَ يَدُ ٱللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ ۚ فَمَن نَّكَثَ فَإِنَّمَا يَنكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِۦ ۖ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَـٰهَدَ عَلَيْهُ ٱللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾

مؤمنانی که باتو بیعت کردند دست خدا بالای دست آنهاست، پس از این به بعد هرکه نقض بیعت کند به زیان و هلاکت خویش اقدام کرده و هرکه بعهدی که با خدابست وفا کند بزودی خدا باو پاداش بزرگی عطا خواهد فرمود. «۱۰»

﴿التحریم﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ تُوبُوٓاْ إِلَى ٱللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنكُمْ سَيِّـَٔاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ يَوْمَ لَا يُخْزِى ٱللَّهُ ٱلنَّبِىَّ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ ۖ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَٰنِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَآ أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَٱغْفِرْ لَنَآ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾

ای مؤمنان به درگاه خدا توبه نصوح کنید، توبه‌ای که هیچ‌گاه از آن روی گردان نشوید باشد که خدا گناهانتان زائل و محو گرداند و شما را در باغهای بهشتی که زیر، درختانش نهرها جاریست داخل کند، در آنروزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان به او ذلیل نسازد، بلکه عزیز و سرفراز ابد، گرداند. در آنروز نورایمان و عبادت آنها در پیش رو، و سمت راست ایشان می‌رود تا برایشان راهنما باشد و در مقابل آن احسان خدائی مؤمنان می‌گویند: پروردگارا تو نور ما را بحد کمال رسان و ما را بلطف و کرم خود ببخش که تنها تو بر هرچیز توانائی. «۸»

﴿التوبه﴾ إِنَّ ٱللَّهَ ٱشْتَرَىٰ مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَٰلَهُم بِأَنَّ لَهُمُ ٱلْجَنَّةَ ۚ يُقَٰتِلُونَ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِى

ٱلتَّوْرَىٰةِ وَٱلْإِنجِيلِ وَٱلْقُرْءَانِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِۦ مِنَ ٱللَّهِ ۚ فَٱسْتَبْشِرُوا۟ بِبَيْعِكُمُ ٱلَّذِى بَايَعْتُم بِهِۦ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١١١﴾

بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان رابه (بهای) بهشت خریداری می کند. (آنان باید) در راه خدا بجنگندو بکشند و کشته شوند. این وعده‌ای است که خداوند آن را در کتابهای آسمانی تورات و انجیل و قرآن (بعنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است. و چه کسی از خدا به عهد خود وفا کننده‌تر است؟ پس به معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید، و این پیروزی و رستگاری سترگی است. «۱۱۱»

راه افزایش برکت در روزی و قناعت به آن

﴿آل عمران﴾ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِندَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ



هر وقت زکریا به عبادتگاه مریم می‌آمد پیش او روزی می‌یافت و به او می‌گفت: که ای مریم این روزی از کجا برای تو می‌رسد پاسخ می‌داد این از جانب خداست که همانا خدا بهر که خواهد روزی بی‌حساب دهد. «۳۷»

﴿الأسراء﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿۳۰﴾

همانا خدای تو هرکه را خواهد روزی وسیع دهد و هرکه خواهد تنگ روزی گرداند که او به حال بندگان خود کاملاً آگاه و بصیر است.« ۳۰»

﴿الطلاق﴾ وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۳﴾

و هرکه در هر امری برخدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد«۲» و به گونه روزی او می‌رساند که خود او تعجب کند که خدا

رسانده فرمانش هست و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است. «۳»

(هود) وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا ۚ كُلٌّ فِي كِتَٰبٍ مُّبِينٍ ۝٦

هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست جز آنکه روزیش برخداست، خدا قرارگاه و منزل دائمی و آرامشگاه او را می‌داند و همه احوال خلق در دفتر خدا ثبت است. «۶»

(العنکبوت) إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَٱبْتَغُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزْقَ وَٱعْبُدُوهُ وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥٓ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝١٧

(نوح بدیشان گفت) شما غیر از خدا بتهائی را می‌پرستید (که آنها را با دست خود می‌تراشید و می‌سازید) و دروغی را بهم می‌بافید (و می‌گوئید: آنها معبودهای ما بوده و وسیله تقرب به خدایند). بجز خدا، کسانی را که می‌پرستید توانائی روزی رساندن به شما را ندارند، و روزی را از پیشگاه خدا بخواهید و او را بندگی و سپاسگزاری کنید، (و بدانید که سرانجام برای حساب و کتاب و سزا و جزا) به سوی او برگردانده می‌شوید. «۱۷»

﴿العنکبوت﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٍ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ۝ ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ۝

چه بسیارند، جنبندگانی که (در زمین با شما زندگی می‌کنند و براثر ضعف حتی) نمی‌توانند روزی خود را بردارند (وجابه جا کنند، تا آن را بخورند یا بیندوزند) خدا روزی رسان آنها و شما است. (پس غم کم و کاستی روزی را نخورید و ننگ خواری و اسارت را نپذیرید) و خدا بسی شنوا و آگاه است. (لذا دعای شما و صدای سایر آفریدگان خود را می‌شنود، و از حال همگان باخبر است. «۶۰» خداوند روزی هر کس از بندگانش را بخواهد فراوان و گسترده می‌کند و یا کم و تنگ می‌گرداند (برابر مصلحت و صلاح دیدی که خود می‌داند). خدا آگاه از هرچیز است. «۶۲»

﴿الجمعه﴾ وَإِذَا رَأَوۡاْ تِجَٰرَةً أَوۡ لَهۡوًا ٱنفَضُّوٓاْ إِلَيۡهَا وَتَرَكُوكَ قَآئِمٗاۚ قُلۡ مَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ مِّنَ ٱللَّهۡوِ وَمِنَ ٱلتِّجَٰرَةِۚ وَٱللَّهُ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ۝

(برخی از اصحاب، در یکی از جمعها) هنگامی که تجارت و یا سرگرمیی را دیدند از پیرامون تو پراکنده شدند، و تو را ایستاده (بر منبر، در حال خطبه) رها کردند! بگو: آنچه در پیش خداست بهتر از سرگرمی و بازرگانی است«۱۱».

﴿قریش﴾ لِإِيلَٰفِ قُرَيۡشٍ ۝١ إِۦلَٰفِهِمۡ رِحۡلَةَ ٱلشِّتَآءِ وَٱلصَّيۡفِ ۝٢ فَلۡيَعۡبُدُواْ رَبَّ هَٰذَا ٱلۡبَيۡتِ ۝٣ ٱلَّذِيٓ أَطۡعَمَهُم مِّن جُوعٖ وَءَامَنَهُم مِّنۡ خَوۡفِۭ



به خاطر انس و الفت قریش«۱» انس و الفتی که ایشان به کوچ نمودن و مسافرت کردن در فصل زمستان و تابستان دارند«۲» پس خدای کعبه را پرستش کنند که این امن و امنیت را برای ایشان فراهم آورده است«۳» خداوندگاری که از گرسنگی، ایشان را رهانیده است و از هراس و وحشت از راه زنان و ستمگران ایمن ساخته است«۴».

صبر رمز موفقیت است

﴿العصر﴾ وَٱلْعَصْرِ ﴿١﴾ إِنَّ ٱلْإِنسَٰنَ لَفِى خُسْرٍ ﴿٢﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلْحَقِّ وَتَوَاصَوْا۟ بِٱلصَّبْرِ ﴿٣﴾

سوگند به زمان که سرمایه زندگی انسان و فرصت تلاش او برای نیل به سعادت دو جهان است «۱» قطعاً انسانها همه زیانمندند «۲» مگر کسانی که ایمان میآورند و کارهای خوب و شایسته میکنند، و همدیگر را به تمسک به حق در قول و عمل سفارش میکنند و یکدیگر را به شکیبائی در تحمل دشواریها توصیه مینمایند «۳»

﴿الضُّحی﴾ وَٱلضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَٱلَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلْءَاخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ ٱلْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰٓ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَـَٔاوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَآلًّا فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَآئِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا ٱلْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَأَمَّا ٱلسَّآئِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

سوگند به روز در آن زمان که آفتاب بلند میگردد و همه‌جا را فرا می‌گیرد «۱» و سوگند به شب در آن هنگام که می‌آرامد و تاریک میشود و همه‌جا را فرا میگیرد «۲» پروردگارت تو را رها نکرده و مورد خشم خود قرار نداده است «۳» و فرجام کار و زندگی برای تو بهتر از آغاز است «۴» و پروردگارت به تو آنقدر بهروزی و

پیروزی و نعمت عطا خواهد کرد که تو خوشنود خواهی شد «۵» آیا خدا تو را یتیم نیافت و پناهت داد؟ «۶» و تو را سرگشته و حیران در میان جهل جاهلان و کفر کافرانی نیافت و در پرتو وحی آسمانی به یکتاپرستی رهنمود نکرد؟ «۷» و تو را فقیر و بی‌چیز نیافت و ثروتمند و دارایت نکرد؟ «۸» حال که چنین است یتیم را زبون مدار «۹» و گدا را با خشونت مران «۱۰» بلکه نعمت پروردگارت بازگو کن و از آنها صحبت بدار و شکر آنها را با بذل و بخشش بگذارا. «۱۱»

﴿الکهف﴾ وَٱصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ ٱلَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِٱلْغَدَوٰةِ وَٱلْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُۥ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُۥ عَن ذِكْرِنَا وَٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ وَكَانَ أَمْرُهُۥ فُرُطًا ﴿٢٨﴾

با کسانی باش که صبحگاهان و شامگاهان خدای خود را می‌پرستند و بفریاد میخوانند (و تنها رضای) ذات او را می‌طلبند، و چشمانداز ایشان (به سوی ثروتمندان و قدرتمندان مستکبر) برای جستن زینت حیات دنیوی برنگردد، و از کسی فرمان مبر که (به خاطر دنیادوستی و آرزوپرستی) دل او را از یاد خود غافل ساخته‌ایم، و او به دنبال آرزوی خود روان گشته است (و پیوسته فرمان یزدان را ترک گفته است) و کار و بارش همه افراط و تفریط بوده است. «۲۸»

﴿المزّمّل﴾ وَٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرْنِي وَٱلْمُكَذِّبِينَ أُولِي ٱلنَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَآ أَنكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾

در برابر چیزهائی که میگویند: شکیبائی کن، و بگونه پسندیده از ایشان دوری کن «۱۰» مرا با ثروتمندان، واگذار، که تو را و رسالت آسمانی را دروغ مینامند و تکذیب میدارند، و با آسودگی خاطر آنان را اندکی مهلت بده «۱۱» نزد ما غل و زنجیرها و آتش سوزان دوزخ است «۱۲» و همچنین خوراك گلوگیر و عذاب دردناکی موجود است. «۱۳»

﴿غافر﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَٱسْتَغْفِرْ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِٱلْعَشِيِّ وَٱلْإِبْكَٰرِ ﴿٥٥﴾

پس ای محمد بر اذیت و آزار کفار و ناملایمات روزگار شکیبائی کن، چرا که وعده خدا در امر کمك به پیغمبران خود و مؤمنان، تخلف‌ناپذیر است. و آمرزش گناهانت را بخواه و بامدادان و شامگاهان به سپاس پروردگارت بپرداز. «۵۵»

﴿غافر﴾ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿٧٧﴾

(ای محمد) شکیبا باش، وعده خدا حق است و سرانجام عذاب را گریبانگیر کفار می‌سازد، این عذابی را که ایشان وعده داده‌ایم، یا

قسمتی از آن در حیات دنیا به تو مینمایانیم، یا اینکه تو را میمیرانیم و تو آن را نخواهی دید. چه آن را ببینی و چه نبینی مهم نیست. چرا که به سوی ما برگردانده میشوند. «۷۷»

﴿النحل﴾ وَٱصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِٱللَّهِ ۚ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوا۟ وَّٱلَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

ای پیغمبرا تو نیز در برابر مصائب صحنه‌های جانسوزی که در راه تبلیغ رسالت آسمانی خواهی دید شکیبائی کن، و شکیبائی تو و هر کسی دیگری جز در پرتو لطف رحمان و به یاری و توفیق یزدان میسر نیست. (اگر کافران ایمان نیاوردند.) بر آنان اندوهگین مشو و در برابر مکر و نیرنگی که میورزند (و توطئه‌هائی که به راه می‌اندازند) ناراحت و نگران مباش (و خویشتن را در پناه خدا، دار «۱۲۷» بیگمان مرحمت و معونت خدای بزرگ شامل حال کسانی میشود که تقوی پیشه کنند، و با دوری از نواهی خود را از خشم خدا بدور دارند و با انجام اوامر الهی خویشتن را به لطف ایزد منان نزدیک سازند. «۱۲۸»

﴿الرعد﴾ وَٱلَّذِينَ صَبَرُوا۟ ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَنفَقُوا۟ مِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّٰتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ ءَابَآئِهِمْ وَأَزْوَٰجِهِمْ وَذُرِّيَّٰتِهِمْ

وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَٰمٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ ۚ فَنِعْمَ عُقْبَى ٱلدَّارِ ﴿٢٤﴾

و کسانی که در برابر مشکلات زندگی و اذیت و آزار دیگران به خاطر پروردگارشان شکیبائی میورزند و نماز را چنانکه باید میخوانند، و از چیزهائی که بدیشان دادهایم، بگونه پنهان و آشکار می‌بخشند و با انجام نیکیها بدیها را از میان برمیدارند، آنان (با انجام چنین کارهای پسندیده‌ای) عاقبت نیک دنیا (که بهشت است) از آن ایشان است «۲۲» این عاقبت نیکو باغهای بهشت است که جای ماندگاری (سرمدی و زیستن ابدی است و آنان همراه کسانی از پدران و فرزندان و همسران خود، بدانجا وارد میشوند و جملگی در کنار هم جاودانه و سعادتمندانه در آن بسر میبرند و فرشتگان از هر سوئی بر آنان وارد میشوند و بدیشان خوش‌آمد میگویند: «۲۳» (فرشتگان به آنان خواهند گفت:) درودتان باد اینجا برای همیشه به سلامت و خوشی بسر میبرید، به سبب شکیبائی (بر اذیت و آزار) و استقامتی که (بر عقیده و ایمان داشته‌اید) چه پایان خوبی دارید که بهشت یزدان و نعمت جاویدان است. «۲۴»!

(یوسف) وَجَآءُو عَلَىٰ قَمِيصِهِۦ بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ وَٱللَّهُ ٱلْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾

برادران یوسف، پیراهن آلوده به خون او را بیاوردند و به پدرشان نشان دادند پدر گفت: (چنین نیست، یوسف را گرگ نخورده است و او زنده است) بلکه این نفس اماره شما است که کار زشتی در نظرتان آراسته است و شما را دچار آن کرده است، لذا این فریب کاریها کار شما است، اما کار من صبر جمیل است (صبری که جزع و فزع، زیبائی آن را نیالاید، و ناشکری و ناسپاسی اجر آن را نزداید، و به گناه تبدیل ننماید) و تنها خدا است که باید از او یاری خواست، در برابر یاوه رسواگرانه‌ای که می گویند.«۱۸»

(البقره) يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾ وَلَا تَقُولُوا۟ لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌۢ ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُم بِشَىْءٍ مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بردباری و نماز، در برابر حوادث سخت زندگی کمک بگیرید و بدانید که خدا با بردباران است«۱۵۳» و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مگوئید، بلکه آنان زنده‌اند، و لیکن شما چگونگی زندگی ایشان را نمی‌فهمید«۱۵۴» و قطعاً شما را با برخی (امور همچون) ترس و

گرسنگی و زیان مالی و جانی و کمبود میوه‌ها، آزمایش می کنیم، و مژده بده به بردباران«۱۵۵» آن کسانی که چون بلائی بدانان میرسد، می گویند: ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم«۱۵۶» آنان همان بردباران با ایمان هستند که (الطاف و رحمت خدا شامل حالشان می گردد، و مسلماً ایشان راه یافتگان راه حق و حقیقتند.«۱۵۷».

(الأنفال) ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾﴾

از خدا و پیغمبرش اطاعت نمائید، و در میان خود اختلاف و کشمکش مکنید، که اگر اینطور کنید، درمانده و ناتوان می‌شوید و در چنین حالتی شکوه و هیبت شما از میان می‌رود، پس شکیبائی کنید که خدا با شکیبایان است. «۴۶»

دعاهای متفرقه

به هنگام روبرو شدن با هرگونه گرفتاری و چالشی، خواندن و به یاد آوردن آیه‌های زیر، بسیار مفید و با ارزش است.

نسخه‌ای قرآنی برای آرامش دلها

﴿البقره﴾ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْحَىُّ ٱلْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُۥ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ۚ لَّهُۥ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِى ٱلْأَرْضِ ۗ مَن ذَا ٱلَّذِى يَشْفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذْنِهِۦ ۚ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۖ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَىْءٍ مِّنْ عِلْمِهِۦٓ إِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ ۖ وَلَا يَـُٔودُهُۥ حِفْظُهُمَا ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِىُّ ٱلْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾

خدائی بجز اللّه وجود ندارد، او برای همیشه زنده و پایدار است، نه خوابی او را فرا می‌گیرد و نه غفلتی، و همواره بیدار است و سستی و رخوت بدو راه ندارد، از آن او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، کیست آنکه در پیشگاه او میانجیگری کند مگر با اجازه او؟ میداند آنچه را که در پیش روی مردمان است و آنچه را که در پشت سر آنان است، مطلع بر گذشته و حال و آینده و آگاه بر بود و نبود جهان است، و زمانها و مکانها در پیشگاه علم او یکسان است، مردمان هرگز به حد و حدود علم او پی نمی‌برند و چیزی از آن فرا نمی‌گیرند بجز آن مقدار که خود او بخواهد، علم و دانش محدود دیگران پرتوی از علم بی‌پایان و بی کران او است. فرماندهی و

فرمانروائی او آسمانها و زمین را در بر گرفته است، و نگهداری آن دو، برای او گران و غیر ممکن نیست، چون او بلند مرتبه و عظیم الشأن است. «۲۵۵»

این شب فرخنده را بر مؤمنان مبارک باد

(الدخان) حمٓ ﴿۱﴾ وَٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿۲﴾ إِنَّآ أَنزَلْنَٰهُ فِى لَيْلَةٍ مُّبَٰرَكَةٍ ۚ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴿۳﴾ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿۴﴾ أَمْرًا مِّنْ عِندِنَآ ۚ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۵﴾ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿۶﴾

حَم از حروف مقطعه است«۱» سوگند به قرآن که روشن و روشنگر است«۲» ما قرآن را در شبی پر خیر و برکت فرو آورده‌ایم، و در آن به کافران، مشرکان و ظالمان هشدار داده‌ایم«۳» در این شب فرخنده، هرگونه کار حکیمانه‌ای که انسان را به حقیقت آشنا و به سعادت برساند و او را از باطل و شقاوت دور گرداند، از سوی خدا بیان گشته است«۴» و کاروباری که از سوی ما صادر، و بدان دستور داده شده است، در قرآن برای انسانها روانه گشته است، و ما فرستنده محمد و همه پیغمبران و جمیع کتابهای آسمانی بوده‌ایم«۵» این کار به خاطر رحمتی است که از سوی پروردگارت، شامل حال انسانها شده است، و خداوند شنوا و آگاه است.«۶»

غم مخور که خدا با ما است

﴿التوبه﴾ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ ٱللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ثَانِىَ ٱثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِى ٱلْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَٰحِبِهِۦ لَا تَحْزَنْ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَا ۖ فَأَنزَلَ ٱللَّهُ سَكِينَتَهُۥ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُۥ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ ٱلسُّفْلَىٰ ۗ وَكَلِمَةُ ٱللَّهِ هِىَ ٱلْعُلْيَا ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۴۰﴾

اگر پیغمبر را یاری نکنید، خدا او را یاری می‌کند همانگونه که از قبل یاری کرد، آنگاه که کافران او را از مکه بیرون کردند در حالی که تنها یک نفر بهمراه داشت که رفیق دلسوزش ابوبکر بود. هنگامی که آن دو در غار (ثور) جای گزیدند و در آن، سه روز ماندگار شدند (ابوبکر ترسید که از سوی قریشیان به جان پیغمبر گزندی رسد) در این هنگام پیغمبر خطاب به رفیقش گفت: غم مخور که خدا با ما است. در آن وقت بود که، خداوند آرامش خود را بهره او ساخت، و ابوبکر نیز از این پرتو الطاف، آرام گرفت، و خداوند به وسیله سپاهیانی از فرشتگان به پیغمبر خود یاری رساند که شما آنان را نمی‌دیدید، و سرانجام سخن کافران را فرو کشید و سخن خداوند را پیوسته بالا بوده است و بالا خواهد ماند خداوند گران قدر و با حکمت است.«۴۰»

﴿الأنبیاء﴾ قَالُواْ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓاْ ءَالِهَتَكُمۡ إِن كُنتُمۡ فَٰعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلۡنَا يَٰنَارُ كُونِي بَرۡدٗا وَسَلَٰمًا عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ وَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَخۡسَرِينَ ﴿٧٠﴾

گفتند اگر می‌خواهید با خیال آسوده زندگی کنید، ابراهیم را بسوزانید و به این کار، خدایان خود را نصرت و یاری دهید«۶۸» وقتی آنان آتش را بر افروختند و ابراهیم را، در آن انداختند، ما به آتش دستور دادیم و گفتیم. ای آتش سرد شو، و بر ابراهیم آرامش بخش باش«۶۹» آنان خواستند با نیرنگ خطرناکی ابراهیم را نابود سازند، ولی ما ایشان را نابود ساختیم، چرا که نیرنگشان نگرفت، و حتی باعث ذلت نمرود و نمرودیان گردید.«۷۰»

خشنودی خدا از ما، منتهای آرزوهاست

﴿الشعراء﴾ رَبِّ هَبۡ لِي حُكۡمٗا وَأَلۡحِقۡنِي بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجۡعَلۡنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغۡفِرۡ لِأَبِيٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخۡزِنِي يَوۡمَ يُبۡعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ مَالٞ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنۡ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلۡبٖ سَلِيمٖ ﴿٨٩﴾

ابراهیم دست دعا به درگاه خدا برداشت و گفت: پروردگارا! به من کمال معرفت و مرحمت عطا بفرما تا در پرتو آن حق را حق و باطل را باطل ببینم، و قدرت، بر داوری صحیح در میان بندگانت

داشته باشم، و مرا در دنیا و آخرت از زمره شایسته‌گان و بایسته‌گان گردان«۸۳» و با توفیق در طاعت و عبادت و اعمال نیک، برای من ذکر خیر و نام نیک در میان آینده‌گان بر جای دار«۸۴» و مرا از جمله کسانی قرار ده که بهشت پر نعمت را بدست می‌آورند«۸۵» و پدرم را با رهنمود به ایمان و توفیق در طاعت و عبادات، مورد مرحمت و مشمول مغفرت گردان، و بدین وسیله او را که از گمراهان است بیامرز«۸۶» و مرا خوار و رسوا مدار در روزی که مردمان برای حساب و کتاب و سزا و جزا زنده، و برانگیخته می‌شوند«۸۷» آن روزی که نه مال به فریاد انسان می‌رسد و نه اولاد«۸۸» بلکه تنها کسی، در آن روز نجات میابد که با دلی سالم، و خالی از کفر و نفاق و ریا، به پیشگاه خدای خویش آمده باشد.«۸۹»

سرچشمه روزی ما، در آسمان است

﴿المائده﴾ إِذْ قَالَ ٱلْحَوَارِيُّونَ يَٰعِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَن يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ ۖ قَالَ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا۟ نُرِيدُ أَن نَّأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَن قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ ٱللَّهُمَّ رَبَّنَآ أَنزِلْ عَلَيْنَا مَآئِدَةً مِّنَ ٱلسَّمَآءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِّأَوَّلِنَا وَءَاخِرِنَا وَءَايَةً مِّنكَ ۖ وَٱرْزُقْنَا وَأَنتَ خَيْرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ﴿١١٤﴾

قَالَ ٱللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَن يَكْفُرْ بَعْدُ مِنكُمْ فَإِنِّيٓ أُعَذِّبُهُۥ عَذَابًا لَّآ أُعَذِّبُهُۥٓ أَحَدًا مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿١١٥﴾

و یاد آر آنگاه که حواریون به عیسی گفتند: ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگار تو می‌تواند سفره‌ای از آسمان برای ما فرو فرستد، و با پذیرش این درخواست از تو، بر ما منت نهد؟ عیسی بدیشان گفت: اگر مؤمن به خدا هستید، از خدا بترسید و مطیع اوامر و نواهی او باشید، و درخواستهای نابجا و ناروا نکنید«۱۱۲» گفتند: می‌خواهیم، به عنوان تبرک از آن خوان چیزی را بخوریم و دلهایمان با زیادت یقین به قدرت رب العالمین آرامش یابد، و به عین الیقین، بدانیم که تو در رسالت خود به ما راست گفته‌ای، و با تبدیل استدلالات نظری به مشاهدات تجربی و بصری وسوسه‌ها از زوایای دلها زدوده شود، و در پیش آنان که چنین معجزه‌ای را نمی‌بینند جزو گواهان بر آن باشیم «۱۱۳» وقتی عیسی پسر مریم دید که درخواست ایشان برای اطمینان، بیشتر است تا امتحان و شک در قدرت خدا، درخواست ایشان را پذیرفت و گفت: آفریدگارا و پروردگارا خوانی از آسمان (برای ما بندگان فرو فرست تا جشنی برای ما، مؤمنان شود و معجزه‌ای از جانب تو بر صدق نبوت من باشد، و به ما برای همیشه روزی رسان که تو بهترین روزی دهندگانی«۱۱۴» خداوند دعای عیسی را پذیرفت و بدو گفت: من آن را برای شما فرو می‌فرستم، ولی هر کس از شما از آن بیعد، اگر

کـافر شـود و راه الحـاد و انکـار بپیمایـد، او را چنـان مجـازات مـی کـنم که کسی دیگر از جهانیان را بدانگونه، مجازات نکرده باشم.«۱۱۵»
نگران نباشید که خدا نگهدار شما است

به هنگـام سـوار شـدن بـر هرگونـه وسـیله نقلیـه بـرای سـلامتی خـودت، و همراهانت، این دعا را بخوان

(هود) وَقَالَ ٱرْكَبُواْ فِيهَا بِسْمِ ٱللَّهِ مَجْرٜىٰهَا وَمُرْسَىٰهَآ ۚ إِنَّ رَبِّى لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ 

نـوح خطـاب بـه خانـدان و بـستگان بـا ایمـان خـود و سـایر مؤمنـان گفـت: سـوار کـشتی شـوید و نترسـید کـه حرکـت و توقـف آن، بـا یـاری خـدا و حفـظ و عنایـت اللّـه اسـت، و بـه هنگـام ورود بـه کـشتی و حرکـت آن، و در وقـت لنگـر انـداختن و خـروج از آن نـام خـدا را بـر زبـان رانیـد، و از حـضرت بـاری بطلبیـد و از او آمـرزش گناهـان خـود را بخواهیـد و بدانید که پروردگار من بسیار آمرزنده و بسی مهربان است.«۴۱»

و در صورت پدید آمـدن هرگونـه بلایـای طبیعـی ماننـد سـیل و طوفـان، ایـن آیه را بر زبان آرید:

وَقِيلَ يَٰٓأَرْضُ ٱبْلَعِى مَآءَكِ وَيَٰسَمَآءُ أَقْلِعِى وَغِيضَ ٱلْمَآءُ وَقُضِىَ ٱلْأَمْرُ وَٱسْتَوَتْ عَلَى ٱلْجُودِىِّ ۖ وَقِيلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٤﴾

پـس از هـلاک کـافران، گفتـه شـد: کـه‌ای آب خـود را فـرو خـور، و ای آسـمان از باریـدن بأیـست، آنگـاه بـه دسـتور خـدا، آبهـا از میـان بـرده

شد، و فرمان اجرا گردید و کار به انجام رسید و کشتی بر کوه جودی پهلو گرفت، و در این وقت بود که، گفته شد: نابود باد گروه ستمگران«۴۴»

و به هنگام پیاده شدن از مرکبه، بگوئید:

قِيلَ يَٰنُوحُ ٱهْبِطْ بِسَلَٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكَٰتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ أُمَمٍ مِّمَّن مَّعَكَ ۚ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾

و پس از آنکه طوفان همه جا را ویران کرد، به زبان وحی به نوح گفته شد: ای نوح از کشتی پیاده شو، و بدان که تو و همراهانت از امنیت ما برخوردارید و از قحطیها و بیماریها و سایر بلاها سالم و برکنارید درهای برکات خدا به روی تو و همراهانت گشوده است اَما، بعدها، ملتها و گروههای دیگری از نسل شما پدید میآیند، که آنان از نعمتها و خوشیها برخوردار می کنیم، ولی ایشان در غرور و غفلت فرو میروند، آنگاه عذاب دردناکی بدانان میرسد.«۴۸»

ایمان راستین

(الأنعام) وَكَذَٰلِكَ نُرِىٓ إِبْرَٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ ٱلْءَافِلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَٰذَا رَبِّى ۖ فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِى رَبِّى لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ

بَازِغَةً قَالَ هَٰذَا رَبِّي هَٰذَآ أَكْبَرُ ۖ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ يَٰقَوْمِ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٧٨﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا ۖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾

و همانگونه که گمراهی قوم ابراهیم را در امر پرستش بتها برای او اشکار ساختیم، همانگونه هم ملک عظیم آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم، تا از زمره باورمندان راستین شود.«۷۵» (از جمله) هنگامی که شب او را در بر گرفت و تاریکی شب را همه جا را پوشاند ستاره‌ای درخشان، را دید و گفت: این خدای من است، اما هنگامی که غروب کرد گفت من غروب کنندگان را دوست نمی‌دارم«۷۶» و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است ولی هنگامی که آن هم غروب کرد گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمائی نکند، بدون شک از زمره قوم گمراه، و جمعیت سرگشته در وادی کفر و ضلال، خواهم بود«۷۷» و هنگامی که خورشید را در حال طلوع (در کرانه افق) دید، باز گفت: این پروردگار من است (چرا که) این بزرگتر است، اما هنگامی که غروب کرد، گفت: ای قوم من، بیگمان من از آنچه شریک برای خدا قرار میدهد، بیزارم«۷۸» و بیگمان رو به کسی می‌کنم که آسمانها و زمین را، آفریده است، و به راهی میروم که بدور از هرگونه گمراهی و انحراف باشد،و بدون شک من از زمره مشرکان نیستم«۷۹»

بهترین رهنمود همانا خدا است

﴿الأعراف﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ



و برکندیم آنچه از بغض و کینه که در دنیای فانی، در دل و درون آنها ریشه دوانده بود تا برادروار در کمال صفا و صمیمیت در بهشت جاویدان وقت بسر برند، و به شکرانه این نعمت آنان می‌گویند: خدائی را سپاس گزاریم که ما را بدین نعت جاویدان و بی‌پایان رهنمود فرمود، و اگر لطف خدا نبود و توسط پیغمبران ما را رهنمود نمی‌نمود هرگز هدایت او را به چنگ نمی‌آوردیم واقعاً پیغمبران پروردگارمان حق آوردند و حق گفتند. در اینجا از سوی فرشتگان، ندا داده می‌شود که این بهشت از آن شما است و این همان بهشتی است که در جهان به شما وعده داده شده بود، و هم اینک آن را بخاطر اعمالی بایسته و کردارهای شایسته‌ای که انجام داده‌اید به ارث می‌برید«۴۳»

تنها از خدا یاری و مدد بطلبید

﴿یوسف﴾ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾

و بدین منوال یوسف را در سرزمین مصر بالا بردیم و جاه و جلال و نعمت و قدرت دادیم، آنجا هر کجا که میخواست منزل می‌گزید و هر گونه که می‌خواست دخل و تصرف می‌کرد.

آری ما نعمت خود را به هر کس که بخواهیم، و شایسته‌اش بدانیم می‌بخشیم، و هرگز پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گردانیم «۵۶».

﴿الکهف﴾ وَيَسْـَٔلُونَكَ عَن ذِى ٱلْقَرْنَيْنِ ۖ قُلْ سَأَتْلُوا۟ عَلَيْكُم مِّنْهُ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ وَءَاتَيْنَٰهُ مِن كُلِّ شَىْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ﴿٨٥﴾

ای پیغمبر، برخی از مردم، از تو در باره سرگذشت ذوالقرنین سؤال می‌کنند؟ در جواب بگو: گوشه‌ای از سرگذشت او را برایتان بازگو خواهم کرد.«۸۳» ما به او در سرزمین، قدرت و حکومت دادیم، و وسائل هر چیزی را، که برای رسیدن بدان، تلاش می‌کرد، در اختیارش نهادیم«۸۴» او هم سبب را پیگیری کرد، و از آن وسائل به طور شایسته‌ای استفاده نمود«۸۵».

بار امانت

﴿الأحزاب﴾ إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَٰنُ ۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾

ما امانت (اختیار و اراده) را بر آسمانها و زمین و کوهها (و همه جهان خلقت) عرضه داشتیم و انجام وظیفه اختیاری همراه با

مسئولیت، و انجام وظیفه اجباری بدون مسئولیت را بدیشان پیشنهاد کردیم جملگی آنها اجبار را، بر اختیار برتری دادند و از پذیرش امانت خودداری کردند و از آن ترسیدند، و حال اینکه انسان (این اعجوبه جهان) زیر بار آن رفت و دارای موقعیت بسیار ممتازی شد. اما برخی از آنان هنوز پی به ارزش وجودی خود نبرده‌اند و قدر این مقام رفیع را نمی‌دانند. واقعاً آنان ستمگر و نادانند«۷۲»

حتمی بودن پیروزی مؤمنان

(القمر) أَمۡ يَقُولُونَ نَحۡنُ جَمِيعٞ مُّنتَصِرٞ ﴿٤٤﴾ سَيُهۡزَمُ ٱلۡجَمۡعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ﴿٤٥﴾ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوۡعِدُهُمۡ وَٱلسَّاعَةُ أَدۡهَىٰ وَأَمَرُّ ﴿٤٦﴾

یا ممکن است بگویند: ما جمعیت متحد و نیرومند شکست‌ناپذیری هستیم و همدیگر را یاری می‌دهیم و از دشمنان خود انتقام می‌گیریم«۴۴» جمعیت ایشان به زودی شکست می‌خورند و از میدان کارزار میگریزند و حتماً خواهند گریخت«۴۵» و بعد از آن، موعدشان قیامت است و قیامت، بلای آن عظیم‌تر و تلخ‌تر از کشتن و اسارت در این جهان، برای ایشان است «۴۶»

امید بخشیدن به بیماران

(الفتح) لَّيۡسَ عَلَى ٱلۡأَعۡمَىٰ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡأَعۡرَجِ حَرَجٞ وَلَا عَلَى ٱلۡمَرِيضِ حَرَجٞۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ يُدۡخِلۡهُ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبۡهُ عَذَابًا أَلِيمٗا ﴿١٧﴾

بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست اگر در جهاد شرکت نکنند، پس هر کس از خدا و فرستاده‌اش فرمانبرداری کند، خدا او را به باغهای بهشت وارد می‌سازد، بهشتی که رودبارها در زیر کاخها و درختان آن روان است، و هر کس سرپیچی کند، خدا او را به عذاب دردناکی گرفتار می‌سازد«۱۷»

از آداب حضور در مجالس

«المجادله» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ۖ وَإِذَا قِيلَ انْشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

ای مؤمنان، هنگامی که در مجالس حضور پیدا می‌کنید، اگر به شما گفته شد: جای باز کنید! جای باز کنید تا خدا نیز در کارهای شما گشایش دهد، واگر به شما گفته شد: برخیزید، برخیزید. اگر چنین کنید، خداوند، به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و بهره‌ای از علم برده‌اند درجات بزرگی می‌بخشد، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است«۱۱»

توان انسان که محدود است

«المائده» يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

ای مؤمنان! از خدا بترسید (و از اوامر او اطاعت کنید و از نواهی او اجتناب ورزید) و برای تقرب به خدا وسیله بجوئید (که عبارت از طاعت و عبادت و اعمال شایسته و همراهی با نیکان و مردان خدا است، و در راه او جهاد کنید تا اینکه رستگار شوید)«۳۵»

مژده‌ات باد مؤمن، که درگاه رحمت باز است

(النساء) إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِۦ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِٱللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَٰلًۢا بَعِيدًا ﴿١١٦﴾

بیگمان خداوند شرک ورزیدن به خود را، از هر کسی نمیآمرزد، ولی پائین‌تر از آن از هر کس که بخواهد، و صلاح بداند می‌بخشد.

پس هر که برای خدا انباز قرار دهد، به راستی او از راه راست منحرف گشته است، و خیلی از حق و حقیقت پرت شده است«۱۱۶»

ماهیت انسان در نیایشهای او تجلی می‌کند

(الفرقان) قُلْ مَا يَعْبَؤُا۟ بِكُمْ رَبِّى لَوْلَا دُعَآؤُكُمْ ۖ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًۢا ﴿٧٧﴾

بگو: اگر پرستش و دعاهای شما نباشد، پروردگار من، اعتنائی به شما ندارد و برایتان هیچ ارزشی قائل نیست، چرا که این تنها بندگان مخلص خدا هستند که بوسیله نیایشها و عبادتشان رضایت و خشنودی او را بدست خواهند آورد، اما شما کافران رسالت آسمانی

را تکذیب می‌کنید، و در نتیجه آن، سزای کفر و عصیان خود را خواهید دید«۷۷»

توکل بر خدا

(یونس) فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾

پس مؤمنان گفتند: توکل ما، تنها بر خدا است. پروردگارا ما را، وسیله آزمون مردمان ستمکار، قرار مده که ما تاب و توان شکنجه ستمکاران را نداریم«۸۵» و ما را با فضل و رحمت خود از دست مردمان کافر نجات بده«۸۶»

یا شافی

(اسراء) وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

ما آیاتی از قرآن فرو می‌فرستیم که مایه‌ی شفا بخشیدن به بیماران و پاک سازی درونها از کثافات هوی و هوس و تباهی و گمراهی است و بر مؤمنان رحمت است ولی بر ستمگران (کافر به سبب ستیز نور حق و داشتن روح طغیان جز زیان نمی‌افزاید«۸۲».

خود را در پناه خدا قرار دهید

(یس) إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُم مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾

ما به گردنهای ایشان غلهائی گذاشته‌ایم که تا چانه‌هایشان می‌رسد و سرهای ایشان بر اثر آن رو به بالا نگاه داشته می‌شود بنابر این نه می‌توانند به زیر پاهای خود بنگرند و نه می‌توانند سرهایشان را به این سو و آن سو حرکت دهند.«۸»

ما در پیش روی آنان سدی و در پشت سرهایشان سدی قرار داده‌ایم (لذا مانند کسانی می‌مانند که در میان دو سد گیر کرده باشند و پیش رو و پشت سر خود را مشاهده نکنند). و بدین وسیله جلو چشمان ایشان را گرفته‌ایم و دیگر نمی‌بینند.«۹»

خدا را فراموش مکن

(القمر) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ﴿٤٠﴾

ما جهت یادآوری، برای انسانها، قرآن را آسان نموده‌ایم، آیا پند پذیرنده و عبرت گیرنده‌ای هست؟«۴۰»

جهت ترجمه آیه‌های قرآن کریم در این کتاب از ترجمه کتاب تفسیر نور تألیف دکتر مصطفی خرم دل استفاده شده است.

